



مرکز تحقیقات ایران اسلامی

اصفهان

گامی



عَلَّمَ الْقُرْآنَ

WWW.Ghaemiyeh.com
WWW.Ghaemiyeh.org
WWW.Ghaemiyeh.net
WWW.Ghaemiyeh.ir

تفسیر نور

(سورہ انفام)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر نور (سوره انعام)

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۹	تفسیر نور (سوره انعام)
۲۹	مشخصات کتاب
۳۰	سیمای سوره انعام
۳۱	آیه اول
۳۱	آیه اول
۳۱	نکته ها
۳۲	پیام ها
۳۲	آیه ۲
۳۲	آیه ۲
۳۲	نکته ها
۳۳	پیام ها
۳۳	آیه ۳
۳۳	آیه ۳
۳۳	نکته ها
۳۳	پیام ها
۳۴	آیه ۵ و ۴
۳۴	آیه ۵ و ۴
۳۴	نکته ها
۳۴	پیام ها
۳۴	آیه ۶
۳۴	آیه ۶
۳۵	نکته ها
۳۵	پیام ها

آیه ۷ ۳۶

آیه ۷ ۳۶

نکته ها ۳۶

پیام ها ۳۶

آیه ۸ ۳۷

آیه ۸ ۳۷

نکته ها ۳۷

پیام ها ۳۷

آیه ۹ ۳۷

آیه ۹ ۳۷

نکته ها ۳۸

پیام ها ۳۸

آیه ۱۰ ۳۸

آیه ۱۰ ۳۸

نکته ها ۳۸

پیام ها ۳۸

آیه ۱۱ ۳۹

آیه ۱۱ ۳۹

نکته ها ۳۹

پیام ها ۳۹

آیه ۱۲ ۴۰

آیه ۱۲ ۴۰

نکته ها ۴۰

پیام ها ۴۱

آیه ۱۳ ۴۲

آیه ۱۳ ۴۲

- ۴۲ نکته ها
- ۴۲ پیام ها
- ۴۲ آیه ۱۴
- ۴۲ آیه ۱۴
- ۴۲ نکته ها
- ۴۲ پیام ها
- ۴۴ آیه ۱۵
- ۴۴ آیه ۱۵
- ۴۴ نکته ها
- ۴۴ پیام ها
- ۴۴ آیه ۱۶
- ۴۴ آیه ۱۶
- ۴۵ نکته ها
- ۴۵ پیام ها
- ۴۵ آیه ۱۷
- ۴۵ آیه ۱۷
- ۴۵ پیام ها
- ۴۶ آیه ۱۸
- ۴۶ آیه ۱۸
- ۴۶ نکته ها
- ۴۶ پیام ها
- ۴۶ آیه ۱۹
- ۴۶ آیه ۱۹
- ۴۶ نکته ها
- ۴۸ پیام ها
- ۴۹ آیه ۲۰

آیه ۲۰ - ۴۹

نکته ها - ۴۹

پیام ها - ۴۹

آیه ۲۱ - ۵۰

آیه ۲۱ - ۵۰

نکته ها - ۵۰

پیام ها - ۵۰

آیه ۲۲ - ۵۰

آیه ۲۲ - ۵۰

نکته ها - ۵۰

پیام ها - ۵۱

آیه ۲۳ - ۵۱

آیه ۲۴ - ۵۱

آیه ۲۴ - ۵۱

نکته ها - ۵۱

پیام ها - ۵۲

آیه ۲۵ - ۵۳

آیه ۲۵ - ۵۳

نکته ها - ۵۳

پیام ها - ۵۴

آیه ۲۶ - ۵۴

آیه ۲۶ - ۵۴

نکته ها - ۵۴

پیام ها - ۵۶

آیه ۲۷ - ۵۷

آیه ۲۷ - ۵۷

۵۷ نکته ها

۵۷ پیام ها

۵۷ آیه ۲۸

۵۷ آیه ۲۸

۵۷ نکته ها

۵۸ پیام ها

۵۸ آیه ۲۹

۵۸ آیه ۳۰

۵۸ آیه ۳۰

۵۸ نکته ها

۶۰ پیام ها

۶۰ آیه ۳۱

۶۰ آیه ۳۱

۶۰ نکته ها

۶۲ پیام ها

۶۲ آیه ۳۲

۶۲ آیه ۳۲

۶۲ نکته ها

۶۴ پیام ها

۶۴ آیه ۳۳

۶۴ آیه ۳۳

۶۴ نکته ها

۶۴ پیام ها

۶۵ آیه ۳۴

۶۵ آیه ۳۴

۶۵ نکته ها

پیام ها - ۶۶

آیه ۳۵ - ۶۷

آیه ۳۵ - ۶۷

نکته ها - ۶۷

پیام ها - ۶۷

آیه ۳۶ - ۶۸

آیه ۳۶ - ۶۸

نکته ها - ۶۸

پیام ها - ۶۸

آیه ۳۷ - ۶۸

آیه ۳۷ - ۶۸

نکته ها - ۶۹

پیام ها - ۷۰

آیه ۳۸ - ۷۰

آیه ۳۸ - ۷۰

نکته ها - ۷۰

پیام ها - ۷۲

آیه ۳۹ - ۷۳

آیه ۳۹ - ۷۳

نکته ها - ۷۳

پیام ها - ۷۳

آیه ۴۰ - ۷۴

آیه ۴۰ - ۷۴

نکته ها - ۷۴

پیام ها - ۷۴

آیه ۴۱ - ۷۴

۷۴ نکته ها

۷۴ پیام ها

۷۵ آیه ۴۲

۷۵ آیه ۴۲

۷۵ نکته ها

۷۵ پیام ها

۷۶ آیه ۴۳

۷۶ آیه ۴۳

۷۶ پیام ها

۷۶ آیه ۴۴

۷۶ آیه ۴۴

۷۶ نکته ها

۷۸ پیام ها

۷۸ آیه ۴۵

۷۸ آیه ۴۵

۷۸ نکته ها

۷۸ پیام ها

۷۹ آیه ۴۶

۷۹ آیه ۴۶

۷۹ نکته ها

۸۰ پیام ها

۸۱ آیه ۴۷

۸۱ آیه ۴۷

۸۱ نکته ها

۸۱ پیام ها

۸۲ آیه ۴۸

آیه ۴۹ ۸۲

آیه ۴۹ ۸۲

نکته ها ۸۲

پیام ها ۸۲

آیه ۵۰ ۸۴

آیه ۵۰ ۸۴

نکته ها ۸۴

پیام ها ۸۵

آیه ۵۱ ۸۶

آیه ۵۱ ۸۶

نکته ها ۸۶

پیام ها ۸۶

آیه ۵۲ ۸۶

آیه ۵۲ ۸۶

نکته ها ۸۷

پیام ها ۸۷

آیه ۵۳ ۸۸

آیه ۵۳ ۸۸

نکته ها ۸۸

پیام ها ۸۸

آیه ۵۴ ۹۰

آیه ۵۵ ۹۰

آیه ۵۵ ۹۰

نکته ها ۹۰

پیام ها ۹۰

آیه ۵۶ ۹۲

۹۲	آیه ۵۶
۹۲	پیام ها
۹۳	آیه ۵۷
۹۳	آیه ۵۷
۹۳	نکته ها
۹۳	پیام ها
۹۴	آیه ۵۸
۹۴	آیه ۵۸
۹۴	پیام ها
۹۴	آیه ۵۹
۹۴	آیه ۵۹
۹۵	نکته ها
۹۵	پیام ها
۹۶	آیه ۶۰
۹۶	آیه ۶۰
۹۶	نکته ها
۹۶	پیام ها
۹۷	آیه ۶۱
۹۷	آیه ۶۱
۹۷	نکته ها
۹۸	پیام ها
۹۸	آیه ۶۲
۹۸	آیه ۶۲
۹۸	نکته ها
۹۹	پیام ها
۱۰۰	آیه ۶۳

آیه ۶۴ ۱۰۰

آیه ۶۴ ۱۰۰

نکته ها ۱۰۰

پیام ها ۱۰۰

آیه ۶۵ ۱۰۲

آیه ۶۶ ۱۰۲

آیه ۶۶ ۱۰۲

نکته ها ۱۰۲

پیام ها ۱۰۳

آیه ۶۷ ۱۰۴

آیه ۶۷ ۱۰۴

نکته ها ۱۰۴

پیام ها ۱۰۴

آیه ۶۸ ۱۰۴

آیه ۶۸ ۱۰۴

نکته ها ۱۰۵

پیام ها ۱۰۶

آیه ۶۹ ۱۰۷

آیه ۶۹ ۱۰۷

نکته ها ۱۰۷

پیام ها ۱۰۷

آیه ۷۰ ۱۰۸

آیه ۷۰ ۱۰۸

نکته ها ۱۰۹

پیام ها ۱۰۹

آیه ۷۱ ۱۱۰

آیه ۷۲ - ۱۱۰

آیه ۷۲ ۱۱۰

نکته ها ۱۱۰

پیام ها ۱۱۰

آیه ۷۳ - ۱۱۲

آیه ۷۳ ۱۱۲

نکته ها ۱۱۲

پیام ها ۱۱۲

آیه ۷۴ - ۱۱۳

آیه ۷۴ ۱۱۳

نکته ها ۱۱۳

پیام ها ۱۱۴

آیه ۷۵ - ۱۱۴

آیه ۷۵ ۱۱۴

نکته ها ۱۱۴

پیام ها ۱۱۶

آیه ۷۶ - ۱۱۶

آیه ۷۶ ۱۱۶

نکته ها ۱۱۶

پیام ها ۱۱۸

آیه ۷۷ - ۱۱۸

آیه ۷۷ ۱۱۸

نکته ها ۱۱۸

پیام ها ۱۱۸

آیه ۷۸ - ۱۲۰

آیه ۷۸ ۱۲۰

- ۱۲۰ نکته ها
- ۱۲۰ پیام ها
- ۱۲۰ آیه ۷۹
- ۱۲۱ آیه ۷۹
- ۱۲۱ نکته ها
- ۱۲۱ پیام ها
- ۱۲۱ آیه ۸۰
- ۱۲۱ آیه ۸۰
- ۱۲۲ پیام ها
- ۱۲۳ آیه ۸۱
- ۱۲۳ آیه ۸۱
- ۱۲۳ نکته ها
- ۱۲۳ پیام ها
- ۱۲۳ آیه ۸۲
- ۱۲۴ آیه ۸۳
- ۱۲۴ آیه ۸۳
- ۱۲۴ نکته ها
- ۱۲۴ پیام ها
- ۱۲۶ آیه ۸۴
- ۱۲۶ آیه ۸۴
- ۱۲۶ نکته ها
- ۱۲۶ پیام ها
- ۱۲۷ آیه ۸۶
- ۱۲۷ آیه ۸۷
- ۱۲۷ آیه ۸۷
- ۱۲۷ نکته ها

آیه ۸۸ ----- ۱۲۷

آیه ۸۸ ----- ۱۲۷

پیام ها ----- ۱۲۹

آیه ۸۹ ----- ۱۲۹

آیه ۸۹ ----- ۱۲۹

نکته ها ----- ۱۲۹

پیام ها ----- ۱۳۰

آیه ۹۰ ----- ۱۳۱

آیه ۹۰ ----- ۱۳۱

نکته ها ----- ۱۳۱

پیام ها ----- ۱۳۱

آیه ۹۱ ----- ۱۳۲

آیه ۹۱ ----- ۱۳۲

نکته ها ----- ۱۳۲

پیام ها ----- ۱۳۲

آیه ۹۲ ----- ۱۳۳

آیه ۹۲ ----- ۱۳۳

نکته ها ----- ۱۳۵

پیام ها ----- ۱۳۵

آیه ۹۳ ----- ۱۳۵

آیه ۹۳ ----- ۱۳۵

نکته ها ----- ۱۳۶

پیام ها ----- ۱۳۶

آیه ۹۴ ----- ۱۳۷

آیه ۹۴ ----- ۱۳۷

نکته ها ----- ۱۳۷

- ۱۳۷ پیام ها
- ۱۳۸ آیه ۹۵ -
- ۱۳۸ آیه ۹۵
- ۱۳۸ نکته ها
- ۱۳۸ پیام ها
- ۱۳۹ آیه ۹۶ -
- ۱۳۹ آیه ۹۶
- ۱۳۹ نکته ها
- ۱۳۹ پیام ها
- ۱۳۹ آیه ۹۷ -
- ۱۳۹ آیه ۹۷
- ۱۴۰ نکته ها
- ۱۴۱ پیام ها
- ۱۴۱ آیه ۹۸ -
- ۱۴۱ آیه ۹۸
- ۱۴۱ نکته ها
- ۱۴۱ پیام ها
- ۱۴۲ آیه ۹۹ -
- ۱۴۲ آیه ۹۹
- ۱۴۲ نکته ها
- ۱۴۳ پیام ها
- ۱۴۳ آیه ۱۰۰ -
- ۱۴۳ آیه ۱۰۰
- ۱۴۳ نکته ها
- ۱۴۳ پیام ها
- ۱۴۴ آیه ۱۰۱ -

۱۴۴ آیة ۲۰

۱۴۴ آیة ۲۰

۱۴۴ نکته ها

۱۴۴ پیام ها

۱۴۵ آیة ۳۰

۱۴۵ آیة ۳۰

۱۴۵ نکته ها

۱۴۶ پیام ها

۱۴۶ آیة ۴۰

۱۴۶ آیة ۴۰

۱۴۶ نکته ها

۱۴۷ پیام ها

۱۴۷ آیة ۵۰

۱۴۷ آیة ۵۰

۱۴۷ نکته ها

۱۴۸ پیام ها

۱۴۸ آیة ۶۰

۱۴۸ آیة ۶۰

۱۴۸ نکته ها

۱۴۹ پیام ها

۱۴۹ آیة ۷۰

۱۴۹ آیة ۷۰

۱۴۹ نکته ها

۱۴۹ پیام ها

۱۴۹ آیة ۸۰

۱۵۰ آیة ۸۰

۱۵۰	نکته ها
۱۵۱	پیام ها
۱۵۲	آیه ۱۰۹
۱۵۲	آیه ۱۰۹
۱۵۲	نکته ها
۱۵۲	پیام ها
۱۵۲	آیه ۱۱۰
۱۵۲	آیه ۱۱۰
۱۵۳	پیام ها
۱۵۳	آیه ۱۱۱
۱۵۳	آیه ۱۱۱
۱۵۳	نکته ها
۱۵۵	پیام ها
۱۵۵	آیه ۱۱۲
۱۵۵	آیه ۱۱۲
۱۵۵	نکته ها
۱۵۵	پیام ها
۱۵۷	آیه ۱۱۳
۱۵۷	آیه ۱۱۳
۱۵۷	نکته ها
۱۵۷	پیام ها
۱۵۷	آیه ۱۱۴
۱۵۷	آیه ۱۱۴
۱۵۸	نکته ها
۱۵۸	پیام ها
۱۵۹	آیه ۱۱۵

آیه ۱۱۵ ۱۵۹

نکته ها ۱۵۹

پیام ها ۱۵۹

آیه ۱۱۶ ۱۶۱

آیه ۱۱۶ ۱۶۱

نکته ها ۱۶۱

پیام ها ۱۶۱

آیه ۱۱۷ ۱۶۱

آیه ۱۱۷ ۱۶۲

نکته ها ۱۶۲

پیام ها ۱۶۲

آیه ۱۱۸ ۱۶۲

آیه ۱۱۸ ۱۶۲

نکته ها ۱۶۲

پیام ها ۱۶۲

آیه ۱۱۹ ۱۶۳

آیه ۱۱۹ ۱۶۳

نکته ها ۱۶۳

پیام ها ۱۶۳

آیه ۱۲۰ ۱۶۵

آیه ۱۲۰ ۱۶۵

نکته ها ۱۶۵

پیام ها ۱۶۵

آیه ۱۲۱ ۱۶۵

آیه ۱۲۱ ۱۶۵

نکته ها ۱۶۶

پیام ها ۱۶۷

آیه ۱۲۲ ۱۶۷

آیه ۱۲۲ ۱۶۷

نکته ها ۱۶۸

پیام ها ۱۶۸

آیه ۱۲۳ ۱۶۹

آیه ۱۲۳ ۱۶۹

نکته ها ۱۶۹

پیام ها ۱۶۹

آیه ۱۲۴ ۱۷۰

آیه ۱۲۴ ۱۷۰

نکته ها ۱۷۰

پیام ها ۱۷۰

آیه ۱۲۵ ۱۷۰

آیه ۱۲۵ ۱۷۰

نکته ها ۱۷۱

پیام ها ۱۷۲

آیه ۱۲۶ ۱۷۳

آیه ۱۲۶ ۱۷۳

نکته ها ۱۷۳

پیام ها ۱۷۳

آیه ۱۲۷ ۱۷۳

آیه ۱۲۷ ۱۷۳

پیام ها ۱۷۳

آیه ۱۲۸ ۱۷۴

آیه ۱۲۸ ۱۷۴

۱۷۴ نکته ها

۱۷۴ پیام ها

۱۷۶ آیه ۱۲۹

۱۷۶ آیه ۱۲۹

۱۷۶ نکته ها

۱۷۶ پیام ها

۱۷۶ آیه ۱۳۰

۱۷۶ آیه ۱۳۰

۱۷۷ نکته ها

۱۷۷ پیام ها

۱۷۸ آیه ۱۳۱

۱۷۸ آیه ۱۳۱

۱۷۸ نکته ها

۱۷۸ پیام ها

۱۷۸ آیه ۱۳۲

۱۷۸ آیه ۱۳۲

۱۷۸ نکته ها

۱۷۹ پیام ها

۱۷۹ آیه ۱۳۳

۱۷۹ آیه ۱۳۴

۱۷۹ آیه ۱۳۴

۱۷۹ پیام ها

۱۸۰ آیه ۱۳۵

۱۸۰ آیه ۱۳۵

۱۸۱ پیام ها

۱۸۱ آیه ۱۳۶

آیه ۱۳۶ ۱۸۱
نکته ها ۱۸۱
پیام ها ۱۸۱
آیه ۱۳۷ ۱۸۲
آیه ۱۳۷ ۱۸۲
نکته ها ۱۸۲
پیام ها ۱۸۲
آیه ۱۳۸ ۱۸۴
آیه ۱۳۸ ۱۸۴
نکته ها ۱۸۴
پیام ها ۱۸۵
آیه ۱۳۹ ۱۸۵
آیه ۱۳۹ ۱۸۵
نکته ها ۱۸۵
پیام ها ۱۸۵
آیه ۱۴۰ ۱۸۶
آیه ۱۴۰ ۱۸۶
نکته ها ۱۸۶
پیام ها ۱۸۶
آیه ۱۴۱ ۱۸۶
آیه ۱۴۱ ۱۸۷
نکته ها ۱۸۷
پیام ها ۱۸۸
آیه ۱۴۲ ۱۸۹
آیه ۱۴۲ ۱۸۹
نکته ها ۱۸۹

۱۸۹	پیام ها
۱۹۰	آیه ۱۴۳
۱۹۰	آیه ۱۴۴
۱۹۰	آیه ۱۴۴
۱۹۰	نکته ها
۱۹۲	پیام ها
۱۹۲	آیه ۱۴۵
۱۹۲	آیه ۱۴۵
۱۹۳	نکته ها
۱۹۳	پیام ها
۱۹۴	آیه ۱۴۶
۱۹۴	آیه ۱۴۶
۱۹۵	نکته ها
۱۹۶	پیام ها
۱۹۶	آیه ۱۴۷
۱۹۶	آیه ۱۴۷
۱۹۶	پیام ها
۱۹۶	آیه ۱۴۸
۱۹۷	آیه ۱۴۸
۱۹۸	نکته ها
۱۹۹	پیام ها
۱۹۹	آیه ۱۴۹
۱۹۹	آیه ۱۴۹
۲۰۰	نکته ها
۲۰۰	پیام ها
۲۰۱	آیه ۱۵۰

- آیه ۱۵۰ ۲۰۱
- نکته ها ۲۰۱
- پیام ها ۲۰۱
- آیه ۱۵۱ ۲۰۳
- آیه ۱۵۱ ۲۰۳
- نکته ها ۲۰۳
- پیام ها ۲۰۴
- آیه ۱۵۲ ۲۰۵
- آیه ۱۵۲ ۲۰۵
- نکته ها ۲۰۵
- پیام ها ۲۰۶
- آیه ۱۵۳ ۲۰۷
- آیه ۱۵۳ ۲۰۷
- نکته ها ۲۰۷
- پیام ها ۲۰۸
- آیه ۱۵۴ ۲۰۸
- آیه ۱۵۴ ۲۰۸
- نکته ها ۲۰۸
- پیام ها ۲۰۸
- آیه ۱۵۵ ۲۰۹
- آیه ۱۵۶ ۲۰۹
- آیه ۱۵۶ ۲۰۹
- نکته ها ۲۰۹
- پیام ها ۲۰۹
- آیه ۱۵۷ ۲۱۰
- آیه ۱۵۷ ۲۱۰

- ۲۱۰ نکته ها
- ۲۱۰ پیام ها
- ۲۱۰ آیه ۱۵۸
- ۲۱۱ آیه ۱۵۸
- ۲۱۲ نکته ها
- ۲۱۲ پیام ها
- ۲۱۲ آیه ۱۵۹
- ۲۱۲ آیه ۱۵۹
- ۲۱۲ نکته ها
- ۲۱۴ پیام ها
- ۲۱۵ آیه ۱۶۰
- ۲۱۵ آیه ۱۶۰
- ۲۱۵ نکته ها
- ۲۱۶ پیام ها
- ۲۱۶ آیه ۱۶۱
- ۲۱۶ آیه ۱۶۱
- ۲۱۶ نکته ها
- ۲۱۶ پیام ها
- ۲۱۷ آیه ۱۶۲
- ۲۱۷ آیه ۱۶۳
- ۲۱۷ آیه ۱۶۳
- ۲۱۷ نکته ها
- ۲۱۸ پیام ها
- ۲۱۹ آیه ۱۶۴
- ۲۱۹ آیه ۱۶۴
- ۲۱۹ نکته ها

۲۲۰ پیام ها

۲۲۰ آیه ۱۶۵

۲۲۰ آیه ۱۶۵

۲۲۰ نکته ها

۲۲۰ پیام ها

۲۲۱ پی نوشتها ۸۶۹

۲۴۱ درباره مرکز

سرشناسه: قرائتی محسن ۱۳۲۴ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر نور/ تالیف محسن قرائتی مشخصات نشر: قم موسسه در راه حق ۱۳۷۴ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: دوره ۹۶۴-۹۰۴۰۲-۷-۷: ۴۰۰۰۰ ریال (دوره، چاپ دوم)؛ ۰۰۰۲۱ ریال (دوره، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۲۱ ریال: دوره، چاپ چهارم ۴۶۹-۵۲۴۶-۳۵-۴: ۰۰۰۷۱ ریال: دوره، چاپ هشتم ۴۶۹-۲۵۶۵-۹۰-X:؛ ج. ۱. ۴۶۹-۵۲۴۶-۹۴-۶:؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج. ۱، چاپ دوم)؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۱، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج. ۱، چاپ چهارم)؛ ج. ۲. ۴۶۹-۵۲۴۶-۶۵-X:؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج. ۲، چاپ دوم)؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج. ۲، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۲۱ ریال: ج. ۲، چاپ چهارم ۴۶۹-۵۲۴۶-۰۵-X:؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج. ۳، چاپ اول)؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۳، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۰۸ ریال (ج. ۴، چاپ اول)؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۴، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۵۱ ریال: ج. ۴، چاپ پنجم ۴۶۹-۵۲۴۶-۹۴-۶:؛ ۰۰۰۲۱ ریال: ج. ۵ ۴۶۹-۲۰۴۰۹-۶-۹:؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۵، چاپ پنجم)؛ ۰۰۰۳۱ ریال (ج. ۵، چاپ ششم)؛ ج. ۶ ۴۶۹-۲۵۶۵-۲۰-۲:؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۶، چاپ اول)؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج. ۶، چاپ سوم)؛ ۰۰۰۳۱ ریال (ج. ۶، چاپ چهارم)؛ ۰۰۰۵۱ ریال (ج. ۶، چاپ پنجم)؛ ۰۰۰۷۱ ریال: ج. ۶، چاپ هفتم ۴۶۹-۲۵۶۵-۸۱-۹: یادداشت: ج. ۱ و ۲ (چاپ دوم زمستان ۴۷۳۱). یادداشت: ج. ۱ (چاپ سوم تابستان ۵۷۳۱). یادداشت: ج. ۱ (چاپ چهارم: زمستان ۵۷۳۱). یادداشت: ج. ۲ (چاپ دوم: پاییز ۶۷۳۱). یادداشت: ج. ۲ و ۳ (چاپ سوم ۷۷۳۱). یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول پاییز ۵۷۳۱). یادداشت

ج ۴ (چاپ اول ۱۳۷۵). یادداشت : ج ۳ و ۴ (چاپ دوم پاییز ۱۳۷۶). یادداشت : ج ۴ (چاپ پنجم: ۱۳۷۹). یادداشت : ج ۵ (چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۸). یادداشت : ج ۵ (چاپ ششم پائیز ۱۳۷۹). یادداشت : ج ۶ (چاپ سوم زمستان ۱۳۷۹). یادداشت : ج ۶ (چاپ چهارم ۱۳۷۹). یادداشت : ج ۶ (چاپ پنجم ۱۳۸۰). یادداشت : ج ۶ (چاپ هفتم و هشتم: ۱۳۸۲). یادداشت : کتابنامه مندرجات : -ج.۲. آل عمران، النساء- ج.۳. مائده، انعام- ج.۴. اعراف، انفال- موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ شناسه افزوده : موسسه در راه حق رده بندی کنگره : BP۹۸/ق۳۵ت۷ ۱۳۷۴ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : م ۷۵-۴۷۰۰

سیمای سوره انعام

این سوره ، یکصد و شصت و پنج آیه دارد و همه ی آیاتش یکجا در مکه و با تشریفات خاصی نازل شده است . جبرئیل ، این سوره را با بدرقه ی هفتاد هزار فرشته بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد .

پیام اصلی آیات این سوره ، مبارزه با شرک و دعوت به توحید است . از آنجا که مشرکان جزیره العرب به اعتقاد خود ، بعضی چهارپایان را حلال و برخی را حرام می دانستند ، قرآن در مقام مبارزه با اینگونه خرافات و باورهای غلط ، از آیه ی ۱۳۶ این سوره به بعد ، احکامی را در مورد چهارپایان بیان می دارد که بدین جهت این سوره ، انعام نام گرفته است .

روایاتی درباره ی فضیلت این سوره و نیز

برآورده شدن حاجت به واسطه ی تلاوت این سوره آمده است . از جمله از امام صادق علیه السلام نقل شده که هر کس چهار رکعت نماز (با دو سلام) بخواند ، آنگاه این سوره و سپس دعایی را قرائت کند ، حاجاتش برآورده می شود . (۱)

در هیچ سوره ای به اندازه ی این سوره ، کلمه ی قل نیامده است . تکرار ۴۴ بار این خطاب به پیامبر ، شاید به خاطر آن است که در این سوره ، عقائد باطل و انحراف ها و توقعات بی جای مشرکان بیان شده و لازم است قاطعیت در کار باشد . این مطلب بیانگر آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور است متن وحی را بی کم و کاست بگوید .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

آیه اول

آیه اول

۱- اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد ، اما کافران (دیگران را) با پروردگارشان برابر و همتا می گیرند .

نکته ها

○ در تمام قرآن ، واژه ی نور مفرد و واژه ی ظلمات به صورت جمع آمده است . اصولاً- حق ، یکی و راههای باطل بسیار است . آری نور ، نشانه ی وحدت و ظلمات ، نشانه ی پراکندگی است . يعدلون از عدل ، به معنای همتاست .

○ اولین آیه ی این سوره ، به آفرینش نظام هستی ، دؤمین آیه به آفرینش انسان و سؤمین آیه به نظارت بر اعمال و رفتار انسان اشاره دارد .

○ به فرموده ی حضرت علی علیه السلام : این آیه ، پاسخ به سه گروه از منحرفان است :

الف : مادیون که منکر آفرینش الهی و حدوث خلقتند . خلق السماوات . . .

ب : دو گانه پرستان که برای نور و ظلمت دو مبداء قائلند . جعل الظلمات والنور (۲)

ج : مشرکین که برای خداوند ، شریک و شبیه قائلند . ثم الذين كفروا بربهم يعدلون (۳)

○ امام موسی بن جعفر ۸ دربارہ ی . . . برّبهم يعدلون فرمودند : یعنی کافران ، ظلمات و نور و جور و عدل را یکسان می شمارند . (۴)

پیام ها

۱ خداوند هم از عدم به وجود آورده است ، هم در موجودها ، کیفیات جدید و نوآوری هایی قرار می دهد . (آفرینش ابتدائی خَلَقَ آفرینش تبعی جَعَلَ)

۲ شریک دانستن برای خدا ، نوعی انکار خدا و کفر به اوست . الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

آیه ۲

آیه ۲

۲-هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

او کسی است که شما را از گل آفرید ، پس از آن اجل را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و اجل معین (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیا است) نزد اوست . پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید ؟

نکته ها

○ در آیه ی پیش ، مسائل آفاقی و خلقت آسمان ها و زمین مطرح شده ، اینجا خلقت انسان و حیات محدود او در این دنیا آمده است .

○ در قرآن ، ۲۱ مرتبه از اجل مسمی سخن به میان آمده است .

○ خداوند برای عمر انسان دو نوع زمان بندی قرار داده : یکی حتمی که اگر همه ی مراقبت ها هم به عمل آید ، عمر (مانند نفت چراغ) تمام می شود . و دیگری غیر حتمی که مربوط به کردار خودمان است ، مثل چراغی که نفت دارد ، ولی آن را در معرض طوفان قرار دهیم .

○ در روایات ، کارهایی چون صله ی رحم ، صدقه ، زکات و دعا سبب طول عمر و اعمالی چون قطع رحم و ظلم ، سبب کوتاه شدن عمر دانسته شده است . (۵)

○ امام باقر علیه السلام در مورد اجل- و اجل فرمود : آنها دو اجل هستند : یکی محتوم و قطعی و دیگری موقوف (یعنی مشروط و معلق) . (۶)

○ به نقل ابن عباس ، خداوند برای انسان دو اجل قرار داده : یکی از تولد تا مرگ ، دیگری از مرگ تا قیامت . انسان

با اعمال خود ، گاهی از یکی می کاهد و به دیگری می افزاید . پس پایان اءجل هیچکس قابل تغییر نیست . وما يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ (۷)

پیام ها

۱ مدّت عمر و پایان زندگی ، به دست ما نیست . هو الذی قضی اجلاً

۲ تنها خداوند بر اءجل مسمّی (ءجل قطعی) ، آگاه است . اءجل مسمّی عنده

۳ با آنکه آفرینش و پایان کار انسان ، همه از خدا و به دست اوست ، پس چرا در مبداء و معاد شک کنیم ؟ ثم انتم تمترون

آیه ۲

آیه ۳

۳- وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

و اوست که در آسمان ها و در زمین خداوند است . نهان و آشکار شمارا می داند ، و هرچه را به دست می آورید (نیز) می داند .

نکته ها

○ در پاسخ به عقیده ی انحرافی چند خدایی (خدای باران ، خدای جنگ ، خدای صلح ، خدای زمین و . . .) این آیه می فرماید : خدای همه چیز و همه جا یکی است .

○ امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود : او به تمام مخلوقات از نظر علم و قدرت و سلطه و حاکمیت احاطه دارد . (۸)

پیام ها

۱ منطقه ی فرمانروایی خداوند ، تمام هستی است . فی السموات و فی الارض

۲ خداوند چون حاکم است ، آگاه است . هو الله فی السموات و فی الارض يعلم . . .

۳ آشکار و نهان انسان نزد خداوند یکسان است . (۹) يعلم سرّکم و جهرکم

۴ ایمان به احاطه علمی خداوند ، هم انگیزه برای کار نیک است و هم بازدارنده از کار بد . يعلم سرّکم و جهرکم

۵ خداوند ، از آینده ی کارهای انسان آگاه است . و يعلم ما تکسبون

آیه ۴ و ۵

آیه ۴ و ۵

۴- وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

۵- فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ آيَاتُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

و هیچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنها نمی آمد ، جز آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند .

پس همین که حق برای آنان آمد ، آن را تکذیب کردند ، پس به زودی خبرهای مهم (و تلخ درباره ی کیفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان خواهد آمد .

نکته ها

○ شاید مراد از خبرهای بزرگ در آیه ، خبر فتح مکه یا شکست مشرکین در جنگ بدر و امثال آن باشد . (۱۰)

پیام ها

۱ برای لجبازان ، نوع دلیل و آیه تفاوتی ندارد ، آنها همه را رد می کنند . آیه من آیات ربهم

۲ لجوجان و کافران ، حاضر به شنیدن و تفکر و تحقیق کردن نیستند ، همین که حق آمد ، تکذیب می کنند . فقد کذبوا بالحق لَمَّا جَاءَهُمْ

۳ هم باید به مؤمنان دلگرمی داد که راهشان حق است ، بالحق و هم کافران را تهدید کرد که خبرهای تلخ برایتان خواهد آمد . فسوف یأتیهم

۴ استهزا ، شیوه ی همیشگی کفار است . كانوا به يستهزءون

۵ سقوط انسان سه مرحله دارد : اعراض ، تکذیب و استهزا . در این دو آیه به هر سه مورد اشاره شده است . معرضین کذبوا يستهزءون

آیه ۶

آیه ۶

۶- لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

آیا ندیدند که چه بسیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم ، با آنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده ایم ؟ و (باران و برکت) آسمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری ساختیم ، پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از آنان پدید آوردیم .

نکته ها

○ قرون به امتی گفته می شود که یکپارچه هلاک شده باشند . (۱۱) به مردمی هم که در یک زمان زندگی می کنند ، قرن گفته می شود و چون معمولاً یک نسل ، از ۶۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشد ، از این رو به ۶۰ یا ۸۰ یا ۱۰۰ سال یک قرن می گویند . (۱۲)

○ کلمه مدرار به معنای ریزش فراوان و پی در پی باران و به مقدار نیاز است . (۱۳)

پیام ها

۱ افرادی که از تاریخ پند نمی گیرند ، توبیخ می شوند . اءلم یروا

۲ کفار صدر اسلام از تاریخ امت های پیشین آگاه بودند و می توانستند درس بگیرند . اءلم یروا

۳ توجه به زوال نعمت ها و سرنگونی گنهکاران ، از عوامل غفلت زدایی است . اءلم یروا . . . فاهلکناهم بذنوبهم

۴ تمدن هایی قبل از اسلام وجود داشته و سپس منقرض شده اند . اهلکنا من قبلهم

۵ از روشهای تربیتی قرآن است که داستان های واقعی و آموزنده را برای عبرت مردم نقل می کند . اهلکنا من قبلهم

۶ کیفر آنان که از امکانات خداداد استفاده سوء کنند ، نابودی است . کم اءهلکنا

۷ به جای اءرسلنا من السماء ، فرمود : اءرسلنا السماء (آسمان را برای شما فرستادیم) تا نهایت لطف الهی را بیان کند .

۸ عملکرد مردم ، عامل تحولات و حوادث تاریخی است . فاهلکناهم بذنوبهم

۹ هلاکت مردم به سبب گناهانشان ، از سنت های الهی است . فاهلکناهم بذنوبهم

۱۰ خداوند ، علاوه بر عذاب آخرت ، در این دنیا هم کیفر می دهد . فاءهلکناهم

۱۱ اگر امکانات در

دست صالحان باشد ، نماز را برپا می دارند . ان مَكَّانَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ (۱۴) ولی اگر در دست نااهلان بی ایمان باشد ، فساد و گناه می کنند . مَكَّانَهُمْ . . . فاهلكناهم بذنوبهم

۱۲ امکانات مادی ، مانع قهر و عذاب الهی نیست . مَكَّانَهُمْ . . . فاهلكناهم آن گونه که کافران خیال می کردند : نحن اكثر اءموالاً واءولاداً ومانحن بمعذبين (۱۵)

۱۳ امکانات مادی ، رمز کامیابی نیست . مَكَّانَهُمْ . . . فاهلكناهم چنانکه در جای دیگر می خوانیم : انّ الانسان ليطغى اءن رآه استغنى (۱۶)

۱۴ دو نوع مرگ داریم : طبیعی ، که با رسیدن اجل است و غیر طبیعی که به خاطر کیفر الهی و با حوادث غیر منتظره است . بذنوبهم

۱۵ قدرتمندان گنهکار فکر نکنند دنیا همیشه به کامشان است ، خداوند دیگران را جایگزین آنان می کند . اءهلكناهم . . . و اءنشاءنا من بعدهم قرناً آخرین

آیه ۷

آیه ۷

۷- وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِاَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ

و (کافران لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند ، باز هم کافران می گفتند : این ، جز جادویی آشکار نیست .

نکته ها

○ گروهی از مشرکان می گفتند : ما در صورتی ایمان می آوریم که نوشته ای بر کاغذ ، همراه با فرشته ای بر ما نازل کنی . ولی دروغ می گفتند و در پی بهانه جویی بودند .

○ قِرطاس چیزی است که بر روی آن بنویسند ، چه کاغذ ، چه چوب ، یا پوست و سنگ ، ولی امروز به کاغذ گفته می شود .

پیام ها

۱ وقتی پای لجاجت در کار باشد ، هیچ دلیلی کارساز نیست ، حتی محسوسات را منکر می شوند . فلمسوه بایدبهم . . . ان هذا الا سحر مبين

۲ نسبت سحر ، از رایج ترین نسبت هایی بود که مشرکان به پیامبر می دادند . ان هذا الا سحر مبين

آیه ۸

آیه ۸

۸- وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكَاً لَفُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ

و (کافران بهانه جو) گفتند: (اگر محمّد، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند)، در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت و هیچ مهلتی به آنان داده نمی شد.

نکته ها

○ نزول فرشته ی مورد تقاضای کفار، اگر به صورت انسان باشد که مانند همان پیامبر خواهد بود و اگر به صورت واقعی اش جلوه کند، طاقت دیدن آن را ندارند و با مشاهده ی آن، جان خواهند داد. (۱۷)

○ روحیه ی شیطانی تکبر، اجازه نمی دهد انسان از بشری همانند خود پیروی کند. گاهی می گوید: چرا انبیا مثل ما غذا می خورند و در بازارها راه می روند و همچون ما لباس می پوشند؟ و قالوا ما لهذا الرّسول ياء كل الطعام و يمشى فى الاسواق (۱۸) گاهی به یکدیگر می گفتند: اگر از پیامبری مثل خودتان اطاعت کنید، زیان کرده اید. ولئن اءطعتم بشراً مثلکم انکم اذاً لخاصرون (۱۹)

پیام ها

۱ کفار بهانه گیر، انسان را شایسته مقام رسالت نمی دانستند و تقاضای دیدن فرشته را داشتند. لولا انزل علیه ملک

۲ سنت الهی چنین است که اگر معجزه ای به درخواست مردم انجام شود و انکار کنند، هلاکت قطعی سراغشان خواهد آمد. (۲۰) لقضی الامر

(شیوه دعوت های الهی، براساس آزادی، تفکر، انتخاب و مهلت داشتن است. تقاضای راه دیگری مانند نزول فرشته یا غذای آسمانی، فرصت و مهلت را می گیرد و در این صورت تنها راه، پذیرش دعوت است و گرنه هلاکت.)

آیه ۹

آیه ۹

۹- وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَاً لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَشَنَّا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ

و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم، حتماً او را به صورت مردی در می آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبهه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود)

کار را بر دیگران مشتبه می سازند .

نکته ها

○ کلمه بُس (بر وزن درس) به معنای پرده پوشی و اشتباه کاری است ولی کلمه بُس (بر وزن قفل) به معنای پوشیدن لباس است . (۲۱)

○ اگر پیامبر و الگوی انسان ها فرشته باشد ، چگونه می تواند پیشوای انسان هایی باشد که دچار طوفان غرائزند و شکم و شهوت دارند ؟

○ ممکن است معنی آیه چنین باشد : اگر پیامبر ، فرشته می شد ، باید به صورت مردی ظاهر شود که او را ببینند ، و این سبب به اشتباه افتادن مردم می شد که آیا او انسان است یا فرشته . للبسنا علیهم

پیام ها

۳ سنّت های الهی حکیمانه است و با تمایلات این و آن عوض نمی شود . لو جعلناه ملکا (حرف لَو نشانه آن است که ما کار خودمان را می کنیم و کاری به تقاضاهای بیجا نداریم .)

۲ برای تربیت و دعوت ، باید الگوهای بشری ارائه داد ، که در دعوت و عمل پیشگام باشند . لجعلناه رجلاً

۳ پیامبران از میان مردم انتخاب می شوند . لجعلناه رجلاً

آیه ۱۰

آیه ۱۰

۱۰- وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند ، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد .

نکته ها

○ این آیه ، تسکینی برای پیامبر اسلام است ، که اولاً : پیامبران پیشین هم مورد استهزا قرار گرفته اند . ثانیاً : نه تنها عذاب اخروی ، بلکه قهر دنیوی هم دامنگیر استهزا کنندگان می شود .

پیام ها

۱ یاد مشکلات دیگران ، صبر انسان را زیاد می کند و مبلغ دین نباید از استهزای مخالفان دلشنگ شود . لقد استهزیء برسُل

۲ استهزا، یکی از جنگ های روانی دشمن و برای تضعیف روحیه ی رهبران است که باید در برابر آن مقاومت کرد. استهزی
ء برسل من قبلک

۳ مسخره کنندگان، عاقبت ذلیل می شوند و استهزا، دامن خودشان را می گیرد. فحاق بالذین سخروا

۴ استهزای دین، یکی از گناهان کبیره است که وعده ی عذاب بر آن داده شده است. فحاق بالذین سخروا...

۵ خداوند حامی انبیاست و استهزا کنندگان را هلاک می کند. فحاق بالذین سخروا...

۶ استهزا شیوه دائمی کفار است. کانوا به يستهزءون

آیه ۱۱

آیه ۱۱

۱۱- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

(ای پیامبر! به آنان) بگو: در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟

نکته ها

○ فرمان سیروا فی الارض شش بار در قرآن آمده است. متأسفانه کافران بیش از ما به این دستور عمل کردند و وجب به وجب کشورهای اسلامی را کاوش کردند و از منابع، ذخایر، نقاط قوت و ضعف، آثار فرهنگی، کتب خطی و هنرهای مسلمانان آگاه شده و آنها را غارت کردند و مسلمانان در خواب غفلت ماندند.

پیام ها

۱ سفرهای علمی و آموزنده و عبرت آور، ستوده و نیکوست. سیروا... ثم انظروا

۲ شکست و سقوط مخالفان حق حتمی است، اگر شک دارید، تاریخشان را بخوانید و با سفر، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید. سیروا... ثم انظروا

۳ عوامل عزت یا سقوط جوامع، قانونمند است. اگر عواملی مثل انکار و تکذیب حق در زمانی سبب هلاکت شد، در زمان دیگر هم سبب می شود. سیروا... انظروا

۴ یکی از عوامل سقوط تمدن ها، تکذیب انبیا است. عاقبه المکذبین

۵ جلوه های گذرا مهم نیست ، پایان کار مهم است . عاقبه المکذبین

آیه ۱۲

آیه ۱۲

۱۲- قُلْ لِمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفْرَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بگو : آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست ؟ بگو : برای خداوند است که بر خود ، رحمت را مقرر کرده است . او قطعاً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد . کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن استعدادها ، به جای رشد ، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند .

نکته ها

○ موضوع وجوب رحمت بر خدا ، در قرآن دوبار آنهم در این سوره (آیات ۱۲ و ۵۴) آمده است .

○ جمله ی لاریب فیه ، هم درباره ی قرآن آمده است ، هم درباره ی قیامت .

○ خداوند همان گونه که بر ما تکالیفی واجب کرده است ، وظایفی را هم بر خود مقرر فرموده ؛ از جمله : هدایت کردن : إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۲۲) ، رزق دادن : عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (۲۳) ، لطف کردن : كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (۲۴) و پیروزی و غلبه ی دین خدا : كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرِسَالِي (۲۵) ولی شرط بهره مند شدن از رحمت الهی ، رحم به بندگان است . چنانکه در حدیث آمده است : مَنْ لَا يُرْحَمَ لَا يُرْحَمَ (۲۶)

○ سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود : رحمت خداوند ، صد درجه است ، یک درجه ی آن ، منشاء همه ی الطاف الهی در دنیا شده است ، خداوند در قیامت ، با همه ی صد

درجه رحمت خود با مردم معامله خواهد کرد . (۲۷)

○ قرآن ، رحمت الهی را بر همه چیز شامل می داند : رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (۲۸) و این رحمت ، مصداق های فراوان دارد ، از جمله :

باران : يَنْزِلُ الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ (۲۹)

باد : يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرَىٰ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (۳۰)

شب و روز : وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۱)

پیامبر : وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۳۲)

قرآن : هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ (۳۳)

تورات : كِتَابِ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً (۳۴)

آزادی : فَأَنْجِنَاهُ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا (۳۵)

علاقه به همسر : وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (۳۶)

گیاهان و میوه ها : فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (۳۷)

پذیرش توبه : لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (۳۸)

پیام ها

۱ یکی از شیوه های تبلیغی که پیامبر ماءمور به آن است ، طرح سؤال و جواب است . قل لمن . . . قل لله

۲ هستی بر اساس رحمت است و رحمت الهی بر همه چیز و همه جا گسترده است . کتب علی نفسه الرّحمة

۳ همان گونه که آفریده های خدا در دنیا (مثل باد ، باران ، روز و شب ، گیاهان . . .) رحمت است ، معاد هم رحمت است . لیجمعنکم

۴ دلیل بر پا شدن قیامت ، برخورداری مردم از رحمت است . کتب علی نفسه الرّحمة لیجمعنکم

۵ گرچه رحمت الهی گسترده و لازم است ، لکن گروهی خود را محروم می کنند . خسروا انفسهم

۶ به جای استدلال ، در پی هوا و هوس بودن و

به جای اولیای خدا ، سراغ طاغوت رفتن و به جای ایمان و اعتقاد به آخرت ، کفر ورزیدن و به جای تسلیم نور ، تسلیم نار شدن ، خسارت عظیم کفار است . (تمام آیه)

آیه ۱۳

آیه ۱۳

۱۳-وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الْإِيلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست .

نکته ها

○ شب و روز ، مانند گهواره ، انسان و موجودات را در دامن خود آرامش می بخشد . برخی موجودات در شب ، و بعضی در روز استراحت می کنند .

پیام ها

۱ هم کلّ نظام از خداوند است ؛ وله ما سکن ، هم نظارت و کنترل از آن اوست . هو السميع العليم

آیه ۱۴

آیه ۱۴

۱۴-قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ اِنِّيْٓ اُؤْتِرُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ

بگو : آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیرم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می دهد ، ولی کسی به او طعام نمی دهد . بگو : همانا من ماءمورم که اولین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست . و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش .

نکته ها

○ در شائن نزول آیه آمده است که جمعی از اهل مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : تو به خاطر فقر ، از بت ها دست کشیده ای ، ما حاضریم تو را بی نیاز کنیم تا با ما مخالفت نکنی . این آیه نازل شد و به آنان پاسخ داده شد .

پیام ها

۱ یکی از شیوه های تبلیغ و هدایت که پیامبر برای برانگیختن عقل مردم مورد استفاده قرار می دهد ، بیان دلیل در قالب سؤال

است . قل اءغير الله

۲ انسان به دليل نيازها ومحدوديت ها به طور فطري به سراغ سرپرست وپناهگاه مي رود ، لكن بحث اصلي بر سر آن است كه به سراغ چه كسي برويم . قل اءغير الله اتخذ . . .

۳ خداوند آسمان و زمين را بدون الكوى قبلى آفريد . فاطر السموات فاطر ، يعنى آفريننده مبتكر .

۴ تاءمين نيازها از شئون ولايت الهى است . ولتيا . . . يطعم

۵ جز خداوند ، همه ي معبودها و مخلوقات نيازمندند . لايطعم

۶ چون خداوند هم خالق بشر و هم رازق اوست و نيازهايش را برطرف مي كند ، به اين دليل انسان بايد نسبت به خدا تعبد و ولايت پذيرى داشته باشد . فاطر . . . و هو يطعم . . . انى امرت اءن اكون اول من اسلم

۷ پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مامور به اظهار موضع عقيدتى خود مى باشد . قل انى امرت اءن . . .

۸ رهبر بايد پيشگام در آيين باشد و بالاترين درجه ي اخلاص و تسليم را داشته باشد . اول

۹ پذیرش ولایت غیر خدا ، شرک است . اءغیرالله اءخذ ولئآ . . . لاتكونن من المشركين

آیه ۱۵

آیه ۱۵

۱۵- قُلْ اِنِّىْ اءخافُ اِنُّنَّ عَصَيْتُ رَبِّىْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ

بگو : همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم ، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم .

نکته ها

○ خوف و ترس دو گونه است :

الف : ناپسند ، مثل ترس از جهاد .

ب : پسندیده ، مانند خوف از عذاب الهی .

پیام ها

۱ قانون الهی برای همه یکسان است ، پیامبر خدا هم اگر معصیت کند ، باید از گرفتاری آن بترسد . اءخاف اِنَّ عَصَيْتُ رَبِّىْ

۲ ترس اولیای خدا ، از قهر الهی است ، نه از طاغوت ها و مردم . اءخاف . . . رَبِّىْ

۳ توجّه به ربوبیت خداوند ، مقتضی پرهیز از معصیت اوست . ان عصیت رَبِّىْ

۴ ترس از کیفر ، از عوامل بازدارنده از انحراف و خطاست . اءخاف ان عصیت رَبِّىْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ

۵ اظهار ترس رسول خدا از قیامت ، نقش سازنده برای دیگران دارد . قل اِنِّىْ اءخاف . . . عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ

۶ در برابر تطمیع و وعده های دیگران ، از اهرم حساب قیامت استفاده کنید . (با توجّه به شءن نزول آیه ی قبل که پیشنهاد کردند ما تو را بی نیاز می کنیم ، تو از تبلیغ دست بردار ، پیامبر می فرماید : من از قیامت می ترسم .) اِنِّىْ اءخاف . . . عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ

آیه ۱۶

آیه ۱۶

در آن روز ، از هر کس عذاب الهی برداشته شود ، قطعاً مشمول رحمت الهی شده و این است رستگاری آشکار .

نکته ها

O رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : سوگند به خدایی که جانم در دست اوست ، هیچ کس در قیامت با عمل خود به بهشت نمی رود . پرسیدند : حتی شما یا رسول الله ؟ فرمود : حتی من ، مگر آنکه فضل و رحمت خدا مرا دریابد . سپس داستان مبارک خود را روی سر نهاد و این آیه را تلاوت کرد . (۳۹) البتّه بدیهی است که رحمت الهی تنها به اعمال صالح و افراد نیکوکار تعلق می گیرد .

پیام ها

۱ خطر ، متوجه همه است و نجات از عذاب الهی ، لطف ویژه می طلبد . من يُصْرَفُ . . . فقد رَحِمَهُ

۲ تسلیم خدا شدن ، زمینه ی دریافت رحمت الهی است . اَنّی اُمرت ان اكون اوّل من اسلم من يُصْرَفُ عنه . . . فقد رَحِمَهُ

۳ تنها رحم الهی قهر او را برمی گرداند ، قبول اعمال ما و شفاعت اولیای خدا هم پرتوی از رحمت اوست . من يُصْرَفُ . . . فقد رَحِمَهُ

آیه ۱۷

آیه ۱۷

۱۷- وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد ، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و آسیب درگیر کند ، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند ، پس او بر هر چیز تواناست .

پیام ها

۱ سرچشمه ی همه ی امور یکی است ، نه آنکه خیرات از منبعی و شرور از منبع دیگر سرچشمه گیرد . وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ . . . وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ

۲ باید همه ی امیدها به خدا و همه ی خوف ها از او باشد . فلا کاشف له الا هو

۳ قوانین الهی استثنا بردار نیست ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواجهه با حوادث تلخ و شیرین ، باید متوجه خدا باشد . وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ . . . وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیه ۱۸

آیه ۱۸

۱۸- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه .

نکته ها

○ کلمه ی قهر ، به آن نوع غلبه ای گفته می شود که مقهور ، ذلیل در برابر قاهر باشد .

○ در آیه ی ۱۴ ، ولایت و رزاقیت خدا مطرح بود : وَلِيًّا . . . و هو يطعم در آیه ی ۱۵ ، قهر و قیامت الهی : أَنِّي أَخَافُ . . . عذاب در آیه ی ۱۶ ، نجات و رحمت خدایی : . . . فَقَدْ رَحِمَهُ در آیه ی ۱۷ ، حلّ مشکلات و رسیدن به خیرات : فلا كاشف له إلا هو و در این آیه ، قدرت مطلقه ی خدا مطرح است : و هو القاهر فوق عباده

پیام ها

۱ از دیگران هراسی نداشته باشیم که قدرت خدا فوق همه ی قدرت هاست . و هو القاهر فوق عباده

۲ قدرت و قهاریت خدا ، همراه با حکمت و علم اوست . الحكيم الخبير

۳ نفع و ضرر رساندن خداوند ، بر اساس حکمت و آگاهی اوست .

آیه ۱۹

آیه ۱۹

۱۹- يَمْسُكُ اللَّهُ بَصْرَ . . . يَمْسُكُ بخير . . . و هو الحكيم الخبير بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ اَوْجَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَعْيُنُكُمْ لَتَشْهَدُنَّ آيَاتِنَا مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةٌ أُخْرَى قُلْ لَأَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ

بگو : چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است ؟ بگو : خداوند میان من و شما گواه است . و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم . آیا شما گواهی می دهید که با خداوند ، خدایان دیگری هست ؟ بگو : من گواهی نمی دهم . بگو : همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید ، بیزارم .

نکته ها

○ مشرکان مکه ، از پیامبر اسلام برای رسالتش شاهد می طلبیدند و نبوت آن حضرت را نمی پذیرفتند و می گفتند : حتی یهود و نصارا تو را پیامبر نمی دانند . این آیه در زمان غربت اسلام ، خبر از آینده ای روشن و رسالت جهانی اسلام می دهد .

○ حضرت علی علیه السلام در تفسیر عبارت انما هو اله واحد فرمودند : اگر خدایان دیگری بودند ، آنها هم پیامبرانی می فرستادند . (۴۰)

○ عدّه ای را به عنوان اسیر نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آوردند ، حضرت از آنان پرسید : آیا تاکنون دعوت به اسلام شده اید ؟ گفتند : نه ، حضرت فرمود : همه را به محل آمن برسانند و آزادشان کنند ، زیرا

کسی که هنوز ندای اسلام را نشنیده است نباید اسیر نمود ، سپس این آیه را تلاوت فرمود : لانذرکم به و من بلغ (۴۱)

○ امام صادق علیه السلام فرمودند : انذار همیشهگی باید همراه با منذر همیشهگی باشد . پس امامت و رهبری الهی نیز تا ابد باید همراه قرآن باشد . (۴۲)

○ معمولاً در انسان ها انگیزه ی دفع ضرر ، قوی تر از جلب منفعت است . لذا قرآن ، به مسأله ی انذار تاءکید کرده است . لانذرکم در آیات دیگر نیز می خوانیم : ان اءنت الا نذیر (۴۳) ، انما اءنا نذیر مبین (۴۴)

○ در احادیث متعددی من بلغ به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر شده است . (۴۵)

امام صادق علیه السلام نیز درباره من بلغ فرمودند : مقصود کسی است که وظیفه امامت به او رسیده است و او همانند پیامبر ، مردم را با قرآن انذار می کند . (۴۶)

پیام ها

۱ برای حقانیت پیامبر اسلام ، گواه بودن خداوند کافی است . قل الله شهید

۲ طرح و بیان حقایق به شکل سؤال و جواب از شیوه های تبلیغی قرآن است . قل ای شیء . . . قل الله

۳ غفلت و سهو و فراموشی و محدودیت ، هم قدرت خبرگیری انسان را کم می کند ، هم قدرت گواه بودن او را ، و چون خدا از این عوارض دور است ، پس بزرگ ترین شاهد ها خداوند است . اء کبر شهاده قل الله

۴ قرآن ، بزرگ ترین گواه بر رسالت پیامبر است . الله شهید بینی و . . . هذا القرآن

۵ برای مردم غافل ،

سخن گفتن از زاویه ی انذار مؤثرتر است . لاندرکم

۶ رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جهانی و جاودانی و برای همه ی مردم در همه ی عصرها و نسل هاست . لاندرکم به و من بلغ

۷ تا قانون به مردم ابلاغ نشود ، توییح و مسئولیتی در کار نیست . و من بلغ و به اصطلاح علم اصول ، عقاب بدون بیان ، قبیح است .

۸ از جمله شرایط لازم برای رهبر آسمانی : ایمان به مکتب : اوحی الی هذا القرآن ، امید به آینده و من بلغ ، صلابت قل لا اءشهد و براءت از شرک است . اننی بری ء ممّا شرکون

آیه ۲۰

آیه ۲۰

۲۰- اءلذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون اءبناءهم الذین خسروا اءنفسهم فههم لا یؤمنون

کسانی که به آنان ، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری) ، محمد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند ، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و سعادت آینده) خودشان زیان زدند ، ایمان نمی آورند .

نکته ها

○ این آیه ، مشابه آیه ی ۱۴۶ سوره ی بقره است .

○ هم نام و نشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات وانجیل بوده و علمای اهل کتاب ، او را به عنوان پیامبر موعود به مردم بشارت می دادند ، و هم اخلاقیات حضرت و یارانش در کتب آنان بوده است : محمد رسول الله والذین معه اءشداء علی الکفار رحماء بینهم . . . ذلک مثلهم فی التوراه و مثلهم فی الانجیل کزرع . . . (۴۷)

○ شناخت فرزند ، اصیل ترین و قدیمی ترین شناخت هاست . چون او را از هنگام تولد می شناسند ، ولی شناخت برادر و پدر و مادر برای انسان ، ماه ها پس از تولد است چنانکه شناخت همسر نیز پس از ازدواج می باشد . از این رو آیه می فرماید : آنان پیامبر را مانند فرزندان خود می شناسند .

پیام ها

۱ خداوند بر اهل کتاب حجّت را تمام کرده و آنان پیامبر اسلام را به خوبی می شناختند . الذین آتیناهم الکتب یعرفونه

۲ پیامبر باید به گونه ای شناخته شود که هیچ شکی در او نباشد . یعرفونه کما یعرفون اءبناءهم

۳ تنها شناخت و علم ، مایه ی نجات انسان نیست ، چه بسیار خداشناسان و پیامبرشناسان و دین شناسان که به خاطر عناد و لجاجت از زیان کارانند . یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسروا انفسهم

۴ کتمان حق ، سبب سوء عاقبت و خسارت است . خسروا انفسهم فهم لایؤ منون

آیه ۲۱

آیه ۲۱

۲۱- وَ مَنْ أَعْظَمَ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بندد ، یا آیات الهی را تکذیب کند ؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند .

نکته ها

O در قرآن پانزده مرتبه تعبیر من اعظم آمده که در مورد افترا بر خدا ، بازداشتن مردم از مسجد و کتمان شهادت و حق است . این می رساند که ظلم فرهنگی و بازداشتن مردم از رشد و فهم ، بدترین ظلم به جامعه است .

پیام ها

۱ هر چیز که عزیزتر و مقدس تر باشد ، خطر ظلم درباره ی آن بیشتر است . از این رو ظلم به خدا و افترا بر ذات مقدس الهی ، بدترین ظلم هاست . و من اعظم

۲ ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها ، بدترین ستم هاست . شرک ، افترا به خدا ، ادعای نبوت دروغین ، بدعت ، تفسیر به رای ، همه نمونه ای از این گونه ظلم هاست . و من اعظم مِمَّنْ افترى على الله كذبا او كذب بآياته

آیه ۲۲

آیه ۲۲

۲۲- وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا اَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم ، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوییم : کجایند شریکان شما که بر ایشان گمان (خدایی) داشتید ؟

نکته ها

O بازخواست ذلت بار مشرکین در قیامت ، نشانه ی محرومیت آنان از رستگاری است ، همان محرومیتی که در آیه ی قبل به آن اشاره شده است .

○ گرچه آیه ، به شرک نظر دارد ، ولی آنان هم که رهبری غیر اولیای خدا را بپذیرند و با اولیای معصوم الهی به مخالفت و جنگ برخیزند ، به نوعی مشرکند . در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم : و مَنْ حَارِبَكُمْ مُشْرِكٌ (۴۸) و در حدیث آمده است : الزَّاد عَلَيْنَا كَالزَّادِ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرِكِ بِاللَّهِ (۴۹) کسی که کلام و راه ما را رد کند ، همچون کسی است که کلام خدا را نپذیرد و چنین شخصی به منزله ی مشرک است .

پیام ها

۱ دادگاه قیامت ، علنی است . نحشرهم جميعاً ثم نقول

۲ قبل از هر عقیده و عشق و پرستشی ، آماده ی پاسخگویی در روز قیامت باشیم . و یوم نحشرهم . . . این شرکاؤ کم

۳ قیامت روز ظهور حقّ بودن توحید ، حتی برای مشرکان است . این شرکاؤ کم

۴ شرک ، خیالی بیش نیست . تزعمون

آیه ۲۳

۲۳- ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ إِلَّا اِنَّ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

پس (از آن همه فریفتگی به بتان ، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزارى جسته و) بگویند : سوگند به خدا ! پروردگاران ، ما هرگز مشرک نبوده ایم .

آیه ۲۴

آیه ۲۴

۲۴- اَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اِنَّهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت .

نکته ها

○ امام صادق علیه السلام فرمود : مراد از فتنه در لم تكن فتنتهم ، معذرت خواهی مشرکان می باشد . (۵۰)

○ ضلّ الشیء به معنای ضایع شدن ، هلاکت و نابودی چیزی است . (۵۱)

○ دروغگویان به مقتضای خصلتی که در دنیا کسب کرده اند ، در قیامت نیز دروغ می گویند . واللّه ما کنا مشرکین ، چنانکه در جای دیگر می خوانیم : یوم یبعثهم الله جميعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شیء الا انهم هم الکاذبون

○ حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه در حدیثی می فرماید: بعد از این دروغ، بر لبشان مهر زده می شود و سایر اعضای آنان حق را بازگو می کنند. (۵۳)

○ امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت خداوند آن چنان عفو و بخشش می کند که به ذهن هیچ کس حتی خطور نمی کند، تا آن اندازه که مشرکان نیز می گویند: ما مشرک نبودیم، (تا مشمول عفو الهی شوند). (۵۴)

پیام ها

۱ قیامت، آن چنان حتمی است که گویا هم اکنون نیز حاضر است. انظر و نفرمود: ستنظر. (پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا نیز می تواند با چشم ملکوتی، شاهد صحنه های قیامت باشد.)

۲ تکیه گاه های غیر الهی نابود خواهد شد. ضلّ عنهم

۳ در دادگاه الهی، نه دروغ انسان کارساز است، نه سوگند او. ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

۴ آن همه اصرار بر تکیه گاه های غیر الهی، خیالی بیش نیست. و ضلّ عنهم

۲۵- یفترون نَآ عَلٰی قُلُوبِهِمْ اَءَكِنَّهٗ اَءَن يَفْقَهُوْهُ وَفِيۡ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ يَرَوْا كُذٰلِكَ اٰتٰیهِ لَا- يُؤْمِنُوْا بِهَا حَتّٰی اِذَا حَآءُوكُمْ يُحٰدِلُوْنَكَ
يَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسْطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ

بعضی از آنها کسانی هستند که (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند ، ولی ما بر دلهایشان پرده هایی قرار داده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان (نسبت به شنیدن حق) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند که اگر هر آیه و معجزه ای را ببینند ، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند با تو جدال می کنند و کسانی که کافر شدند می گویند : این نیست جز افسانه های پیشینیان .

نکته ها

○ در شآن نزول این آیه آمده است که ابوسفیان ، ولید بن مغیره ، عتبه ، شیبه و نصر بن حارث ، در کنار کعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می دادند ، به نصر گفتند : چه می خواند ؟ گفت : به خدای کعبه نمی فهمم چه می خواند ، ولی چیزی جز افسانه ها و داستان های پیشینیان نیست ، من مشابه این داستان ها را برای شما گفته ام . سپس این آیه نازل شد .

○ اء كنه جمع كَنّ یا كنان به معنای پرده است . وقر به معنای سنگینی و اءساطیر جمع اسطوره به معنای مطالب پی در پی و خیالی است که شنیدن آن جاذبه دارد .

○ پرده افکنی بر دل و سنگینی گوش ، به خاطر روحیه ی لجاجت مشرکان است . قرآن می فرماید : فلما زاغوا اءزاغ الله قلوبهم (۵۵)

○ از

اینکه در آیه ی قبل ، سخن از مشرکین بود ولی در این آیه درباره همان گروه تعبیر به الذین کفروا نموده است معلوم می شود مشرکین همان کفارند .

پیام ها

۱ پیامبران و رهبران الهی باید از روحيات کفار و مخالفين و ترفندهای آنان آگاه باشند . و منهم من يستمع

۲ از همه ی کفار مایوس نباشید ، بعضی از آنان لجوجند . و منهم

۳ شنیدن صوت قرآن ، آنگاه ارزش دارد که در دل اثر کند . اءکنه ان یفقهوه

۴ کفار بر انکار خود اصرار دارند و پرده افکنی خداوند بر دل کفار ، به خاطر همین عناد و اصرار خود آنان است . ان یروا کلّ آیه لایؤمنوا

۵ لجاجت ، درد بی درمان است و مثل آینه ی موج دار ، بهترین صورت ها را هم زشت نشان می دهد . ان یروا کلّ آیه لایؤمنوا

۶ اگر کسی به قصد جدال و با سوء ظن و روح منفی و موضعگیری قبلی ، حتی با پیامبر هم ملاقات کند ، بهره ای نخواهد برد . جاءک یجادلونک . . .

۷ کفار هیچ راه صحیح و منطقی برای مقابله با پیامبر اسلام نداشتند . (پناه به جدال و تهمت نشانه عجز آنان از منطق است) یجادلونک . . .

۸ قرآن ، برای کافران و مشرکان نیز جذاب است . یقول الذین کفروا ان هذا الا-اساطیر الاولین (اساطیر ، به معنای سخن زیباست . (۵۶))

آیه ۲۶

آیه ۲۶

۲۶- وَ هُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْوَنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

و آنان ، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) باز می دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند ، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند ، (ولی) نمی فهمند .

نکته ها

○ یَنْوَنَ از ریشه ی ناء ی ، به معنای دور کردن است .

۰ برخی از اهل سنت ، در تفسیر خود این آیه را درباره ابوطالب دانسته و گفته اند که وی مردم را از آزار پیامبر نهی می کرد ولی خودش ایمان نمی آورد و از مسلمان شدن دوری می جست و برخی آیات دیگر را هم در این باره می دانند (مثل توبه ۱۱۳ ، قصص ۵۶) ، ولی به نظر پیروان مکتب اهل بیت ، ابوطالب از بهترین مسلمانان است و دلایل ایمان ابوطالب پدر عزیز حضرت علی علیه السلام بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می کنم :

جملاتی که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره ایمان او فرموده اند ، بهترین دلیل بر ایمان اوست .

۲- حمایت های بی دریغ وی از پیامبر در شرایط بسیار سخت .

۳- اقرارهای ابوطالب که در اشعار خود نسبت به پیامبر و رابطه خود با خدا دارد .

۴- سفارش های او به همسر و فرزند و برادرش حمزه که از اسلام و نماز و پیامبر حمایت کنند .

۵- حزن و اندوه فراوانی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر فوت ابوطالب پیدا شد .

۶- ابوبکر و

عباس گواهی دادند که ابوطالب هنگام مرگ ، کلمات لا اله الا الله و محمد رسول الله می گفت .

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر برای ابوطالب دعا کرد و جنازه ی او را تشییع نمود و به حضرت علی علیه السلام دستور کفن کردن او را داد . تنها بر او نماز گذاشته نشد زیرا تا آن روز نماز میت واجب نشده بود ، چنانکه بر خدیجه هم نماز گزارده نشد .

۸- حضرت علی علیه السلام در نامه ای به معاویه نوشتند که بسیار فرق است میان پدر من ابوطالب با پدر تو ابوسفیان .

۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من در قیامت ، شفیع پدر و مادر و عمویم ابوطالب هستم .

۱۰- در حدیث می خوانیم که خداوند به رسول خود وحی کرد که آتش بر پدر و مادر و کفیل تو حرام است .

۱۱- در مسلمان بودن فاطمه بنت اسد علیها السلام که از زنان خوش سابقه و مهاجر است ، شکی نیست و اگر ابوطالب مسلمان نبود ، هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه نمی داد که شوهر این زن ، مردی بی ایمان باشد . (۵۷)

پیام ها

۱- کفار و مشرکان ، همواره در تلاش برای کارشکنی و بازداشتن مردم از گوش دادن به قرآن بودند . و هم ینهون عنه ...

۲- دوری از پذیرفتن حق ، سبب به هلاکت انداختن خود انسان می شود . و ما یهلکون الا انفسهم

۳- شعور واقعی ، یافتن راه حق است و گم کردن راه حق و رهبر حق ، از سوی هر که

باشد ، بی شعوری است . و ما يشعرون

آیه ۲۷

آیه ۲۷

۲۷- وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتُنَا نُرُدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و اگر آنان را ، آن هنگام که بر لبه ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده اند ببینی ، پس می گویند : ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان (واقعی) باشیم .

نکته ها

○ طبق آیات قرآن ، آرزوی برگشت به دنیا ، هم در لحظه ی مرگ است ، و هم در قبر و هم در قیامت ، ربّ ارجعون لعلی اعمل صالحا (۵۸) ، ربّنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون (۵۹)

○ در آیه ۲۳ ، مشرکین شرک خود را انکار می کردند ، ولی در این آیه ، اعتراف و تقاضای برگشت و جبران می کنند .

پیام ها

۱- کفار هنگام عرضه بر آتش ، وحشت زده و ذلت بار ناله می زنند . اذ وقفوا على النار فقالوا مراحل و مواقف قیامت متعدّد است ، در بعضی از مراحل گنهکاران ناله می زنند و در بعضی مواقع مهر سکوت بردهانشان می خورد .

۲- تکذیب آیات الهی ، موجب پشیمانی در آخرت است . اذ وقفوا . . . فقالوا یا لیتنا

۳- تا فرصت دنیا باقی است ایمان آوریم ، چون در آخرت مجال برگشت نیست . یا لیتنا نردّ از آرزوها و حسرت های کافران در قیامت ، برگشت به دنیا و ایمان و اطاعت است . و لا نکذب . . . و نکون من المؤمنین

آیه ۲۸

آیه ۲۸

۲۸- بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

(چنین نیست ،) بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلاً (در دنیا) پنهان می کردند ، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند ، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده اند بازمی گردند . و آنان قطعاً دروغگویانند .

نکته ها

○ روز قیامت ، روز آشکار شدن اسرار پنهانی مردم است و قرآن بارها به این حقیقت اشاره کرده است . از جمله : ویدالهم سیئات ما عملوا(۶۰) ، و بدالهم سیئات ما کسبوا(۶۱)

پیام ها

۱- در قیامت ، همه ی اسرار و رازها کشف و نهان و درون انسان ها آشکار می شود . بل بدالهم ما کانوا یخفون

۲- برگشتن از آخرت به دنیا ، محال است . و لو ردّوا

۳- بعضی هرگز امیدی به خوب شدن و اصلاحشان نیست و با فرصت دادن (که خودشان خواستار آنند) باز هم همانند که بودند . لو ردّوا لعادوا

(آری انسان بارها در دنیا به هنگام برخورد با شداید و تلخی ها ، تصمیم هایی می گیرد ، ولی چون به آسایش رسید ، همه چیز را فراموش می کند) .

۴- وقتی دروغگویی خصلت انسان شد ، در قیامت هم دروغ می گوید . و انهم لکاذبون چنانکه در آیه ۲۳ خواندیم که مشرکین در قیامت به دروغ قسم می خورند و می گویند : واللّه ربّنا ما کنا مشرکین

آیه ۲۹

۲۹- وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

و گفتند : جز زندگی دنیوی ما ، هیچ زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم .

آیه ۳۰

آیه ۳۰

۳۰- وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ

و اگر ببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده اند ، (خدا) می فرماید : آیا این (رستاخیز) حق نیست ؟ می گویند : بلی ، به پروردگاران سوگند (که حق است) . او می فرماید : پس به کیفر کفرورزی ها و کفران هایتان ، عذاب را بچشید .

نکته ها

○ در آیه ۲۷ و ۳۰ ، دو بار کلمه ی و لو تری تکرار شده است تا صحنه های سخت قیامت را ترسیم و گامی برای هدایت مردم باشد .

○ طبق آیه ی ۳۰ خداوند با مجرم سخن می گوید . ولی بعضی آیات ، سخن گفتن خدا را با آنان نفی می کند . لایکلمهم

اللَّهِ ، این مطلب یا اشاره به مواقف و صحنه های مختلف در قیامت است ، و یا آنکه مراد آن است که خداوند با آنان کلام طیب و دلشادکننده نمی گوید .

○ در آیه ی ۲۲ ، خداوند کفار را در برابر نفی توحید مؤ اخذ نمود : اءین شرکاؤ کم و در آیه ۲۷ به خاطر تکذیب نبوت مؤ اخذ کرد : لانکذب بایات ربنا و در آیه ۳۰ به سبب انکار قیامت مؤ اخذ می کند . اءلیس هذا بالحق

○ اسلام برای انسان ها چند نوع حیات را ترسیم می کند :

۱- حیات دنیا . زهره الحیاه الدنیا(۶۲)

۲- حیات برزخی . من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (۶۳)

۳- حیات معنوی و هدایت . دعاکم لما یحییکم (۶۴)

۴- حیات اجتماعی . ولکم فی القصاص حیاه (۶۵)

۵- حیات

طیبه (در سایه ی قلب آرام و قناعت) . فلنَحْيِيَنه حياه طَيِّبه (۶۶)

پیام ها

۱- مشرکین ، افرادی سطحی نگر و مادی هستند و محدوده ی حیات را تنها در همین دنیا می بینند و منکر رستاخیزند . ان هی الاّ حیاتنا الدّینیا (اگر در جای دیگر قرآن مشرکین بت را شفیع خود می دانند : هؤلاء شفعاؤنا(۶۷) مرادشان شفاعت در دنیاست . (۶۸))

۲- خداوند ، پیامبرش را تسلیت و دلجویی می دهد که همه ی لجاجت ها بی پاسخ نخواهد ماند . و لوتری

۳- مجرمان ، همانند اسیران ذلیل ، بازداشت و نگه داشته می شوند . اذ وقفوا

۴- در قیامت قاضی و بازپرس در درجه ی اوّل خود خداوند است . قال اءلیس هذا بالحقّ

۵- اعترافات کفّار و مشرکان در قیامت ، سودی ندارد . قالوا بلی . . . فذوقوا

۶- کفّار ، در قیامت بارها سوگند یاد می کنند . واللّه ربّنا ما کنا مشرکین قالوا بلی و ربّنا

۷- کیفرهای قیامت ، به خاطر مداومت در کفر و انکار معاد در دنیاست . و مانحن بمبعوثین . . . فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

آیه ۳۱

آیه ۳۱

۳۱- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَعْتَهُمُ الْوَأْيَىٰ حَسِرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ آثْرَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزُرُونَ

قطعا کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند ، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید ، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند ، گویند : دریغ از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم ، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند .

نکته ها

○ مراد از لقاءالله ، ملاقات معنوی و شهود باطنی در قیامت است ، چون در قیامت همه ی وابستگی های انسان به مال و مقام و بستگان قطع می شود و باروبرو شدن با پاداش و کیفر الهی ، حاکمیت مطلقه ی الهی را درک می کند .

○ حسرت ، برای از دست دادن منافع است و ندامت برای پیش آمدن ضررها . (۶۹)

○ به قیامت ، ساعت می گویند ، چون در ساعتی و لحظه ای برق آسا ایجاد می شود . (در آیه ی ۷۷ سوره نحل آمده است :
وما امر الساعه الا کلمح البصر اءو هو اقرب ، برپایی قیامت ، مانند چشم به هم زدن یا نزدیک تر از آن است) .

○ در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است : اهل آتش ، جایگاه خود (آن جایگاهی که خداوند برای هر
شخصی در بهشت قرار داده است ،) را در بهشت می بینند و می فهمند زیان کرده اند می گویند :

پیام ها

- ۱- کسی که قیامت را نپذیرد ، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده و این بزرگ ترین خسارت است . قد خسر
- ۲- قیامت ، ناگهانی فرا می رسد و کسی از زمان آن آگاه نیست ، پس باید همیشه آماده بود . جاءتهم الساعة بغته
- ۳- روز قیامت ، روز حسرت است . یا حسرتنا
- ۴- اعتراف و حسرت ، نشانه ی آزادی انسان در عمل است زیرا می توانست خوب عمل کند و نکرد . یا حسرتنا
- ۵- قیامت روز حسرت و افسوس خوردن است ، اما حسرت ها در آن روز بی نتیجه است . قالوا یا حسرتنا . . . و هم یحملون . .
- ۶- گناهان ، در قیامت تجسم یافته و بر انسان بار می شوند . یحملون اءوزارهم
- ۷- تکذیب یا فراموشی قیامت ، سبب ارتکاب گناهانی است که در قیامت ، وزر و وبال انسان می گردد . کذبوا اءوزارهم

آیه ۳۲

آیه ۳۲

۳۲- وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّلَلْدَارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ اِنَّهَا لَتَعْقِلُوْنَ

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البته خانه ی آخرت ، برای تقوا پیشگان بهتر است . آیا نمی اندیشید ؟

نکته ها

- اگر دنیا مزرعه ی آخرت قرار نگیرد ، بازیچه می شود و مردم مانند کودکانی که سرگرم به اسباب بازی هایی چون مال و مقام و مانند آن شده اند . مثل صحنه ی نمایش که یکی لباس شاه می پوشد ، دیگری نقش نوکر را بازی می کند و سومی وزیر می شود ، ولی ساعتی بعد که همه ی لباسها و نقش ها کنار می رود ، می فهمند که همه ی عناوین ، خیالی بیش نبود .
- خیر بودن آخرت به خاطر آن است که هم لذت هایش آمیخته به رنج نیست و هم زود گذر و موهوم و خیالی نیست .
- با توجه به آیات دیگر قرآن ، نباید این آیه را دعوت به رهبانیت و ترک دنیا دانست .
- کلمه ی لعب به کاری گفته می شود که قصد صحیحی در آن نباشد و کلمه ی لهو به کاری گفته می شود که انسان را از کارهای مهم و اصلی باز دارد . (۷۱)

O شباهت دنیا به لهُو و لعب از جهاتی است :

الف : دنیا مثل بازی ، مدّتش کوتاه است .

ب : دنیا مثل بازی ، تفریح و خستگی دارد و آمیخته ای از تلخی و شیرینی است .

ج : غافلان بی هدف ، بازی را شغل خود قرار می دهند .

د : دنیاگرایی مثل بازی ، انسان را از اهداف

مهم باز می دارد .

پیام ها

۱- دنیا محوری ، فکری کودکانه و پوچ است . (لهو ولعب معمولاً- کار کودکان است و سرگرم شدن به دنیا انسان را از آخرت باز می دارد) لهو ولعب

۲- راه نجات از حسرت آخرت ، فکر و تعقل است . یا حسرتنا . . . اءفلا تعقلون

۳- خردمند ، فریب دنیا را نمی خورد . و للدار الاخره خیر . . . اءفلا تعقلون

۴- بکار نگرستن اندیشه ، زمینه توجه به دنیا و غفلت از آخرت است . اءفلا تعقلون

۵- غفلت از آخرت ، سبب توییح است . اءفلا تعقلون

۶- تعقل و تقوا ، ملازم یکدیگرند . يتقون اءفلا تعقلون

آیه ۳۳

آیه ۳۳

۳۳- قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَذُّونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

البته ما می دانیم که آنچه می گویند ، تو را اندوهناک می کند ، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند ، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند .

نکته ها

○ در شائن نزول آیه آمده است که : دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را امین و صادق می دانستند ، ولی می گفتند : اگر او را تصدیق کنیم ، قبیله و موقعیت ما تحقیر می شود . گاهی هم می گفتند : او صادق است ولی خیال می کند به او وحی شده ، از این روی ، این گونه آیات الهی را تکذیب می کردند .

○ امام صادق علیه السلام درباره ی لا یكذبونك فرمود : یعنی آنان نمی توانند گفتار و مدعای تو را ابطال کنند . (۷۲)

پیام ها

۱- رهبر نباید از تکذیب مخالفان محزون شود . به همین دلیل ، خداوند پیامبرش را دلداری می دهد و حمایت می کند . قد نعلم انه لیحزنك

۲- خداوند به حالات درونی انسان آگاه است . قد نعلم أنه ليحزنك

۳- تکذیب پیامبر ، تکذیب خداست ، همان گونه که بیعت با پیامبر ، بیعت با خداوند است . لا یكذبونک ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون

۴- با توجه به مشکلات و تکذیب و جسارت های بزرگتر به دیگران ، مشکل خود را آسان بدانیم . لا یكذبونک . . . بآیات الله یجحدون

۵- مخالفان رسول خدا ، با مکتب طرفند ، نه با شخص . لا یكذبونک . . . بآیات الله یجحدون

۶- تکذیب آیات الهی ، هم ظلم به خود است ، هم ظلم به رسول الله ، هم ظلم به مکتب و هم ظلم به نسل های بعد . ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون

آیه ۳۴

آیه ۳۴

۳۴- وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُم نَصِيرُنَا وَلَا مُبَدَّل لِكَلِمَةٍ لِّلَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْأُمُوسَلِينَ

و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ، لیکن در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند ، تا یاری ما به آنان رسید . (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنت های) خداوند ، تغییر دهنده ای نیست . قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی) .

نکته ها

○ کلمات ، به معنای سنت های الهی است : ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین أنهم لهم المنصورون وأن جندنا لهم الغالبون (۷۳)

○ تاریخ ، سرچشمه و منبعی پذیرفته شده برای شناخت حوادث است . از صبر انبیای پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود و صالح و لوط و . . . که تکذیب کردند ، باید عبرت گرفت ، سنت و برنامه الهی ، فرستادن رسولان و آزادی مردم در انتخاب است . کافران را به کیفر می رساند و رسولان را در راه دعوت ، امداد می کند .

○ در آیات متعددی از قرآن خداوند یاری و پیروزی رهبران و مؤمنان صابر را بر خود لازم دانسته است از جمله :

كتب الله لاغلبننا ورسلى (۷۴)

وكان حقاً علينا نصر المؤمنين (۷۵)

أَنَا لِنَنْصُرَ رَسُلَنَا (٧٦)

وَلِنَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ (٧٧)

پیام ها

- ۱- راه حق ، هیچگاه هموار نبوده و تحقق آرمان انبیا همراه با تحمّل مشکلات بوده است . فصبّروا علی ما کذبوا
- ۲- یکی از بهترین اهرم های مقاومت در برابر شداید ، بیان امدادهای الهی است . فصبّروا . . . حتّی اتاهم نصرنا
- ۳- رهبران ، انتظار اطاعت همه را نداشته باشند . کذبوا
- ۴- شرط اصلی پیروزی ، صبر است . فصبّروا . . . حتّی اتاهم نصرنا (خداوند به صابران ، نوید پیروزی می دهد)
- ۵- دشمنان از هیچ تلاشی علیه حق ، کوتاهی نمی کنند ، خواه تکذیب باشد و خواه آزار . کذبوا ، اوذوا
- ۶- صبر مستمر ، زمینه ساز نزول نصرت و رحمت الهی است . فصبّروا . . . حتّی اتاهم نصرنا
- ۷- حق ، پیروز است . اتاهم نصرنا
- ۸- سنّت های الهی

تغییر ناپذیر است و خداوند خلف وعده نمی کند . لامبدل لکلمات الله

۹- هر کس باید نمونه های مشابه خود را در تاریخ بشناسد . خداوند خطاب به پیامبر می فرماید : و لقد جاءك من نباء المرسلين

۱۰- از زحمات و رنج های پیشینیان باید یاد و قدردانی کرد . و لقد جاءك من نباء المرسلين

آیه ۳۵

آیه ۳۵

۳۵- وَإِنْ كَانَ كَبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَيْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

و اگر اعراض و بی اعتنایی آنان (کافران) بر تو سنگین است (و می خواهی به هر وسیله آنان را به راه آوری ، بین) اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی ، تا آیه ای (دیگر) برایشان بیاوری (پس بیاور ولی بدان که باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه ی آنان را بر هدایت گرد می آورد (ولی سنت الهی بر هدایت اجباری نیست) پس هرگز از جاهلان مباش .

نکته ها

O در شاعن نزول آیه آمده است : کفار به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفتند : ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد ، مگر آنکه زمین را شکافته بر ایمان چشمه ای جاری سازی : لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا (۷۸) ، یا به آسمان روی : اءو ترقى فى السماء (۷۹) شاید آیه اشاره به نوع درخواست های نابجای آنان باشد که اگر زمین را بکاوی یا نردبان به آسمان بگذاری و خود را به آب و آتش بزنی سودی ندارد . در دعوت تو نقصی نیست ، اینان لجوجند ، پس برای ارشادشان این همه دلسوزی نکن .

پیام ها

۱- پیامبر ، برای هدایت مردم ، دلسوز و نسبت به از اعراضشان غمگین بود . و ان كان كبر عليك اعراضهم

۲- پیامبر باید روحيات مخاطبان خود را بشناسد و بداند که گروهی از هر معجزه ای که برایشان آورده شود روی گردانند . اعراضهم

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواست به هر طریق مردم هدایت شوند ، اما اشکال در روحيه ی لجوج کفار است که خداوند هشدار می دهد . تبتغى نفقا فى الارض او سلما فى السماء

۴- خداوند می تواند همه را هدایت کند ، ولی حکمت او اقتضا می کند که انسان آزاد باشد . و لو شاء الله لجمعهم علی الهدی

۵- ارضای خواسته های بهانه جویان و بی صبری مبلغان ، جهل است . فلا تکونن من الجاهلین (ریشه ی بسیاری از توقعات نابجا ، جهل است)

آیه ۳۶

آیه ۳۶

۳۶- إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند و (کافران که نمی گروند ،) مردگانی هستند که روز قیامت خداوند آنان را برمی انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می شوند .

نکته ها

O قرآن ، بارها با تعبیر مرده و کر ، از ناباوران یاد کرده است . در آیه ی ۸۰ سوره ی نمل و ۵۲ سوره ی روم می خوانیم :
فَأَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الدَّعَاءَ إِذَا وَلُوا مُدْبِرِينَ

پیام ها

- ۱- انسان در انتخاب راه ، آزاد است . انما يستجيب ...
- ۲- شنیدن و پذیرفتن حق ، نشانه ی حیات معنوی و زنده دلی است .
- (آری کسی که حیات معنوی ندارد و حق پذیر نیست ، مرده است . چون حیات به معنای خوردن و خوابیدن را حیوانات هم دارند .) والموتی ...

۳- دل های حَقَّوْجُوْ به عهده ی تو و کَفَّار به عهده ی من ، تا پس از رستاخیز به حسابشان برسیم . والموتی یبعثهم الله

آیه ۳۷

آیه ۳۷

۳۷- وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و گفتند : چرا بر او (محمّد) معجزه ای (که ما می خواهیم) از سوی پروردگارش نازل نشده ؟ بگو : بی تردید خداوند قادر است که نشانه و معجزه ای (که می خواهید) بیاورد ، ولی بیشتر (این بهانه جویان) نمی دانند .

○ در شءان نزول آیه گفته اند: برخی از رؤسای قریش، دست به تبلیغات سوء و جوسازی زده و از روی بهانه جویی به پیامبر اسلام می گفتند که تنها قرآن به عنوان معجزه کافی نیست بلکه باید معجزاتی چون معجزات عیسی و موسی و صالح و... بیاورد. (۸۰)

البتّه پیامبری که یادآور معجزات انبیای پیشین است، حتما خودش هم می تواند نظیر آنها را بیاورد، و گرنه مردم را به یاد آن معجزات نمی اندازد تا تقاضای امثال آن را داشته باشند. به علاوه، طبق روایات شیعه و سنی، پیامبر صلی الله علیه و آله معجزات دیگری غیر از قرآن هم داشته است.

○ هدف از آوردن معجزه، اعلام رابطه خاص میان خدا و رسول، و نشان قدرت بی انتهای الهی است، نه برآوردن تمایلات بی پایان مردم لجوج. البتّه گاهی برای اتمام حجّت، معجزه ی درخواستی مردم را می آورده اند.

○ به شهادت تاریخ، معجزات پیایی، سبب هدایت لجوجان نشده، بلکه موجب قهر و عقاب الهی گشته است. قرآن می فرماید: اگر ما فرشتگان را بر مردم

نازل کنیم، یا مردگان با آنان سخن بگویند، باز گروهی از لجوجان ایمان نمی آوردند. (۸۱)

پیام ها

۱- به بهانه جویی های مخالفان پاسخ دهید. قالوا... قل

۲- خداوند قادر است، ولی حکیم هم می باشد و قدرتش آنگاه جلوه می کند که کار و تقاضا حکیمانه باشد. ان الله قادر..
اکثرهم لا يعلمون

آیه ۳۸

آیه ۳۸

۳۸- وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه آنها هم اُمّت هایی چون شمايند . ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می آیند .

نکته ها

○ قرآن توجه خاصی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می کند. و فی خلقکم و ما بیئت من دابّه آیات لقوم یوقنون (۸۲) در روایات و تجارب انسانی هم نمونه های فراوانی درباره ی شعور و درک حیوانات به چشم می خورد و برای یافتن شباهت ها و آشنایی با زندگی حیوانات، باید اندیشه و دقت داشت .
(۸۳) امم امثالکم

○ مراد از کتاب در آیه، یا قرآن است یا لوح محفوظ که در واقع کتاب خلقت است .

○ در آیات دیگر هم تعبیراتی چون: تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ (۸۴)، كُلُّ فِي كِتَابٍ مَبِينٍ (۸۵) آمده که نشانه ی کامل بودن قرآن است .

امام باقر علیه السلام فرمود: نشان کمال قرآن این است که ریشه و سرچشمه ی همه سخنان رسول الله و ائمه علیهم السلام است، پس هر گاه حدیثی گفتیم، سند قرآنی آن را از ما بخواهید .

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قیل و قال و فساد مال و سؤالات پی در پی،

نهی می کند. از امام باقر علیه السلام سند قرآنی آن را پرسیدند، فرمود: سند نهی از قیل و قال، آیه لا خیر فی کثیر من نجواهم الا من اءمر بصدقہ اءو معروفٍ اءو اصلاح بین الناس (۸۶) است. سند فساد مال، آیه و لا تؤولوا السفهاء اءموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاما (۸۷) و سند سؤال نابجا این آیه است: لا تساءلوا عن اءشیاء ان تبد لکم تسؤلکم (۸۸)

شعور حیوانات

○ از آیات و روایات و تجارب برمی آید که شعور، ویژه انسان نیست. به نمونه هایی توجه کنید:

۱- حضرت سلیمان همراه با سپاهیان از منطقه ای عبور می کردند، مورچه ای به سایر مورچگان گفت: فوری به خانه هایتان بروید، تا زیر پای ارتش سلیمان له نشوید. (۸۹) شناخت دشمن، جزو غریزه ی مورچه است، ولی اینکه نامش سلیمان و همراهانش ارتش اویند، این بالاتر از غریزه است.

۲- هدهد در آسمان از شرک مردم زمینی مطلع شده و نزد سلیمان گزارش می دهد که مردم منطقه ی سبأ، خداپرست نیستند. آنگاه ماءموریت ویژه ای می یابد. شناخت توحید و شرک و زشتی شرک و ضرورت گزارش به سلیمان پیامبر و ماءموریت ویژه ی پیام رسانی، مسأله ای بالاتر از غریزه است. (۹۰)

۳- این که هدهد در جواب بازخواست حضرت سلیمان از علت غایب بودنش، عذری موجه و دلیلی مقبول می آورد، نشانه شعوری بالاتر از غریزه است. (۹۱)

۴- اینکه قرآن می گوید: همه موجودات، تسبیح گوی

خدایند ولی شما نمی فهمید ، (۹۲) تسبیح تکوینی نیست ، زیرا آن را ما می فهمیم ، پس قرآن تسبیح دیگری را می گوید .

۵- در آیات قرآن ، سجده برای خدا ، به همه موجودات نسبت داده شده است . ولله يسجد ما فى السموات و ما فى الارض . . (۹۳) .

۶- پرندگان در مانور حضرت سلیمان شرکت داشتند . وحشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر (۹۴)

۷- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار سلیمان به اینکه خداوند ، زبان پرندگان را به او آموخته است . علمنا منطق الطیر (۹۵)

۸- آیه ی وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۹۶) ، محشور شدن حیوانات را در قیامت مطرح می کند .

۹- آیه ی وَالطَّيْرِ صَافَاتٌ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ (۹۷) ، نشانه ی شعور و عباد آگاهانه ی حیوانات است .

۱۰- وجود وفا در برخی حیوانات ، از جمله سگ نسبت به صاحبخانه و فرزندانش .

۱۱- تعلیم سگ شکاری و سگ پلیس برای کشف قاچاق ، یا خرید جنس ، نشانه ی آگاهی خاص آن حیوان است .

۱۲- اسلام از ذبح حیوان در برابر چشم حیوان دیگر ، نهی کرده است که این نشانه ی شعور حیوان نسبت به ذبح و کشتن است .

پیام ها

۱- قدرت الهی در آفرینش و هدف داری خلقت ، نسبت به همه ی موجودات یکسان است . من دابّه . . . ولا طائر . . .

۲- نظم و زندگی اجتماعی ، مخصوص انسان ها نیست ، بلکه در زندگی حیوانات هم مشاهده می شود . أمم امثالکم

۳- انسان ها و حیوانات ، همه نیاز به تدبیر الهی دارند

خداوند، طبق مصلحت به آنها شعور می دهد، و همه دارای نظم و نظامی هستند. اُمم اءمثالکم

۴- قرآن کریم، جامع ترین و کامل ترین کتاب آسمانی است. ما فرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ

۵- آنچه سبب هدایت، تربیت و رشد انسان هاست، در قرآن آمده است. (قرآن در اثبات حقایق پیامبر اسلام و هدایت مردم هیچ گونه کاستی ندارد) ما فرَطْنَا فِي الْكِتَابِ

۶- در حق حیوانات هم ظلم یا کوتاهی نکنیم، آنها هم مثل ما حق حیات دارند. (۹۸) اُمم اءمثالکم

۷- معاد و حشر، تنها مخصوص انسان ها نیست. و ما من دَابَّةٍ... ثُمَّ اِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

۸- حرکت همه موجودات به سوی خداوند یک حرکت تکاملی و جلوه ای از ربوبیت الهی است. اِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

آیه ۳۹

آیه ۳۹

۳۹- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومٌ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و لال هایی هستند در تاریکی ها. خداوند، هر که را بخواهد (و مستحق باشد) گمراهش کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرارش می دهد.

نکته ها

O گرچه هدایت و ضلالت به دست خداست، ولی خداوند برای انسان نیز اراده و اختیار قرار داده است و کار خدا بر اساس حکمت است. مثلاً جهاد انسان در راه خدا، زمینه ی هدایت الهی نسبت به او است: و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (۹۹) همان گونه که ستم به انسان ها سبب گمراهی است: يَضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ (۱۰۰) تکذیب آیات الهی سبب اراده خداوند به گمراه کردن انسان می شود. كَذَّبُوا... يَضِلُّهُ

پیام ها

۱- کفر و عناد، تاریکی و ظلمتی است که سبب محروم شدن انسان از بهره گیری از ابزار شناخت می شود. كَذَّبُوا... صَمٌّ وَ بَكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ

۲- تکذیب و کتمان حق، گنگی و نشنیدن حق، کری است. و الَّذِينَ كَذَّبُوا... صَمٌّ وَ بَكْمٌ

۳- نتیجه ی تکذیب آیات الهی، اضلال و قهر الهی است. كَذَّبُوا... يَضِلُّهُ

۴- حرکت در راه مستقیم، گوش شنوا و زبان حقگو و روشنایی درون می خواهد. يجعله على صراط مستقیم

آیه ۴۰

آیه ۴۰

۴۰- قُلْ اِنَّ اَرْءَايْتُمْ اِذَا دَعَا رَبُّ اللّٰهِ لِيَاۤءُوۤا۟ اٰتٰتِكُمْ السَّاعَةَ اَءَغْيٰرُ اللّٰهِ تَدْعُوۡنَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيۡنَ

بگو: اگر راست می گوئید چه خواهید کرد آنگاه که عذاب خدا در دنیا بیاید یا قیامت فرا رسد، آیا غیر خدا را می خوانید؟

نکته ها

○ انسان در حال رفاه و زندگی عادی معمولاً غافل است، ولی هنگام برخورد با سختی ها پرده ی غفلت کنار رفته و فطرت خداجویی و یکتاپرستی انسان ظاهر می شود.

پیام ها

۱- یکی از شیوه های تبلیغ و تربیت، پرسش از مخاطب است. قل اءرایتکم . . .

۲- تجربه نشان می دهد که در همه ی انسان ها (گرچه به ظاهر کفر ورزند،) فطرت خداجویی هست و به هنگام حوادث در انسان جلوه می کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور است مردم را به این فطرت خفته توجه دهد. قل اءرایتکم . . .

۳- هنگام حوادث و سختی ها، پرده ها کنار رفته و انسان فقط به خدا توجه می کند و توجه نکردن به معبودهای دیگر، نشانه ی پوچی آنهاست. اءغیر الله تدعون

آیه ۴۱

نکته ها

۴۱- بَلْ اِیَّاهُ تَدْعُوۡنَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُوۡنَ اِلَیْهِ اِنْ شَاءَ وَتَنْسُوۡنَ مَا تَشْرِكُوۡنَ

بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید.

برداشتن عذاب، یا برای اتمام حجت است، یا به خاطر تغییر حالات قوم. چنانکه در آیه ۹۸ سوره ی یونس می فرماید: لَمَّا اٰمَنُوۡا كَشَفْنَا عَنْهُمُ عَذَابَ الْخِزْيِ چون ایمان آوردند، عذاب خواری و ذلت را از آنان برداشتیم.

پیام ها

۱- همه معبودهای خیالی به هنگام برخورد انسان با حوادث فراموش می شوند. بل اياه تدعون . . . و تنسون ما تشرکون آنان نه تنها فراموش، بلکه انکار می شوند. چنانکه در آیه ی دیگر می خوانیم: واللّٰه ربّنا ما کنا مشرکین (۱۰۱) مشرکان در قیامت

با سوگند شرک خود را انکار می کنند .

۲- دعای خالصانه ، همراه استجاب است . بل ایاه تدعون فیکشف

۳- یاس از غیر خدا ، سبب سرعت در استجاب دعاست . (حرف فاء در کلمه ی فیکشف)

۴- استجاب دعا ، در اراده و مشیت حکیمانه ی خداوند است . فیکشف ان شاء

آیه ۴۲

آیه ۴۲

۴۲- وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَيْكَ اُمَّمٍ مِّن قَبْلِكَ فَاذْحَنَّهُمْ بِالْبَاءِ سَاءٍ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

و همانا به سوی امت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم ، (و چون سرپیچی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم . باشد که تضرع کنند .

نکته ها

○ باء ساء به معنای جنگ ، فقر ، قحطی ، سیل ، زلزله و امراض مُسری و ضراء به معنای غم ، غصه ، آبروریزی ، جهل و ورشکستگی است .

○ حضرت علی علیه السلام فرمود : اگر هنگام ناگواری ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند ، مورد لطف خدا قرار می گیرند . (۱۰۲) مولوی در ترسیم این حقیقت می گوید :

پیش حقّ یک ناله از روی نیاز

به که عمری در سجود و در نماز

زور را بگذار و زاری را بگیر

رحم سوی زاری آید ای فقیر

پیام ها

۱- بعثت انبیا در میان مردم ، یکی از سنت های الهی در طول تاریخ بوده است . لقد ارسلنا الی اُمم من قبلک

۲- تاریخ گذشتگان ، عبرت آیندگان است . قبلک

۳- در تربیت و ارشاد ، گاهی فشار و سخت گیری هم لازم است . اخذناهم بالباء ساء و الضراء

۴- مشکلات ، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است . يتضرعون

۵- هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست . لعلهم يتضرعون

۶- همه ی افراد لجوج ، با فشار و در تنگا و سختی قرار گرفتن هم رام نمی شوند . لعلهم يتضرعون

آیه ۴۳

آیه ۴۳

۴۳- فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَاءُ سُنَّاتِنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید ، توبه و زاری نکردند ؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند ، برایشان زیبا جلوه داده است .

پیام ها

۱- تضرع به درگاه خداوند ، سبب رشد و قرب به او و ترک آن نشانه ی سنگدلی و فریفتگی است . فلولا ... تضرعوا

۲- انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد تا آنجا که شیطان نیز از همین غریزه ، او را اغفال می کند . زین لهم الشيطان

۳- برای لجوجان ، نه تبلیغ مؤثر است ، نه تنبیه . قست قلوبهم

۴- ریشه ی غرور و ترک تضرع ، مفتون شدن به تزیینات شیطانی است . فلولا ... تضرعوا ... زین لهم الشيطان

آیه ۴۴

آیه ۴۴

۴۴- فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

پس چون اندرزهایی را که به آنان داده شده بود فراموش کردند ، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدند) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند ، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند .

نکته ها

O مبلسون از ابلاس ، به معنای حزن و اندوه همراه با یأس است . حالتی که مجرمان ، هنگام پاسخ نیافتن در دادگاه پیدا می

کنند. (۱۰۳)

○ در دو آیه ی قبل فرمود: ما افرادی را گرفتار می کنیم تا تضرع کنند، در این آیه می فرماید: برخی در لحظه های گرفتاری هم خدا را فراموش می کنند. نسوا ما ذُکروا...

○ در قرآن می خوانیم: و عسی أن تحبوا شیا و هو شرّ لكم (۱۰۴)، چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که برای شما شرّ است و حضرت علی علیه السلام می فرماید: اذا راءیت سبحانه یتابع علیک نعمه و اءنت تعصیه فاحذره (۱۰۵) اگر دیدی خداوند نعمت هایش را بر تو مدام می دهد، ولی تو گناه می کنی، پس به هوش باش، چه بسا این لطفها عاقبت خوشی ندارد.

○ دنیا و بهره هایش، هم می تواند برای انسان نعمت باشد، هم نعمت. در آیه مورد بحث، دنیا نعمت به حساب آمده است. اما ایمان و تقوی، برکات آسمان و زمین را

برای اهلس به دنبال دارد ، چنانکه در آیه ۹۶ سوره اعراف آمده است : **ولو اءنّ اءهل القُرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ، بنابراین غفلت ، درهای خیر را بر روی انسان می بندد .**

O پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : **اذا راءیت الله یعطی علی المعاصی فان ذلک استدراج منه ، اگر مشاهده کردی که دنیا به کام گنهکاران است خوشحال مباش ، زیرا این استدراج الهی و به تدریج هلاکت کردن اوست . (۱۰۶) و آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمودند .**

امام باقر علیه السلام در تاءویل آیه فرمودند : **چون مردم ولایت علی بن ابی طالب ۸ را ترک کردند و حال آنکه به آن امر شده بودند ، فلما نسوا . . . ، دولت آنان را در دنیا بسط دادیم ، فتحنا علیهم . . . تا حضرت قائم علیه السلام قیام کند ، حتی . . . اءخذناهم بغته . (۱۰۷)**

پیام ها

۱- همیشه رفاه زندگی ، علامت رحمت نیست ، گاهی زمینه ی عقوبت است . نسوا فتحنا

۲- مهلت دادن به مجرمان و سرگرم شدن خلافکاران ، یکی از سنت های الهی است . فلما نسوا . . . فتحنا

۳- قهر خداوند بعد از اتمام حجت است . نسوا ما ذکروا . . . اخذناهم

۴- تنگناها و گشایش ها به دست خداست . اخذنا . . . فتحنا

۵- مرگ و قهر الهی ، ناگهانی می آید ، پس باید همیشه آماده بود . بغته

۶- شادی عیاشان ، ناگهان به ناله ی ماء یوسانه تبدیل خواهد شد . فرحوا مبلسون

آیه ۴۵

آیه ۴۵

۴۵- **فَقَطِّعْ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس ، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است .

نکته ها

O امام صادق علیه السلام فرمود : **کسی که دوست داشته باشد ظالم باقی باشد ، در واقع دوست دارد که خداوند معصیت و نافرمانی شود ، همانا خداوند خویشتن را به جهت هلاک کردن ظالمان ستوده است . فقطع . . . و الحمد لله (۱۰۸)**

پیام ها

۱- ستم ، ماندنی نیست . قطع

۲- ظلم ، در نسل هم مؤثر است . دابر

۳- انقراض و نابودی ستمگران ، حتمی است . (ظلم تمدن ها را ریشه کن می کند) فقط دابر چنانکه در جای دیگر می فرماید :
فهل تری لهم من باقیه (۱۰۹)

۴- بی توجهی به هشدار انبیا ظلم است . نسوا ما ذکروا . . . الذین ظلموا

۵- گاهی رفاه فراوان ، زمینه ی ظلم است . فتحنا علیهم ابواب کل شیء . . . الذین ظلموا

۶- در تاریخ اقوامی بوده اند که هیچ اثری از آنان نیست . فقط دابر

۷- نابود کردن ستمکار ، کاری پسندیده است . والحمدلله

۸- هنگام نابودی ستمگران ، باید خدا را شکر کرد . فقط . . . والحمدلله

۹- هلاکت ظالمان ، عامل تربیت دیگران است . رب العالمین

آیه ۴۶

آیه ۴۶

۴۶- قُلْ اَعْرَضْتُمْ اِنْ اءَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰی قُلُوبِكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِ اللّٰهِ يَآءْتِيْكُمْ بِهِ اَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰیٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُوْنَ

بگو : چه فکر می کنید ، اگر خداوند ، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند ، جز خداوند ، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد ؟ ببین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم ، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی بر می گردانند .

نکته ها

○ از ابتدای سوره تا اینجا حدود ده بار خداوند با طرح سؤال ، مخالفان را دعوت به تفکر کرده است . زیرا تفکر در نعمت ها و تصور و فرض تغییر و تحوّل آنها ، زمینه ی خداشناسی است .

اگر درختان سبز نشوند ، لو نشاء لجعلناه حطاما(۱۱۰)

اگر آنها تلخ و شور شوند ، لو نشاء جعلناه اُجاجا(۱۱۱)

اگر آبها به زمین فرو روند، إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غُورًا (۱۱۲)

اگر شب یا روز، همیشگی باشد، إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا... إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا (۱۱۳)

و اگر چشم و گوش و عقل انسان از کار بیفتد، إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ... (۱۱۴)

○ امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خداوند هدایت شما را بگیرد، کیست که دوباره شما را هدایت کند؟ و سپس این آیه را تلاوت فرمود. (۱۱۵)

پیام ها

- ۱- یکی از روشهای تبلیغی و تربیتی قرآن، سؤال از وجدان هاست. اءراءیتم ان اخذ الله... من اله
- ۲- برای خداوند، پس گرفتن نعمت هایی که داده آسان است، پس بهوش باشیم. اخذ الله سمعکم... .
- ۳- هم آفرینش از آن خداوند است، هم کارآیی لحظه به لحظه ی آنها نعمت پروردگار است. اخذ الله سمعکم
- ۴- گوش و چشم و عقل، ابزار شناخت انسان و از مهم ترین نعمت های الهی است. سمعکم و ابصارکم... قلوبکم
- ۵- معبودهای خیالی، نه توان آفریدن و نه توان برگرداندن نعمت های از دست رفته را دارند من

اله غير الله ياء تيكم (آرى ، كسى لايق پرسش است كه هم بتواند نعمتى را بدهد و هم بتواند بازستاند)

۶- با آن همه تنوع در استدلال ، توجه مشركان به غير خداوند ، شگفت آور است . انظر كيف ...

۷- براى انسان هاى لجوج ، هرنوع بيانى بى اثر است . نُصِرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

آيه ۴۷

آيه ۴۷

۴۷- قُلْ اِنَّكُمْ لَمِنْ اَعْدَاءِ رَبِّكُمْ اِنْ اَتَيْتُمْ عَذَابَ اللّٰهِ بَعْتَهُ اَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ اِلَّا الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ

بگو : چه خواهيد كرد اگر عذاب خداوند ، به طور پنهان و ناگهاني يا آشكارا به سراغ شما آيد ، آيا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد ؟

نکته ها

O شايد مراد از بگته به هنگام خواب در شب و مراد از جهره به هنگام كار در روز باشد . مثل آيه ي اءتاهها امرنا ليلا اءونهارا(۱۱۶) ، شايد مراد از بگته ، عذاب هاى بى مقدمه باشد و مقصود از جهره ، عذاب هاى كه آثارش از روز اول آشكار شود ، مثل ابرهاى خطرناك كه بر سر قوم عاد فرود آمد . چنانكه در جاى ديگر مى خوانيم : قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اءليم (۱۱۷)

O سؤ ال : اين آيه مى گويد : تنها ظالمين از عذاب الهى هلاك مى شوند ، در آيه اى ديگر و اتقوا فتنه لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصه (۱۱۸) فراگيرى فتنه و شعله هاى عذاب نسبت به همه بيان شده و هشدار داده شده است ، چگونه مفهوم اين دو آيه قابل جمع است ؟

پاسخ : در تفسير كبير فخررازى و مجمع البيان آمده است : هر فتنه اى هلاك نيست . در حوادث تلخ ، آنچه به ظالمان مى رسد هلاكت و قهر است ، و آنچه به مؤ منان مى رسد ، آزمائش و رشد است .

پيام ها

۱- پيامبر براى بيدارى وجدان ها ، ماء مور به سؤ ال و پرسش از آنان است . قل اءرايتكم

۲- از سر كشى خود و مهلت الهى مغرور نشويد ، شايد عذاب خدا ناگهاني فرارسد . بگته

۳- وقتى عذاب خدا آيد ، هلاكت قطعى است ، نه خودشان و نه ديگران قدرت دفاع ندارند . عذاب الله يهلك

۴- كيفر هاى الهى ، به خاطر ظلم مردم و عادلانه است . يهلك ..

۵- اعراض از دعوت انبیا ، ظلم است . هم یصدفون الظالمون

آیه ۴۸

۴۸- وَمَا نُزِّلَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَءَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم ، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند ، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند .

آیه ۴۹

آیه ۴۹

۴۹- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند ، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان ، دامنگیر آنان می شود .

نکته ها

○ سؤال : با اینکه در آیات متعددی نسبت به اولیای الهی آمده است که ترسی بر آنان نیست ، لا خوف علیهم پس چرا از ویژگی های اولیای الهی ، بیم از خدا مطرح شده است ، انا نخاف من ربنا ... ؟

پاسخ : اولاً گاهی بیمار ، از عمل جراحی و مداوا می ترسد ، ولی پزشک به او اطمینان می دهد که جای نگرانی و ترس نیست . جای نگرانی نبودن ، منافاتی با دلهره ی خود بیمار ندارد .

ثانیاً : معنای لا خوف علیهم آن است که ترس بر آنان حاکم نمی شود . (حرف علی به معنای استعلا و غلبه است) نه اینکه اصلاً ترسی ندارند و یحزنون یعنی اندوه دائم ندارند (فعل مضارع رمز تداوم است) نه اینکه برای لحظه ای هم نگران نیستند .

پیام ها

۱- محدوده ی کار انبیا را تنها خدا تعیین می کند . و ما نرسل ... الا مبشرین ...

۲- مسئولیت انبیا ، بشارت و هشدار است ، نه اجبار مردم . الا مبشرین و منذرین

۳- شیوه ی کلی کار انبیا ، یکسان بوده است . مبشرین و منذرین

۴- ارشاد و تربیت ، بر دو پایه ی بیم و امید و کیفر و پاداش استوار است . مبشرین و منذرین

۵- ایمان و عمل صالح ، جدای از هم نیستند و عمل منهای ایمان هم کارساز نیست . آمن و اصلح

۶- کارهای مؤمن ، همیشه باید در جهت اصلاح باشد . آمن و اصلح

۷- صالح بودن کافی نیست ، مصلح بودن لازم است . اءصلح

۸- ایمان و عمل

، انسان را از بیماری های روحی چون ترس و اندوه بیمه می کند . آمن و اصلح فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون (بهداشت روان ، در سایه ی ایمان و عمل صالح است)

۹- دستاورد جامعه ی نبوی ، نظامی متعادل و آرام و با امتیّت است . فمن آمن و اصلح فلاخوف . . .

۱۰- انسان فطرتاً خواهان آرامش و امتیّت است . فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

۱۱- مداومت بر فسق ، زمینه ساز عذاب الهی است . یمسهم العذاب بما كانوا یفسقون

آیه ۵۰

آیه ۵۰

۵۰- قُلْ لَّاۤ اَعۡقُولُ لَکُمۡ عِنۡدِیۡ خَزَاۤئِنِ اللّٰهِ وَلَاۤ اَعۡلَمُ الغَیۡبِ وَلَاۤ اَعۡقُولُ لَکُمۡ اِنِّیۡ مَلَکٌ اِنۡ اَعۡتَبُۡ اِلَّا مَا یُوۡحٰیۡ اِلَیَّ قُلْ هَلۡ یَسِۡتَوِیۡ الۡاَعۡمٰی وَ البَصِیۡرُ اَفَلَا تَتَفَکَّرُوۡنَ

(ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام ، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم . بگو: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ آیا نمی اندیشید؟

نکته ها

O گویا مردم بی ایمان خیال می کردند کسی می تواند پیامبر باشد که خزائن الهی در اختیارش باشد ، یا انتظار داشتند تمام کارهای خود را از مسیر علم غیب حل کند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این آیه ماء مور می شود با صراحت جلوی توقّعات نابجا و پندارهای غلط آنان را بگیرد و محدوده ی وظائف خود را بیان کند و بگوید : معجزات من نیز در چهارچوب وحی الهی است ، نه تمایلات شما و بدانید که هر کجا به من وحی شد معجزه ارائه خواهم داد ، نه هر کجا و هرچه شما هوس کنید .

O در این آیه ، غیب دانستن پیامبر به صورت مستقل نفی شده ، ولی گاهی آگاهی هایی از غیب به پیامبر عطا شده است . خداوند بارها درباره ی تاریخ حضرت یوسف و مریم و نوح و . . . به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است : ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک این قصه ها ، اطلاعات غیبی است

که به تو می دهیم . در آخر سوره ی جنّ هم فرموده است : خداوند علم غیب دارد و آن را جز به اولیای خویش عطا نمی کند . پس علم غیب مخصوص خداست و اگر بخواهد گوشه ای از آن را در اختیار اولیای خود قرار می دهد .

○ برخورد همه ی انبیا با مردم یکسان بوده است . همین سخنان را حضرت نوح هم به مردم خود می گفت . (۱۱۹)

پیام ها

۱- صداقت انبیا ، تا آنجاست که اگر فاقد قدرتی باشند ، به مردم اعلام می کنند . قل لا اقول

۲- از کارهای انبیا ، مبارزه با خرافه گرایی و شخصیت سازی کاذب است . لا اقول . . . لا اعلم

۳- از پیامبران ، توقعات بیجا نداشته باشید . لا اقول لكم عندي خزائن الله

۴- زندگی ، اهداف و شیوه ی کار رهبر باید صریح و روشن برای مردم بیان شود . قل لا اقول . . .

۵- نگذارید مردم ، شمارا بیش از آنچه هستید بپندارند . (شخصیت ها اگر القاب کاذب را از خود نفی کنند ، جلوی غلوه ها و انحرافات گرفته می شود) . لا اقول لكم عندي خزائن الله . . .

۶- انبیا ، با پول و تهدید و تطمیع کار نمی کردند ، تا دیگران از روی ترس و طمع ، دور آنان جمع نشوند و خیال نکنند که اگر با پیامبر باشند ، از علم غیب یا خزانه ی الهی مشکلاتشان حل خواهد شد . قل لا اقول . . .

۷- پیامبر برای زندگی شخصی یا اداره ی حکومت ، همچون دیگران از مسیر عادی

اقدام می کند و از علم غیب و خزانه ی الهی استفاده شخصی نمی کند ، گرچه برای اثبات نبوت لازم است استفاده کند . لا اعلم الغیب

۸- گرچه پیامبر خزائن الهی و علم غیب ندارد ، ولی چون به او وحی می شود باید از او پیروی کرد . یوحی الی

۹- کار پیامبر ، نه بر اساس خیال و سلیقه است ، نه بر اساس تمایلات اجتماعی یا محیط زدگی ، بلکه تنها براساس پیروی از وحی است . ان اتبع الا ما یوحی الی

۱۰- رفتار و گفتار پیامبران ، برای ما حجت است ، چون بر مبنای وحی است . ان اتبع الا ما یوحی الی

۱۱- پیروی از انبیا ، بصیرت و اعراض از آنان ، نایبایی است . قل هل یتوی الاعمی و البصیر

۱۲- فکر صحیح ، انسان را به پیروی از انبیا وامی دارد و بهانه ها و توقعات را کنار می گذارد . اءفلا تتفکرون

آیه ۵۱

آیه ۵۱

۵۱- وَءَاذُرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

و به وسیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شدن نزد پروردگارشان بیم دارند هشدار ده (زیرا) غیر از خداوند ، برای آنان یاور و شفیع نیست ، شاید که پروا نمایند .

نکته ها

○ در قرآن بارها خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است که هشدار تو تنها در دل خداترسان اثر می کند ، مثل : انما تنذر من اتبع الذکر و خشی الرحمن (۱۲۰) و انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب (۱۲۱)

پیام ها

۱- آمادگی افراد ، شرط تاءثیر گذاری هدایت انبیا است . الذین یخافون

۲- عقیده به معاد ، کلید تقوی است . یخافون ان یحشروا . . . لعلهم یتقون

آیه ۵۲

آیه ۵۲

۵۲- وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَصِيِّ يْرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ

و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند ، در حالی که رضای او را می طلبند ، از خود مران . چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست ، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی .

نکته ها

○ در شاءن نزول این آیه آمده است جمعی از کفار پولدار ، چون دیدند فقیرانی مانند عمار و بلال و خباب و . . . دور پیامبر را گرفته اند ، پیشنهاد کردند که آن حضرت ، اینان را طرد کند تا آنان گرد او جمع آیند . به نقل تفسیر المنار خلیفه ی دوّم گفت : به عنوان آزمایش ، طرح را بپذیریم ، آیه ی فوق نازل شد . مشابه این مطلب در سوره ی کهف ، آیه ۲۸ نیز آمده است .

○ در تفسیر قرطبی آمده است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول این آیه ، از مجلس فقرا بر نمی خاست تا آنکه اوّل فقیران برخیزند .

○ منظور از خواندن خدا در صبح و شب ، ممکن است نمازهای روزانه باشد . (۱۲۲)

پیام ها

- ۱- حفظ نیروهای مخلص و فقیر و مجاهد ، مهم تر از جذب سرمایه داران کافر است . لا تطرد
- ۲- هدف ، وسیله را توجیه نمی کند . برای جذب سران کفر ، نباید به مسلمانان موجود اهانت کرد . لا تطرد
- ۳- اسلام ، مکتب مبارزه با تبعیض ، نژاد پرستی ، امتیاز طلبی و باج خواهی است . (با توجه به شاءن نزول)
- ۴- اغلب طرفداران انبیا ، پابرهنگان بوده اند . (با توجه به شاءن نزول)
- ۵- بهانه گیران ، اگر از رهبر و مکتب نتوانند عیب بگیرند ، از پیروان و وضع اقتصادی آنان عیب جویی می کنند . (با توجه به شاءن نزول)
- ۶- هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی کند . بریدون وجهه
- ۷- میزان ، حال فعلی

اشخاص است . اگر مؤمنان فقیر ، خلاف قبلی داشته باشند ، حسابشان با خداست . ما عليك من حسابهم من شیء

۸- حساب همه با خداست ، حتی رسول اکرم نیز مسئول انتخاب و عمل دیگران نیست ، ما عليك من حسابهم من شیء و خود نیز حساب و کتاب دارد . و ما من حسابك عليهم من شیء

۹- طرد پابرهنگان و محرومان مخلص ، ظلم است . فتكون من الظالمين

آیه ۵۳

آیه ۵۳

۵۳- وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم ، تا (از روی استهزا) بگویند : آیا اینانند آنها که خداوند ، از میان ما بر آنها منت نهاده است ؟ آیا خداوند به حال شاکران داناتر نیست ؟

نکته ها

○ بارها قرآن ، بلند پروازی و پر توقعی سرمایه داران را مطرح و محکوم کرده است . آنان توقع داشتند وحی و قرآن بر آنان نازل شود ، از جمله : اءُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا (۱۲۳) آیا در میان ما وحی بر او نازل شد ؟ ! لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۱۲۴) چرا وحی بر مرد بزرگی از آن دو قریه نازل نشد ؟ !

○ مؤمن واقعی ، شاکر نعمت ایمان است . شخصی نزد امام کاظم علیه السلام از فقر خود شکایت کرد . حضرت فرمود : غنی ترین افراد به نظر تو کیست ؟ گفت : هارون الرشید . پرسید : آیا حضری ایمان خود را بدهی و ثروت او را بگیری ؟ گفت : نه . فرمود : پس تو غنی تری ، چون چیزی داری که حاضر به مبادله با ثروت او نیستی . (۱۲۵)

پیام ها

۱- تفاوت های اجتماعی ، گاهی وسیله ی آزمایش و شکوفا شدن خصلت ها و رشد آنهاست . اغنیا ، با فقرا آزمایش می شوند . فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ

۲- اغنیا ، فقرا را تحقیر می کنند و خود را ارزشمند می پندارند . اءهولاء . . . من بیننا

۳- فقرای با ایمان ، برگزیدگان خدایند . مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

۴- پاسخ توهین های کافران ، با نوازش و مهر الهی به مؤمنان داده می شود . اءهولاء . . . اعلم بالشاکرین

۵- منت الهی بر فقیران ، نتیجه ی شکر آنان است . مَنْ اللَّهُ . . . بالشاکرین

۶- خداوند طبق حکمتش عمل می کند ، نه توقع

مردم . اے لیس اللہ باء علم بالشاکرین

۷- انبیا ، نمونه بارز شاکرین هستند . بالشاکرین (فقرا بی هم که هدایت انبیا را پذیرفته اند ، شاکر نعمت هدایت هستند .) اعلم بالشاکرین

آیه ۵۴

۵۴- وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند ، پس بگو : سلام بر شما ! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید ، پس قطعاً خداوند ، آمرزنده و مهربان است .

آیه ۵۵

آیه ۵۵

۵۵- وَكَذَلِكَ نَفِصُّ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ

و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم ، (تا حق آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود .

نکته ها

○ در شائن نزول آیه آمده است ، جمعی گنهکار ، خدمت پیامبر آمده و گفتند : ما خلاف های زیادی کرده ایم . حضرت ساکت شد . این آیه نازل شد .

○ در این سوره ، خداوند دوبار جمله : کتب علی نفسه الرحمة گفته است ، یکی برای دلگرم کردن مؤمنان در همین دنیا (همین آیه) ، یکی هم در آیه ۱۲ که برای معاد است . کتب علی نفسه الرحمة لیجمعنکم

○ جهالت ، گاهی در برابر علم است و گاهی در برابر عقل ، و در آیه ۵۴ در برابر عقل است .

یعنی از روی جهل و بی خردی به گناه کشیده شده اند ، نه آنکه نمی دانستند .

پیام ها

۱- ایمان زائر پیامبر خدا ، از شرایط دریافت لطف الهی است . و اذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل . . .

۲- زیارت پیامبر ، راه دریافت لطف خداست . جاءك . . . فقل سلام عليكم کتب

۳- رابطه ی رهبر و مردم ، بر پایه ی انس و محبت است . اذا جاءك . . . فقل سلام عليكم

۴- بهترین عبارت تحیت ، سلام عليكم است . فقل سلام عليكم

۵- تحقیر شدن مؤمنان را جبران کنید . (در آیه ی ۵۳ متکبران با لحن تحقیر آمیزی می گفتند : أهؤلاء . . . ولی در آیه ۵۴ خداوند آن تحقیر را جبران می کند و به پیامبرش دستور سلام کردن به مؤمنان را صادر می کند .) فقل سلام عليكم

۶- سلام ، شعار اسلام است . بزرگ نیز به کوچک ، سلام می کند . فقل

۷- مرّبی و مبلغ ، باید با برخوردی محبت آمیز با مردم ، به آنان شخصیت دهد . سلام علیکم

۸- اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد ، قابل بخشش است . (جهالت ، عذری قابل قبول برای بخشش و گذشت از خطاکاران است .) من عمل منکم سوءً بجهاله

۹- خداوند ، رحمت را بر خویش واجب کرده ، ولی شرط دریافت آن ، عذرخواهی و توبه است . کتب . . . ثمّ تاب

۱۰- توبه ، تنها یک لفظ نیست ، تصمیم و اصلاح هم می خواهد . تاب و اءصلح

۱۱- توبه ی مؤ من حتما پذیرفته می شود ، عمل منکم آغاز توبه ، بعد از گناه است . من بعده

۱۲- عفو الهی همراه با رحمت است . غفور رحیم (گناهکار نباید مایوس شود)

۱۳- روشنگری نسبت به سیمای مجرمان و راه خطاکاران و اهل توطئه ، از اهداف مکتب است . لتستین سبیل المجرمین

آیه ۵۶

آیه ۵۶

۵۶- قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ عَنِ الْعِبَادَةِ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

بگو : من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام . بگو : من از هوسهای شما پیروی نمی کنم ، که در این صورت گمراه شده و از هدایت یافتگان نخواهم بود .

پیام ها

۱- در پاسخ به تمایلات نابجای مشرکین مبنی بر پذیرش بت ها و روش آنان ، باید با صراحت جواب نفی داد . نُهَيْتُ ، لا اءتبع ، ضللت (آری شرک ، در هیچ قالبی مجاز نیست)

۲- برخورد و موضع گیری های پیامبر صلی الله علیه و آله ، از وحی سرچشمه می گیرد . قل ، قل

۳- برائت از شرک ، جزو اسلام است . نُهَيْتُ عَنِ الْعِبَادَةِ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

۴- ریشه ی شرک ، هواپرستی است . لا اءتبع اهوائکم

۵- مبلغ ، نباید در پی ارضای هوسهای مردم باشد . لا اءتبع اهوائکم

۶- هواپرستی ، زمینه ی هدایت را در انسان از بین می برد . لاءتبع اهوئکم . . . ما انا من المهتدين

آیه ۵۷

آیه ۵۷

۵۷- قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصِيلِينَ

بگو : همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم ، ولی شما آن را دروغ پنداشتید . آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین (داور و) جدا کننده ی حق از باطل است .

نکته ها

○ بینه از کلمه ی بینونه (جدایی) ، به دلیلی گفته می شود که به طور کامل و روشن ، حق و باطل را از هم جدا می کند . دلائل و معجزات پیامبران ، نه ثقیل بود نه مبهم ، همه می فهمیدند و اگر لجاجت نمی کردند ، از جان و دل می پذیرفتند ، به همین خاطر پیامبران خود را دارای بینه معرفی می کردند .

○ کفار می گفتند : اگر راست می گویی ، چرا قهر خدا بر ما نازل نمی شود ؟ تستعجلون به نظیر آیه ای که می گفتند : اگر این مطلب راست است ، خدایا بر ما سنگ بیاران ، فامطر علينا حجاره من السماء (۱۲۶) استعجال و عذاب خواهی در اقوام دیگر هم بوده و به حضرت هود و صالح و نوح هم می گفتند : اگر راست می گویی عذاب موعود را سریعاً برای ما بیاور . فَاَتَا بِمَا تَعَدُّنَا (۱۲۷)

پیام ها

۱- دعوت انبیا بر اساس بینه است ، نه خیال و تقلید کورکورانه علی بینه

۲- اعطای بینه به پیامبر ، پرتوی از ربوبیت خداوند است . بینه من ربی

۳- انبیا باید بینه ی الهی داشته باشند ، نه آنکه طبق تقاضای روزمره ی مردم کار کنند . بینه من ربی (قرآن ، بینه و دلیل روشن و گواه حقایق پیامبر صلی الله علیه و آله است)

۴- پیامبر اسلام بر قرآن که بینه ی اوست ، احاطه ی کامل دارند . (علی بینه به معنای استعلا و احاطه بر مفاهیم قرآن است)

۵- کافران ، بینه ی پیامبر را تکذیب می کنند ، ولی انتظار دارند او از

هواهای نفسانی آنان پیروی کند . لا اَتَّبِعْ اَهْوَاءَكُمْ كَذَّبْتُمْ بِهِ

۶- با بهانه جویان ، صریح حرف بزید . ما عندی

۷- پیامبر ، تنها فرستاده ای همراه با منطق و بینه است و نظام هستی به دست خداست . (با تقاضای نزول سریع قهر الهی از پیامبر ، قلع و قمع خود یا نابودی هستی را نخواهید) . ما تستعجلون به

۸- آیه ، هم تهدید کافران است ، هم دلداری پیامبر . و هو خیر الفاصلین

آیه ۵۸

آیه ۵۸

۵۸- قُلْ لَوْ اَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظّٰلِمِينَ

بگو: اگر آنچه که درباره آن شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم ،) قطعاً کار میان من و شما پایان گرفته بود ، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند) .

پیام ها

۱- عجله ی مردم ، حکمت خدا را تغییر نمی دهد . تستعجلون . . . واللّه اعلم

۲- کیفرها به دست خداوند است ، اما اگر او به درخواست کفار در عذاب خود عجله کند ، هیچ کس باقی نمی ماند . لقضی الامر چنانکه در آیه ۱۱ سوره ی یونس آمده است : وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنّٰسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلُوهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ

۳- خدا طبق حکمت و سنت خود ، به ظالمان مهلت می دهد . قل لو ان عندی ما تستعجلون به لقضی . . . واللّه اعلم بالظالمین

۴- تاخیر در قهر و عذاب الهی سبب نشود که کافران خیال کنند کفرشان از یاد رفته است . واللّه اعلم بالظالمین

۵- اعراض از ایمان و عجله در عذاب ، ظلم است . بالظالمین

آیه ۵۹

آیه ۵۹

۵۹- وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهٖ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَیْهٖ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَظْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و گنجینه های غیب ، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه را در خشکی و دریاست می داند ، و هیچ برگی

از درخت نمی افتد جز آنکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است .

نکته ها

○ مفاتح ، یا جمع مَفْتَح به معنای گنجینه و خزانه است ، یا جمع مِفْتاح به معنای کلید است ، ولی معنای اوّل مناسب تر است . (۱۲۸)

○ کلمه ی تر و خشک ، کنایه از همه ی چیزهایی است که مقابل همنند ، مثل مرگ و حیات ، سلامتی و مرض ، فقر و غنا ، نیک و بد ، مجرّد و مادی . این مطلب در آیه ی و کُلّ شیء اءحصیناه فی امامٍ مُبین (۱۲۹) نیز بیان شده است

○ شاید مراد از سقوط برگ ها ، حرکات نزولی و مراد از دانه های در حال رشد زیر زمین ، حرکات صعودی باشد . (۱۳۰)

پیام ها

۱- دلیل آنکه عذاب عجلوانه ای که کفّار تقاضا می کنند فرا نمی رسد ، علم خداوند به اسرار هستی است . ما تستعجلون . . . و عنده مفاتح الغیب

۲- احکام الهی بر اساس آگاهی او بر غیب و شهود است . **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ** و عنده مفاتح الغیب

۳- دامنه ی علم غیب ، گسترده تر از علوم عادی است . (زیرا قرآن درباره آن تعبیر انحصاری دارد .) **لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ**

۴- بر خلاف کسانی که می گویند خداوند تنها به کلیات علم دارد ، خداوند به همه چیز دانا و از همه ی جزئیات هستی آگاه است . پس باید مواظب اعمال خود باشیم . **لَا تَسْقُطُ مِنْ وَرْقِهِ . . .**

۵- جز خداوند ، هیچکس از پیش خود علم غیب ندارد . و عنده مفاتح الغیب **لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ**

۶- در جهان ، مرکزیتی برای اطلاعات وجود دارد . فی کتاب

۷- نظام هستی ، طبق برنامه ی پیش بینی شده ای طراحی شده است . کتاب مبین

آیه ۶۰

آیه ۶۰

۶۰- وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

و او کسی است که (روح) شمارا در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند ، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدّت معین (عمر شما) سپری شود . عاقبت بازگشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید خبر می دهد .

نکته ها

○ جَرَحْتُم از جارحه به معنای عضو است ، عضوی که با آن کار و کسب می شود و سپس به خود کار و عمل گفته شده است .

○ با اینکه خداوند به هنگام خواب روح انسان را می گیرد ، ولی می فرماید : ما شما را می گیریم ، پس معلوم می شود روح انسان تمام حقیقت اوست .

پیام ها

۱- خواب ، یک مرگ موقتی است و هربیداری نوعی رستاخیز . يتوفاکم ، یبعثکم

۲- قانون طبیعی آن است که شب برای خواب و روز برای کار باشد . يتوفاکم باللیل ، جرحتم بالنهار

۳- هر روز عمر ، یک فرصت و بعثت جدید است . یبعثکم

۴- زندگی ما ، تاریخ و برنامه و مدّت معین دارد . اءجل مسمی

۵- خود را برای پاسخگویی قیامت آماده کنیم . الیه مرجعکم

۶- خداوند با اینکه کار بد ما را می داند ولی باز هم به ما مهلت داده و روح گرفته را به بدن برمی گرداند . يعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم

۷- قیامت ، روز روشن شدن حقیقت اعمال است . ینبئکم بما کنتم تعملون

۶۱- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ

و تنها اوست که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد ، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد ، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود ، هیچ کوتاهی نکنند .

نکته ها

○ گرفتن روح در شب و برگرداندن آن در روز یکی از نمونه های قاهر بودن خدا بر انسان است .

○ مسأله ی قبض روح ، در قرآن هم به خداوند نسبت داده شده الله يتوفى الانفس ، هم به ملك الموت و هم به فرشتگان . این اختلاف تعبیر شاید به خاطر آن باشد که جان افراد عادی را فرشتگان می گیرند و جان افراد برجسته را ملك الموت که فرشته برتری است و جان اولیای خدا را ذات مقدس او می گیرد .

و شاید به این دلیل باشد که ابتدا فرشتگان ، روح مردم را می گیرند و سپس تحویل ملك الموت می دهند و آنگاه ملك الموت (عزرائیل) روح های گرفته شده را به خداوند تحویل می دهد و به همین دلیل گرفتن روح مردم هم کار فرشتگان و هم کار ملك الموت و هم کار خداوند به شمار می رود .

○ ممکن است مراد از فرشتگان محافظ ، آنان باشند که مراقب و نگهدار انسان از حوادثند ، (۱۳۱) له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امرالله (۱۳۲) و ممکن است مراد از حفظه ، فرشتگانی باشند که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسانند . رسلنا لدیهم یکتبون (۱۳۳)

○ ایمان به مراقبت

فرشتگان از انسان ، عامل شکر از خداست ، همان گونه که ایمان به ثبت اعمال توسط فرشتگان عامل حیا و تقواست .

پیام ها

۱- خداوند ، قدرت و سلطه ی کامل دارد و اگر ما را آزاد گذاشته ، به خاطر مهلتی است که از روی لطف اوست . و هو القاهر ...

۲- تسلط خدا بر بندگان چنان است که کسی را تاب مقاومت نیست . و هو القاهر فوق عباده

۳- در دستگاه آفرینش ، انواع مراقبت ها وجود دارد . حفظه

۴- فرستادن فرشتگان محافظ ، دائمی است . يُرسل (فعل مضارع نشانه ی دوام و استمرار است)

۵- هر دسته از فرشتگان ، ماءموریت خاصی دارند . حفظه توفته

۶- برای قبض روح یک نفر چند فرشته حاضر می شوند . اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا

۷- فرشتگان در انجام ماءموریت ، سهل انگاری ندارند و معصومند . لایفزطون چنانکه در آیه دیگر آمده است : لا یعصون الله ما امرهم (۱۳۴)

آیه ۶۲

آیه ۶۲

۶۲- ثُمَّ رُدُّوْا۟ اِلَی اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْحَقِّۙ اِنَّ لَهٗ الْحُكْمَ وَّ هُوَۤ اَسْرَعُ الْحٰسِبِیْنَ

سپس مردم به سوی خداوند ، مولای حَقشان بازگردانده می شوند ، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آن خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است .

نکته ها

○ در روایات آمده است که خداوند ، حساب بندگان را به اندازه ی دوشیدن شیر یک گوسفند و در زمانی بسیار کوتاه ، انجام می دهد . (۱۳۵)

○ از امام علی علیه السلام سؤال شد : کیف یحاسب الله الخلق علی کثرتهم ؟ فقال : كما یرزقهم علی کثرتهم . فقیل : کیف یحاسبهم و لایرونه ؟ فقال : كما یرزقهم و لایرونه (۱۳۶) چگونه خداوند با وجود مخلوقین زیاد به حساب آنان رسیدگی می کند ؟ حضرت فرمودند : همان گونه که آنان را روزی می دهد . سؤال شد : چگونه حسابرسی می کند در حالی که او را نمی بینند ؟ فرمودند : همان گونه که روزی شان می دهد ، ولی او را نمی بینند .

○ سؤال : با این همه آیات و روایات بر حسابرسی سریع الهی ، پس طولانی بودن روز قیامت برای چیست ؟

پاسخ : بلندی روز قیامت ، نوعی عقوبت است ، نه به خاطر فشار کار و ناتوانی از محاسبه ی سریع . (۱۳۷) (بشر که مخلوق الهی است ، در دنیای امروز به وسیله ی کامپیوتر ، در کمتر از یک دقیقه بزرگ ترین محاسبات را انجام داده و مثلا انبارها و کالاهای آن و امور مالی مربوط به آن را بررسی و محاسبه می نماید) .

پیام ها

۱- بازگشت همه به سوی خداست و او یگانه قاضی قیامت است . ردّوا الی الله . . . له الحكم

۲- مولای حقیقی کسی است که آفریدن ، نظارت کردن ، خواب و بیداری ، مرگ و بعثت ، داوری و حسابرسی به دست او

باشد ، الى الله مولا هم الحق

۳- همه ی مولاها یا باطلند ، یا مجازی ، مولای حقیقی تنها خداوند است . الله مولا هم الحق و ولایت انبیا و اولیا ، پرتوی از ولایت الهی است .

۴- سرعت حسابرسی خداوند ، از هر نوع و هر وسیله ی حسابرسی سریعتر است . و هو اسرع الحاسبین

۵- سرعت حسابرسی و رسیدگی به امور ، یک ارزش و روش الهی است . و هو اسرع الحاسبین

آیه ۶۳

۶۳- قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلْمَتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ آءُنَجْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

بگو : چه کسی شمارا از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد ؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گوئید :) اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد ، از شکر گزاران خواهیم بود .

آیه ۶۴

آیه ۶۴

۶۴- قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ آءُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

بگو : خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد ، باز شما (به جای سپاس) ، شرک می ورزید .

نکته ها

○ کلمه ی تَضَرُّع به معنای دعای آشکار و کلمه ی خُفْيَة به معنای دعای پنهان است .

○ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : بهترین دعا ، دعای با صدای آهسته و خُفْيَة است و از جمعی که با صدای بلند دعا می خواندند ، انتقاد کرد و فرمود : خداوند شنوا و نزدیک است . (۱۳۸)

○ در آیه ۱۲ سوره ی یونس نیز آمده است : انسان هنگام خطر ، به یاد خدا می افتد و او را می خواند ، اما فلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُرَّتَهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرَّتٍ مَسَّه هَمِينَ که مشککش حل شد ، سرش را پایین انداخته و می رود ، گویا ما را اصلاً صدا نزده است .

○ شدايد برای انسان ، چهار حالت به وجود می آورد : احساس نیاز ، تَضَرُّع ، اخلاص و التزام به شکرگزاری . آری ، شدايد و سختی ها و قطع شدن اسباب مادی ، روح خداجویی را شکوفا می کند و انسان در مشکلات ، دست خدا را می بیند .

پیام ها

۱- یکی از شیوه های تبلیغ و موعظه ، سؤال از وجدان مردم است . مَنْ يُنَجِّكُم

۲- یادآوری و توجه دادن انسان به خلوص او در دعا به هنگام شدايد ، از بهترین روشهای خداشناسی است . تدعونه تضرعا و خفیه

۳- انسان در سختی ها و شدايد ، دست از کفر و شرک برداشته و موحد می شود . تدعونه تضرعا و خفیه

۴- برای هر کس ، مشکل خودش ، بزرگ ترین مشکل است . اءنجانا من هذه

۵- انسان به تعهدات خود در برابر

خدا بی وفاست . ثم ائتم تشرکون

۶- بدترین نوع ناسپاسی ، شرک است . لکنونن من الشاکرین . . . ثم ائتم تشرکون

۷- راحتی و احساس رهایی و بی نیازی ، زمینه ی غفلت از خدا و شرک به اوست . قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم ائتم تشرکون

آیه ۶۵

۶۵- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْضِكُمْ اَوْ يَلْبِسَ كُفْرًا مِّنْ لَّدُنْكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ اَنْظُرْ کَيْفَ نَصَّرَفُ الْاٰیَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ

بگو : او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را به صورت گروه های گوناگون با هم درگیر کند ، و طعم تلخ جنگ و خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند . بنگر که چگونه آیات را گونه گون بازگو می کنیم ، باشد که بفهمند .

آیه ۶۶

آیه ۶۶

۶۶- وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُکَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَیْکُمْ بِوَكِیْلِ

و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند ، با آنکه سخن حقی است ، بگو : من وکیل و عهده دار ایمان آوردن شما نیستم .

نکته ها

○ لیس به معنای آمیختن ، و شیع جمع شیعه ، به معنای گروه است .

○ در آیه ی قبل ، قدرت نجات بخش الهی مطرح شد ، اینجا قدرت قهر و عذاب او .

○ امام باقر علیه السلام فرمودند : مراد از عذاب آسمانی ، دود و صیحه و مراد از عذاب زمینی ، فرورفتن در آن و مراد از یلبسکم شیعا ، تفرقه در دین و بدگویی و کشتن یکدیگر است . (۱۳۹) شاید آن حضرت در مقام بیان بعضی از نمونه ها بوده اند نه تمام مصادیق ، زیرا مثلا- عذاب فوق شامل فشار طاغوت ها که حاکم بر مردمند و عذاب تحت شامل قهری بدنبال نافرمانی مردم از رهبر حق که از مردم و در مردم و هم سطح آنان است نیز می شود .

○ تعبیر گوناگونی در قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، این مضمون را بیان می کند که پیامبر مسئول ابلاغ دین خداست ، نه اجبار مردم به ایمان آوردن . از جمله : ما جعلناک علیهم حفیظا (۱۴۰) ، لست علیهم بمصیطر (۱۴۱) ، ما ائنت علیهم بجبار (۱۴۲) ، ما علی الرسول الاّ البلاغ (۱۴۳) ، اءفانت تکره الناس (۱۴۴) ، لا ااکراه فی الدین (۱۴۵) ، ان ائنت الاّ

نذیر (۱۴۶) و قل لستُ علیکم بوکیل .

پیام ها

- ۱- یکی از وظایف پیامبر ، یادآوری قدرت بی مانند خداوند است . قل هو القادر
- ۲- شرک ، زمینه ساز دریافت انواع عذاب هاست . ثم انتم تشرکون قل هو القادر . . .
- ۳- خداوند ، هم نجات بخش است ، هم عذابگر ، آنکه آگاهانه سراغ غیر

خدا می رود ، باید منتظر عذاب باشد . قل هو القادر علی اءن یبعث . . .

۴- تفرقه و تشّت ، از عذاب های الهی و در کنار عذاب آسمانی و زمینی مطرح شده است . یلبسکم شیعاً

۵- گاهی مردم ، به وسیله ی مردم و با دست یکدیگر عذاب و تنبیه می شوند . یذیق بعضکم باءس بعض

۶- مبلّغان دینی باید از روشهای گوناگون برای ارشاد مردم بهره گیرند . أنظر کیف نصرّف الا یات

۷- اگر مفهومی را در قالب های متنوّع ارائه دادیم ، به تاءثیرات بیشتری امیدوار باشیم نصرّف الا یات لعلّهم یفقهون

۸- چون راه شما حقّ است ، از تکذیب مردم نگران نباشید . و هو الحقّ

۹- تو مسئول وظیفه هستی ، ضامن نتیجه نیستی . لست علیکم بوکیل

آیه ۶۷

آیه ۶۷

۶۷- لِكُلِّ نَبِیٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می دهد) وقتی مقرّر است (که در آن واقع می شود) و به زودی خواهید دانست

نکته ها

○ در آیه ی قبل گفته شد : خداوند قدرت دارد از هر سو بر شما عذاب نازل کند ، این آیه می فرماید : اگر عذابی بر کفّار لاجوج نازل نشد ، عجله نکنید ، زیرا برای تحقّق هر خبری زمانی معین است .

پیام ها

۱- تحقّق همه ی خبرها و برنامه های الهی ، قطعی و بر اساس حکمت و زمان بندی معین است . (هیچ حادثه ای بدون برنامه و هدف و تصادفی نیست) لِكُلِّ نَبِیٍّ مُّسْتَقَرٌّ

۲- گرچه مجبور به ایمان آوردن نیستید ، ولی فکر عاقبت و فرجام کار خودتان باشید . و سوف تعلمون

۳- زود قضاوت نکنید و مهلت دادن های الهی را نشانه ی غفلت خدا از خودتان پندارید . سوف تعلمون

آیه ۶۸

آیه ۶۸

۶۸- وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما (به قصد تخطئه ،) کندوکاو می کنند ، از آنان روی بگردان تا (مسیر سخن را عوض کرده) وارد مطلب دیگری شوند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت ، پس از توجه ، (دیگر) با این قوم ستمگر منشین .

نکته ها

○ خوض به معنای کندوکاو و گفتگو به قصد تمسخر و تحقیر است ، نه برای فهم و درک حقیقت . (۱۴۷)

○ بعد الذکری ممکن است به معنای تذکر دادن دیگری ، یا به معنای متذکر شدن خود انسان باشد .

○ سؤال : پیامبران الهی معصوم هستند ، پس چگونه در آیه سخن از نفوذ شیطان در پیامبر مطرح شده است ؟ ینسینک الشیطان

پاسخ : تاءثیر شیطان در به فراموشی کشاندن ، مساءله ای فرضی است ، مثل آیه ی لئن أشركت لیحبطن عملک (۱۴۸) یا آیه ولو تقول علينا بعض الأقاویل (۱۴۹) یعنی اگر مشرک شوی ، یا اگر به ما نسبتی ناروا بدهی ، نه اینکه چنین شده است .

و ممکن است مراد اصلی آیه ، پیروان پیامبرند ، نه خود ایشان ، همان گونه که در فارسی ضرب المثلی است که به در می گوئیم که دیوار بشنود .

○ مشابه این مطلب ، در سوره ی نساء آیه ۱۴۰ نیز آمده است : اذا سمعتم آیات الله یكفر بها و یتهزاء بها فلا تقعدوا معهم حَتَّى یخوضوا فی حدیث غیره . . . اگر شنیدید که به آیات

الهی کفر می ورزند یا مسخره می کنند با آنان منشینید تا سخن را عوض کنند .

○ در روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از همنشینی با اهل گناه ، یا شرکت در جلسه ای که گناه می شود و انسان قدرت جلوگیری از آن را ندارد نهی شده است ، حتی اگر آنان از بستگان انسان باشند . حضرت علی علیه السلام به فرزندش وصیت کرد : خداوند بر گوش واجب کرده که راضی به شنیدن گناه و غیبت نشود . (۱۵۰)

○ رسول خدا صلی الله علیه و آله با استناد به این آیه فرمودند : کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد ، در مجلسی که در آن امامی سب می شود و یا از مسلمانی عیب جوئی می گردد نمی نشیند . (۱۵۱)

○ حضرت علی علیه السلام مجالسه الاشرار تورث سوء الظنّ بالاخیار همنشینی با بدان ، سبب سوء ظنّ به نیکان می شود . (۱۵۲)

پیام ها

۱- غیرت و تعصب دینی خود نسبت به مقدّسات را به دشمنان نشان دهید . اذا رأیت الذّین یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم

۲- اعراض از بدی ها و مبارزه ی منفی با زشتکاران ، یکی از شیوه های نهی از منکر است . فاءعرض عنهم

۳- توجّه و گوش دادن به سخنان باطل (و دیدن و خواندن کتب و برنامه های گمراه کننده) نکوهیده است . (۱۵۳) یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم البتّه در مواردی که برای آگاهی و ردّ و پاسخ دادن توسط اهل فن باشد ، منعی ندارد .

۴- به جای هضم شدن در جامعه

، یا گروه و مجلس ناپسند ، وضع آن را تغییر دهید . حتی یخوضوا فی حدیث غیره

۵- اعلام براءت و محکوم کردن لفظی کافی نیست ، باید به شکلی برخورد کرد . فاعرض . . . فلا تقعد

۶- مجالست با ظالمان نارواست ، پس پرهیز کنیم . فلا تقعد

۷- شرط تکلیف ، توجه و آگاهی است . اَمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ (فراموشی ، عذر پذیرفته ای است)

۸- سخن گفتن به ناحق درباره ی آیات قرآن ، (از طریق استهزا ، تفسیر به راءى ، بدعت و تحریف) ظلم است . الظالمین

آیه ۶۹

آیه ۶۹

۶۹- وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

کسانی که پروا پیشه کردند ، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد ، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند .

نکته ها

○ آیه ی تحریم همنشینی با یاوه گوینان و مسخره کنندگان که نازل شد ، عدّه ای گفتند : پس به مسجدالحرام هم نباید برویم و طواف نیز نکنیم ، چون دامنه ی استهزاشان تا آنجا هم کشیده شده است . این آیه نازل شد که حساب مسلمانان با تقوی که به مقدار توان تذکر می دهند جداست ، آنها مسجدالحرام را ترک نکنند . (۱۵۴)

○ شرکت در جلسه ی اهل گناه به قصد نهی از منکر و ارشاد ، مانعی ندارد ، البتّه برای آنان که با تقوا و نفوذ ناپذیرند ، و گرنه بسیاری برای نجات غریق می روند و خود غرق می شوند .

شد غلامی که آب جو آرد

آب جو آمد غلام ببرد

پیام ها

۱- رعایت اهمّ و مهمّ در مسائل ، از اصول عقلی و اسلامی است . شنیدن موقّتی یاوه ها به قصد پاسخگویی یا نجات منحرفان ، جایز است . و ما علی الذّین یتّقون من حسابهم من شیء

۲- تقوا وسیله ی حفاظت و بیمه ی انسان در مقابل گناه است . (مثل لباس ضد حریق ، برای ماءموران آتش نشانی) و ما علی الذّین یتّقون

۳- از همنشینی با یاوه سرایان پرهیز کنیم و سخنانشان را استماع نکنیم ، ولی اگر به ناچار چیزی به گوش ما ، رسید مانعی ندارد . ما علی الذین یتقون . . . من شیء

۴- علاوه بر تقوای خود ، باید به فکر متقی کردن دیگران نیز باشیم .

آیه ۷۰

آیه ۷۰

۷۰- و ذالذین اتخذوا دینهم لعباولهوا و غرتهم الخیوه الدنیا و ذکر به ان تُبَسَّلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لَاشْفِيعُ وَإِنْ تَعَدِلْ كُلُّ عَدَلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا اءُولَئِكَ الَّذِینَ اءُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِیمٍ وَعَذَابٌ اءَلِیمٌ بِمَا كَانُوا یَكْفُرُونَ

و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است ، رها کن و به وسیله ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتند ، در حالی که جز خدا هیچ یاور و شفیع ندارند ، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) پردازد از او پذیرفته نمی شود ، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفرشان

خواهد بود .

نکته ها

○ مراد از رها کردن منحرفان در جمله ی ذر الذین اتَّخَذُوا دینَهُمْ . . . ، اظهار تنفّر و قطع رابطه کردن با آنان است ، که گاهی هم به نبرد با آنها می انجامد ، نه اینکه تنها به معنای ترک جهاد با آنان باشد .

○ کلمه ی تُبَسَّل به معنای محروم شدن از خوبی و به هلاکت رسیدن است .

○ به بازی گرفتن دین ، هر زمانی به شکلی خود را نشان می دهد ، گاهی با اظهار عقائد خرافی ، گاهی با قابل اجرا ندانستن احکام ، گاهی با توجیه گناهان و گاهی با بدعت و تفسیر به رأی و پیروی از متشابهات و . . . است .

پیام ها

۱- غیرت دینی ، سبب طرد افراد بی دین و بایکوت کردن مخالفان مکتب در جامعه است . ذر الذین . . . چنانکه در آیات دیگری نیز می خوانیم : فاعرض عنهم (۱۵۵) ، ذرهم یاء کلوا ویتمتعوا (۱۵۶) و لا تحزن علیهم (۱۵۷)

۲- دل‌بستگی و فریفته شدن به دنیا ، زمینه ی به بازی گرفتن دین است . الذین اتَّخَذُوا دینَهُمْ لعباً . . . غرّتهم الحیاه الدنیا

۳- تذکر و موعظه ، سبب نجات از قهر و عذاب الهی است . و ذکّر به

۴- در تذکر و هشدار باید از قرآن بهره گرفت . و ذکّر به

۵- به دنیا مغرور نشویم که در قیامت جز خداوند چیزی به کمک ما نمی آید . لیس لها من دون الله ولیّ و لا شفیع

۶- عامل بدبختی های انسان ، خود او و عملکرد اوست . بما کسبت . . . بما کسبوا . . . عذاب

آیه ۷۱

۷۱- قل اندر عوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا وَتُرَدُّ عَلَیْ اَعْقَابِنَا بَعِيدٍ اِذْ هَدَيْنَا اللّٰهَ کَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّیْطٰنُ فِی الْاَرْضِ حَیْرَانَ لَهُ اءَصْحَبٌ یَّدْعُوْنَہٗ اِلَی الْهُدٰی اِتٰنَا قُلٌّ اِنَّ هُدٰی اللّٰهٖ هُوَ الْهُدٰی وَاَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

بگو: آیا غیر خداوند، چیزی را بخوانیم که سود و زیانی برای ما ندارد و پس از آنکه خداوند هدایتمان کرد، به عقب باز گشته (و کافر) شویم؟ همچون کسی که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند:) نزد ما بیا (و حق را بپذیر ولی او گوشش بدهکار نیست). بگو هدایتی که از سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما مأموریم که برای خدای جهانیان تسلیم باشیم.

آیه ۷۲

آیه ۷۲

۷۲- وَاِنَّ اَعْقَابِنَا لَمُرَجُوْنَ اَلَّذِیْنَ اٰتٰوْا الصَّلٰوةَ وَاَتَّقُوْهُ وَهُوَ الَّذِی اِلَیْہِ تُحْشَرُوْنَ

و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید.

نکته ها

○ در آیه ی ۷۲، از میان همه ی وظایف به نماز، و از میان همه ی عقائد به معاد اشاره شده است و این اهمیت آنها را می رساند.

○ در یکتاپرستی، آرامش و تمرکز است، ولی در شرک و چندتاپرستی، گیجی و تحیر. اءارباب متفرقون خیر اءم اللّٰه الواحد القہّار (۱۵۸) آیا چند ارباب گوناگون بهتر است یا یک خدای قہّار؟ خداوند هم یکی است: قل هو اللّٰه احد و ہم زود راضی می شود یا سریع الرضا، ولی غیر خدا هم زیادند و ہم هر کدام توقعات گوناگونی دارند و زود راضی نمی شوند.

پیام ها

۱- با سؤال وجدان ها را تحریک کنید. قل اءندعوا من دون اللّٰه

۲- شرک، غیر منطقی است، چون انگیزه ی پرستش، کسب سود یا دفع ضرر است و بت ها قادر به هیچ نفع و ضرر رساندن نیستند. لا ینفعنا و لا یضرنا

۳- از غریزه ی منفعت خواهی مردم، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم. لا ینفعنا و لا یضرنا

۴- شرک ، نوعی عقب گرد و ارتجاع اعتقادی است . نردّ علی اعقابنا

۵- شرک ، مایه ی سرگردانی و تحیر است . حیران

۶- در برابر انحرافات ، باید موضع گیری صریح و مکرّر داشت . قل اءندعوا . . . قل انّ هدی الله . . .

۷- تسلیم خدا شدن ، مایه ی رشد خودماست . لُنْسَلِمَ لربّ العالمین

۸- نماز ، همراه تقوی کارساز است . اقیموا الصلوه واتّقوه

۹- ایمان به معاد ورستاخیز ، عامل پیدایش تقوی در انسان است . واتّقوه و هو الذی الیه

۷۳- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و او کسی است که آسمان ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید : موجود شو ، بی درنگ موجود می شود ، سخن او حق است . (و روز قیامت) روزی که در صور دمیده می شود ، حکومت تنها از اوست ، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه .

نکته ها

○ در قرآن دو نوع دمیدن در صور آمده است : یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده ی مردم برای رستاخیز . در این آیه ، یک بار آن مطرح شده است ، امّا در آیه ۶۸ سوره ی زمر ، دمیدن در دو صور مطرح است : وَنُفِّخُ فِي الصُّورِ فَصَيِّعُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِّخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

○ اگر در آیات قبل ، سخن از تسلیم بودن در برابر خدا و اقامه ی نماز بود ، اینجا علت آن ذکر شده که آفرینش به دست اوست ، او آگاه و حکیم است و از هر چیز با خبر است .

○ امام صادق علیه السلام درباره ی عالم الغیب و الشهاده فرمودند : غیب آن است که هنوز نیامده و شهادت آنچه که بوده است می باشد . (۱۵۹)

پیام ها

۱- آفرینش ، حکیمانه و هدفدار است . بِالْحَقِّ الْبَيِّنَاتِ به این نکته در آیات متعددی اشاره شده است ، از جمله : وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا (۱۶۰)

۲- برای اراده ی خداوند ، هیچ مانعی نیست . كُنْ فَيَكُونُ

۳- غیب و شهود ، نهان و آشکار ، برای خداوند یکسان است . عالم الغیب و الشهاده

۴- مبنای حکومت الهی بر حکمت و علم است . له الملك . . . و هو الحكيم الخبير

۵- در قیامت ، جلوه و نمود قدرت الهی بر همه آشکار می شود ، چون آنجا اسباب و وسائل کارساز نیست . له الملك

به او داده بود ، و چون فهمید که حَقِّدیر نیست ، از او تَبْرَى جست و جدا شد . فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (۱۶۵)

پیام ها

۱- خویشاوندی ، مانع نهی از منکر نیست . اذ قال ابراهیم لابیہ . . .

۲- ملاک در برخورد ، حَقِّ است نه سَنِّ و سال . قال ابراهیم لابیہ

(حضرت ابراهیم به عمومی خود که سن بیشتر داشته ، آشکارا حَقِّ را بیان کرده و هشدار داده است .)

۳- در شیوه ی دعوت به حق ، باید از بستگان نزدیک شروع کرد . لابیہ و باید از مسائل اصلی سخن گفت . اءتَّخِذْ اصْنَامًا آلِهه

۴- سابقه ی شرک و بت پرستی ، به پیش از رسالت حضرت ابراهیم بازمی گردد . اءتَّخِذْ اصْنَامًا

۵- اکثریت ، سابقه و سَنِّ ، باطل را تبدیل به حَقِّ نمی کند و همه جا ارزش نیست . اءرَاكْ و قومكْ فی ضلال

۶- بت پرستی ، انحرافی است که وجدان های سالم و عقل ، از آن انتقاد می کنند . اءتَّخِذْ اصْنَامًا . . . ضلال مبین

۷- گرچه ابراهیم علیه السلام حلیم بود ، اِنَّ اءبراهیم لَأَوَّاه حلیم (۱۶۶) و پیامبر باید حتّی با فرعون هم نرم حرف بزند ، ولی لحن برخورد حضرت ابراهیم در این آیه ، به خاطر اصرار عمویش بر کفر بود . اِنِّی اَرَاكْ و قومكْ فی ضلال مبین

آیه ۷۵

آیه ۷۵

۷۵- وَكَذَلِكَ نُرِيّٰ اِبْرٰهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُوْنَ مِنَ الْمُؤَقِنِيْنَ

و اینگونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا (یقین پیدا کند و) از اهل یقین باشد .

نکته ها

O درباره ی ملکوت ، بزرگان سخنانی گفته اند که برخی را در اینجا نقل می کنیم :

کلمه ی ملکوت از ملک است و واو و تاء برای تاء کید و مبالغه به آن افزوده شده است . ملکوت آسمان ها یعنی مالکیت مطلق و حقیقی خداوند نسبت به آنها و مشاهده ملکوت یعنی مشاهده اشیا از جهت انتساب آنها با خداوند . دید ملکوتی یعنی درک توحید در هستی و باطل بودن شرک . (۱۶۷)

عوالم هستی به چهار بخش تقسیم شده است : لاهوت (عالم الوهیت که جز خدا کسی از آن آگاه نیست) ، جبروت (عالم

مَجْرَدَات) ، ملکوت (عالم اجسام) و ناسوت (عالم کون و فساد و تغییر و تحولات) . (۱۶۸)

عالم ملکوت ، عالم اسرار و نظم و شگفتی ها و جهان غیب است . (۱۶۹)

ملکوت آسمان ها ، عجایب آنها است . (۱۷۰)

ابراهیم با دیدن ملکوت آسمان ها و زمین ، بیشتر با سنت ، خلقت ، حکمت و ربوبیت الهی آشنا شد . به فرموده ی امام باقر علیه السلام خداوند به چشم ابراهیم علیه السلام ، قدرت و نوری بخشید که عمق آسمان ها و عرش و زمین را مشاهده می کرد . (۱۷۱)

○ استدلال محکم و برخوردار علمی با دیگران ، نیازمند ایمان قلبی است . حضرت ابراهیم هم پس از یقین ، لیکن من الموقنین وارد استدلال می شود که در آیات

○ حرف واو در جمله ی ولیکون من الموقنین رمز آن است که دید ملکوتی چند هدف داشته که یکی از آن اهداف ، به یقین رسیدن حضرت ابراهیم بوده است .

پیام ها

۱- آنکه حق را شناخت و به آن دعوت کرد و از چیزی نهرا سید ، خداوند دید ملکوتی به او می بخشد . (همچون حضرت ابراهیم ، به مقتضای آیه قبل) و کذلک نُری ابراهیم ملکوت . . . آری ، یک جوان هم می تواند با رشد معنوی ، به دید ملکوتی دست یابد . چون طبق تفاسیر متعدّد ، ابراهیم در آن زمان نوجوان بود .

۲- انبیا ، از هدایت ویژه ی خداوند برخوردارند . و کذلک نُری ابراهیم

۳- یقین ، عالی ترین درجه ی ایمان است . و لیکون من الموقنین

۴- به یقین رسیدن ، نیاز به امداد الهی دارد . نُری . . . الموقنین

آیه ۷۶

آیه ۷۶

۷۶- فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ

پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید ، گفت : این پروردگار من است . پس چون غروب کرد ، گفت : من زوال پذیران را دوست ندارم .

نکته ها

○ در زمان ابراهیم علیه السلام ستاره پرستی رایج بوده و ستاره را در تدبیر هستی مؤثر می پنداشتند .

○ سؤال : آیا پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم حتی برای یک لحظه می تواند ستاره یا ماه و یا خورشید را بپرستد ؟

پاسخ : مجادله و گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکان ، از باب مماشات و نشان دادن نرمش در بحث ، برای رد عقیده ی طرف است ، نه اینکه عقیده ی قلبی او باشد زیرا شرک با عصمت منافات دارد . گفتن کلمه ی یا قوم در دو آیه ی بعد نشانه ی مماشات در گفتن هذا ربّی است ، به همین دلیل وقتی غروب ماه و خورشید را می بیند ، می گوید : من از شرک شما بیزارم ، و نمی گوید از شرک خودم (آیه ۷۸) .

به علاوه در آیه ی قبل خواندیم که خداوند ، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان داد و او به یقین رسید و آغاز این

آیه با حرف فاء شروع شد ، یعنی نتیجه آن ملکوت و یقین این نوع استدلال بود .

○ موجودی که طلوع و غروب دارد ، محکوم قوانین است نه حاکم بر آنها . ابراهیم ، ابتدا موقتاً پذیرش آن را اظهار می کند تا بعد با استدلال ردّ

کند .

پیام ها

- ۱- یکی از شیوه های احتجاج ، اظهار همراهی با عقیده ی باطل و سپس ردّ کردن آن است . هذا ربّی
- ۲- بیدار کردن فطرت ها ، فعال کردن اندیشه ها و توجه به احساسات ، از بهترین شیوه های تبلیغ است . لا أُحِبُّ الْاَفْلِین
- ۳- محبوب واقعی کسی است که محدود به مکان ، زمان و موقت نباشد . لاءِ حَبِّ الْاَفْلِین
- ۴- معبود ، باید محبوب و عبادت باید عاشقانه باشد ، روح دین ، عشق است . لاءِ حَبِّ الْاَفْلِین

آیه ۷۷

آیه ۷۷

۷۷- فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید ، گفت : این پروردگار من است . پس چون غروب کرد ، گفت : اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود ، قطعاً از گروه گمراهان می بودم .

نکته ها

○ کلمه ی بازغ از بزغ ، به معنای شکافتن و جاری ساختن خون است . اما در اینجا گویا طلوع خورشید و ماه ، پرده ی تاریکی شب را می شکافتد و سرخی کم رنگی در اطراف خود پدید می آورد . (۱۷۳)

○ ابراهیم علیه السلام هم با ستاره پرستان برخورد کرد ، هم با ماه و خورشید پرستان . (۱۷۴) به گفته ی بسیاری از مفسران ، گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکین منطقه ی بابل بود .

○ انسان در هر فرضیه ای که به بن بست رسید ، باید بدون لجاجت ، مسیر را عوض کند . بر خلاف مشهور که می گویند : مرد آن است که روی حرف خود بایستد و پافشاری کند ، این آیه به ما می گوید : مرد آن است که حرفش حقّ باشد ، گرچه با تغییر موضع باشد .

پیام ها

پیام های ۱ و ۲ و ۳ آیه ی قبل ، در اینجا نیز موضوعیت دارد .

۴- در انتقاد ، باید از روش گام به گام بهره گرفت . در آیه ی قبل فرمود : من آفلین را دوست ندارم . ولی اینجا می فرماید : پرستش ماه ، انحراف و ضلالت است .

۵- در راه شناخت ، باید به فیض و هدایت الهی تکیه کرد و بدون آن ، نمی توان به سرچشمه ی زلال معارف رسید . (۱۷۵)
لئن لم یهدنی ربّی

۶- در درون انسان ، گمشده ای است که گاهی در پیدا کردن آن ، سراغ مصداق های گوناگون (و گاهی انحرافی) می رود
. هذا ربّی در دو آیه پی در پی آمده

است .

۷- انبیا هم به هدایت الهی نیازمندند . لئن لم یهدنی ربّی

۸- هدایتگری از شئون ربوبیت است . یهدنی ربّی

آیه ۷۸

آیه ۷۸

۷۸- فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

پس چون خورشید را برآمده دید گفت : اینست پروردگار من ، این بزرگتر (از ماه و ستاره) است . اما چون غروب کرد ، گفت : ای قوم من ! همانا من از آنچه برای خداوند شریک قرار می دهید بیزارم .

نکته ها

O در این آیه نیز ابراهیم علیه السلام در مقام بحث و گفتگو است ، نه در مقام بیان عقیده ی شخصی ، و همچنان که گذشت کلمه ی یا قوم و نیز مِمَّا تُشْرِكُونَ (شرک می ورزید ، نه می ورزم) دلیل آن است که خود آن حضرت ، ماه و خورشید و ستاره را نمی پرستیده است . (۱۷۶)

پیام ها

پیام های ۱ و ۲ و ۳ آیه ۷۶ ، در اینجا نیز مورد استفاده است .

۴- کوچکی و بزرگی اجسام مهم نیست ، همه آنها چون متغیّر و ناپایدارند ، پس نمی توانند خدا باشند . هذا اکبر

۵- شیوه ی تعلیم حقّ یا انتقاد از باطل ، باید گام به گام باشد . ابتدا نفی ستاره و ماه و در نهایت خورشید . فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ . . . قال .

۶- براءت از شرک ، فریاد ابراهیمی است . إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

۷- براءت از شرک است ، نه از افراد . مِمَّا تُشْرِكُونَ ، نه منکم .

۸- براءت جستن ، باید پس از بیان برهان و استدلال باشد . (اَوَّلُ افْوَلٍ وَ غُرُوبٍ رَا مَطْرَحٍ كَرْدٌ ، بَعْدُ بَرَاءَتٍ اِزْ شَرِكِ رَا) . فَلَمَّا اءَفَلَتْ قَالَ . . .

آیه ۷۹

۷۹- اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ

من از سر اخلاص روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم .

نکته ها

○ عبور از افول و ناپایداری و رسیدن به ثبات ، جلوه ای از دید ملکوتی است که خداوند به حضرت ابراهیم داده است .

○ حنیف از حنف ، به معنای خالص و بی انحراف ، و گرایش به راه حق و مستقیم است .

○ فطر که به معنای آفریدن است ، در اصل ، مفهوم شکافتن را دارد . شاید اشاره به علم روز داشته باشد که می گوید : جهان در آغاز ، توده ی واحدی بوده ، سپس از هم شکافته و کرات آسمانی یکی پس از دیگری پدید آمده است . (۱۷۷)

پیام ها

۱- همین که راه حق برای ما روشن شد ، با قاطعیت اعلام کنیم و از تنهایی نهراسیم . اِنِّیْ وَجَّهْتُ

۲- کسی که از پرستش بت هایی جزیی ، مادی ، محدود و فانی بگذرد ، به معبودی کلی ، معنوی ، بی نهایت و ابدی می رسد . لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ

۳- در جلوه ها غرق نشوید که دیر یا زود ، رنگ می بازند ، به خدا توجه کنید که جلوه آفرین است . فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ

۴- انسان می تواند به جایی برسد که عقائد باطل نسل ها و عصرها را درهم بشکند . و ما انا من المشرکین

۵- توحید ناب ، همراه با برائت از شرک است . و ما انا من المشرکین

آیه ۸۰

آیه ۸۰

۸۰- وَحَاجَّهٖ قَوْمُهُ قَالَ اِتَّخِجُوْنِیْ فِی اللّهِ وَقَدْ هَدٰیْنَ وَلَا اِخَافُ مَا تُشْرِكُوْنَ بِهٖ اِلَّا اَنْ یَّشَآءَ رَبِّیْ شَیْئًا وَسِعَ رَبِّیْ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا
اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ

و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند ، او گفت : آیا درباره ی خدا با من محاجه و ستیزه می کنید ؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم ، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواند ، (که اگر هم آسیبی به من برسد ، خواست خداست ، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فرا گرفته ، پس آیا پند نمی گیرید ؟

- ۱- اهل باطل ، تعصّب دارند . حاجه قومه (آنگونه که اگر بدهکار را آرام بگذارند طلبکار می شود ، قوم منحرف هم به جای شرم از شرک خود ، قد علم کرده احتجاج می کنند)
- ۲- تعصّب و پافشاری اهل باطل ، شگفت آور است . اءتحاجّونی فی اللّٰه
- ۳- موخّد ، حتّٰی اگر تنها باشد ، از مقابله با یک جمعیت نگرانی ندارد . اءتحاجّونی فی اللّٰه . . . و لا اخاف . . .
- ۴- حقّ جویی از انسان است ولی هدایت از خداست . هَدَانِ (حتّٰی انبیا نیاز به هدایت الهی دارند)
- ۵- آنکه مشمول هدایت الهی شود ، بیم ندارد . هَدَانِ و لا اءخاف
- ۶- نترسیدن از غیر خدا ، نشانه ی توحید است . لا اءخاف (مشرکین ، حضرت ابراهیم را به خطر و انتقام بت ها تهدید می کردند)
- ۷- از ریشه های شرک ، گمان ضرر و ترس از آسیب رسانی بت ها و طاغوت ها می

باشد. لا اءخاف ما تشرکون (ترس موهوم از بت ها ، سبب پافشاری و تعصب بر بت پرستی بود)

۸- تاثير و نقش هر پديده ای وابسته به اراده خداوند است. لا اءخاف ما تشرکون به الا ان يشاء ربّي

۹- ربوبیت ، سزاوار کسی است که احاطه ی علمی دارد. وسع ربّي کلشی ء علماً

۱۰- حقیقت ، امری فطری و وجدانی است که برای شناخت آن ، تذکر کافی است. اءفلا تتذکرون

آیه ۸۱

آیه ۸۱

۸۱- وَكَيْفَ اءَخَافُ مِآ اءَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ اءَنكُم اءَشْرَكْتُمْ بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْنكُم سُلْطٰنًا فَاٰى الْفَرِيقَيْنِ اءَحَقُّ بِالْاٰمِنِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و چگونه از چیزی که شریک خدا ساخته اید بترسم و حال آنکه شما آنچه را که خدا هیچ دلیلی درباره ی آن بر شما نازل نکرده است شریک او گرفته و نمی ترسید؟ اگر می دانید (بگویید که) کدام یک از ما دو دسته به ایمنی (در قیامت) سزاوارتر است؟

نکته ها

○ کلمه ی سلطان ، به معنای دلیل و حجت و برهان است .

○ بر خلاف آنان که ترس را انگیزه ی اعتقاد به خداوند می دانند ، این آیه ، ترس را انگیزه ی شرک می داند .

پیام ها

۱- از تهدیدات موهوم ، نهراسید . کیف اءخاف ما اءشركتم

۲- امتیت روحی ، در پرتو توحید حاصل می گردد . کیف اءخاف ما اءشركتم

۳- عقائد دینی باید بر اساس دلیل و برهان باشد . کیف ما اءشركتم باللّٰه ما لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْنكُم سُلْطٰنًا

۴- در بحث و مناظره ، نباید تعصب مردم را تحریک کرد . فاءى الفریقین و نفرمود : ما در امان و شما در خطرید .

۵- علم صحیح ، وسیله راهیابی به خداست ، اگر آن را درست به کار گیریم ، به نتایج صحیح می رسیم . ان کنتم تعلمون

آیه ۸۲

۸۲- الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ ءِوَلَّيْكَ لَهُمُ الْاٰمَنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند ، آنانند که برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند .

آیه ۸۳

آیه ۸۳

۸۳- وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَهَا اِبْرٰهِيْمَ عَلٰى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مِّنْ نَّشَآءٍ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

این (نوع استدلال) حجت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم ، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می بریم . همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها را بالا می برد) .

نکته ها

○ آیات قبل درباره ی توحید و شرک بود و این آیات به منزله ی جمع بندی آیات گذشته است ، چنانکه امام علیه السلام فرمود : مراد از ظلم در این آیه شرک است . (۱۷۸)

○ در بعضی روایات مراد از ظلم را شک و تردید گرفته اند . (۱۷۹) البته شک گاهی غیر اختیاری و مقدمه ی تحقیق است ، ولی گاهی جنبه بهانه و تشکیک دارد که این نوع دوم ، ظلم است . (۱۸۰)

○ امام باقر علیه السلام فرمود : این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد که لحظه ای در طول زندگی به سراغ شرک نرفت . (۱۸۱)

○ کلمه ی لبس به معنای پوشاندن است . بنابراین ایمان چون فطری است ، نابود شدنی نیست بلکه غبارهایی آن را می پوشاند .

پیام ها

۱- آفت ایمان ، ظلم و شرک و به سراغ رهبران غیر الهی رفتن است . آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم

۲- حفظ ایمان ، مهمتر از خود ایمان است . لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن

۳- امتیث و هدایت واقعی ، در سایه ی ایمان و عدالت است . آمنوا . . . لهم الامن و هم مهتدون (نه مؤمنانِ ظالم ، هدایت یافته اند و نه عدالت خواهان بی ایمان)

۴- تا ایمان خالص نباشد ، دلهره است . و لم یلبسوا . . . بظلم . . . لهم الامن

۵- علم و حکمت دو شرط لازم برای تدبیر و مدیریت است . إِنَّ رَبِّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (با توجه به اینکه کلمه رَبِّ در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است

۶- موحدی که با برهان و دلیل در برابر انحراف های جامعه بایستد ، دارای درجاتی است . درجات

۷- درجات الهی ، حکیمانه به افراد داده می شود . نرفع درجات . . . حکیم

آیه ۸۴

آیه ۸۴

۸۴- وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و ما به او (ابراهیم) ، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم . و از نسل او (ابراهیم) ، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم .

نکته ها

○ در این آیه و دو آیه بعد ، جمعا نام ۱۷ نفر از پیامبران آمده است و این ترتیب ، نه به حسب زمان است و نه به حسب رتبه ، شاید هم تقسیم آنها در این سه آیه بر این اساس باشد که در آیه ۸۴ نام پیامبرانی آمده است که حکومت داشتند . در آیه ی ۸۵ پیامبرانی که فقیر بودند و از زندگی دنیا بهره ای نداشتند و در آیه ی ۸۶ پیامبرانی که گرفتاری های ویژه ای داشتند . (۱۸۲)

○ در ضمیر ذرّیته دو احتمال است یکی آنکه ضمیر به حضرت ابراهیم برگردد ، چون آیات پیش درباره ی اوست و اکثر این افراد از نسل اویند ، روایت نیز همین را می فرماید . دیگر آنکه به نوح علیه السلام برگردد ، چون ضمیر به نام او نزدیکتر است و از نسل او پیامبرانی همچون لوط بوده اند .

پیام ها

۱- فرزند صالح ، هدیه و موهبت الهی است . وهبنا نجزی

۲- پیامبرزادگی به تنهایی سبب افتخار نیست ، ذرّیه ابراهیم ، خودشان کمالاتی داشتند و از هدایت الهی برخوردار بودند . کلا هدینا

۳- سنّت هدایت و بعثت ، همواره جریان داشته است . ونوحا هدینا من قبل

۴- الطاف الهی بی حساب و جهت به کسی داده نمی شود . کذلک نجزی المحسنین

۸۵- وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ

و زکریا ، یحیی ، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم و) همه از شایستگانند .

آیه ۸۶

۸۶- وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری دادیم .

آیه ۸۷

آیه ۸۷

۸۷- وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و از پدران و ذریه و برادرانشان ، کسانی را (مورد لطف قرارداد و به خاطر لیاقتشان آنان را به نبوت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم .

نکته ها

○ برخی گمان کرده اند که ذریه تنها به نوه های پسری گفته می شود ، در حالی که حضرت عیسی که پدر نداشت و تنها از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منسوب بود ، در این آیه از ذریه حضرت ابراهیم به شمار آمده است . و من ذرّیّته . . . عیسی امام صادق و امام کاظم ۸ به استناد همین آیه ، اهل بیت علیهم السلام را که از طرف مادر به پیامبر می رسند ، ذریه رسول الله و ابناء رسول الله دانسته اند . (۱۸۳) فخر رازی نیز در تفسیر خود ، این نکته را پذیرفته است . در تفسیر المنار هم حدیثی از صحیح بخاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله کلمه ی ذریه را درباره امام حسن علیه السلام به کار برده است .

○ در اینکه یسع نام مستقلی است ، یا اینکه مضارع وسع است (مثل یحیی) و یا اینکه همان یوشع است که با تغییراتی از عبری به عربی وارد شده ، اقوالی است .

○ برخی خواسته اند از کلمه ی من در من آباءهم استفاده کنند که در میان پدران انبیا افراد منحرف هم بوده اند ولی لحن آیات ، در مقام برگزیدگی پدران برای نبوت است . نه در مقام کفر و ایمان آنان . (۱۸۴)

آیه ۸۸

آیه ۸۸

۸۸- ذَلِكُمْ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آن هدایت خداست ، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند و اگر شرک ورزند ، قطعاً آنچه انجام داده اند از

دستشان خواهد رفت .

پیام ها

۱- هدایت واقعی ، هدایت خداوند است . هدایت های دیگر ، سراب است . ذلک هدی الله

۲- هدایت ، کار خداست . حتی پیامبران ، از خود راه هدایتی ندارند . یهدی به من یشاء

۳- شرک ، عامل محو و باطل شدن کارهاست . لو اشرکوا لحبط

۴- در سنت الهی ، تبعیض نیست . حتی اگر پیامبران شرک ورزند ، تنبیه می شوند ، چون اصالت با حق است ، نه اشخاص . (با توجه به اینکه آیات قبل مربوط به انبیا است) . ولو اشرکوا

۵- انبیا معصومند و غبار شرک هرگز بر دامانشان نمی نشیند . در آیه ، فرض شرک به عنوان فرض محال آمده است . لو

۶- در جهان بینی الهی ، ارزش کارها در اخلاص آنهاست . اگر اخلاص نباشد ، چیزی باقی نمی ماند . ولو اشرکوا لحبط

آیه ۸۹

آیه ۸۹

۸۹- اءُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوْا بِهَا بِكْفَرِهِمْ

آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوت به آنان دادیم . پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش ، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می گماریم .

نکته ها

○ کلمه ی حکم ، هم به معنای حکومت و زمامداری است ، هم به معنای قضاوت و داوری و هم به معنای درک و عقل . در مفردات راغب ، معنای اصلی آن منع و جلوگیری ذکر شده و چون عقل و قضاوت و حکومت صحیح مانع اشتباه و خلافند ، به آنها حکم اطلاق شده است .

○ در تفسیر المنار و روح المعانی از مفسران نقل شده که مراد از (قومی که کفر نمی ورزند و حق را پذیرفته و حمایت می کنند) ایرانیانند . (۱۸۵)

○ امام صادق علیه السلام فرمود : اصحاب صاحب این امر ، محفوظ هستند ، اگر همه ی مردم از او دور شوند ، خداوند اصحاب او را می آورد . آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره ی آنان فرمود : فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا . . .

(۱۸۶)

۱- پیامبران ، حقّ حکومت و قضاوت دارند . آتیناهم الكتاب و الحكم و النبوه

۲- نیکوکاری ، صلاح پیشگی و راه یافتن به راه مستقیم ، از اوصاف انبیاست . نجزی المحسنین کلُّ من الصالحین
هدیناهم الی صراط مستقیم آتیناهم الكتاب

۳- هر مکتب طرفداران و مخالفانی دارد و میان آنان نیز ریزش است و هم رویش . گاهی طرفدار ، مخالف و یا مخالف ، طرفدار می شود . مسلمان ، مرتدّ و کافر ، مسلمان می شود . فإِنْ یَکْفِرْ بِهَا هُوَ لَأَنْفَقَ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا

۴- با کفر گروهی ، مکتب حقّ بی طرفدار نمی ماند . وقتی راه ، حقّ و الهی باشد ، آمد و

رفت افراد نباید در انسان اثر کند . فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَاءَ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا

آیه ۹۰

آیه ۹۰

۹۰- اءْوَلِكُكَ الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ قُلْ لَا اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اءَجْرًا اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ

آنان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده ، پس به هدایت آنان اقتدا کن . (ای پیامبر ! به مردم) بگو : من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی کنم ، این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست . (و خواست من جز پند گرفتن اهل عالم نیست) .

نکته ها

○ حرف ه در اقتده ، ضمیر نیست ، بلکه هاء سکت است و برای وقف به کار می رود .

پیام ها

- ۱- پیروی از هدایت پیامبران ، اقتدا به هدایت الهی است . هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۲- نام و یاد و راه اولیای خدا باید زنده بماند و نوآوری ها نباید ارزش های پیشین را از یاد ببرد . فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۳- ارزش انسان به خط فکری و سیره ی عملی اوست . (فرمود : فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ ، و نفرموده : بهم اَقْتَدِهٖ) .
- ۴- نسخ ادیان گذشته ، به معنای بطلان اصول و کلیات آنها نیست ، خط کلی انبیا باید تداوم یابد . فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۵- موفق ترین انسان باید از کمالات و اخلاق نیک و روش استوار پیشینیان بهره مند شود . فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۶- اهداف تمام انبیا ، یکی است . (زیرا اقتدا به انبیایی که اهداف متضادی دارند ممکن نیست) . فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۷- دلیل و نتیجه ی پیروی ، باید هدایت یافتگی باشد . هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ
- ۸- مبلغ نباید به دنیاطلبی ، گرایش داشته و به آن متهم شود . قُلْ لَا اءَسْئَلُكُمْ
- ۹- یکی از تفاوت های پیامبران با دیگر مدعیان آن است که هدف پیامبران ، مادیات نیست . لَا اءَسْئَلُكُمْ
- ۱۰- انبیا ، مایه ی یادآوری انسان های فراموشکار و غافلند . ذِكْرٌ

۱۱- اسلام ، دین جهانی است . ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ

۹۱-وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ نَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

خداوند را آنگونه که شایسته ی اوست نشناختند ، چرا که گفتند : خداوند بر هیچ بشری ، چیزی نازل

نکرده است . بگو : کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود ، چه کسی نازل کرد ؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازی ، و آنچه را شما و پدرانان نمی دانستید ، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات ،) به شما آموخته شد . (ای پیامبر !) بگو : خدا (بود که آنها را نازل کرد) ، سپس رهایشان کن تا در یاوه گویی های خود غوطه ور باشند .

نکته ها

○ گروهی از یهود با اینکه به نزول وحی بر حضرت موسی عقیده داشتند ، اما از سر لجاجت می گفتند : خداوند بر هیچ پیامبری کتابی نازل نکرده است .

این آیه می فرماید : حرف شما با عقیده شما تناقض دارد . اگر خداوند بر هیچکس وحی نمی فرستد ، پس تورات را که به آن عقیده دارید چه کسی نازل کرده است ؟

پیام ها

۱- فرستادن پیامبران و کتب آسمانی ، لطفی از سوی خدا به بندگان است . کسانی که آنان را انکار می کنند ، در واقع منکر لطف ، رحمت و حکمت الهی اند . ما قدروا الله ...

۲- به شبهاتی که القا می شود باید پاسخ داد . قالوا ... قل

۳- تورات اصلی ، نور و هدایت بوده است . نورا و هدی

۴- در تورات مطالبی بوده که علمای یهود آنها را کتمان کرده اند . تخفون کثیرا

۵- مبلغان دینی باید بدون مصلحت اندیشی بی مورد ، معارف و حقایق مکتب را برای مردم بیان نمایند . ما قدروا الله ... تخفون کثیرا

۶- بدون وحی ، دست انسان از معارف بسیاری کوتاه است . عَلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا ...

۷- وظیفه ی انبیا ، ابلاغ است ، نه اجبار . قل الله ثم ذرهم

۸- احتجاج باید به قدر ضرورت باشد نه بیشتر . این آیه که خود نوعی احتجاج است می فرماید : اکنون که نمی پذیرند آنان را رها کن . ذرهم

آیه ۹۲

آیه ۹۲

۹۲- وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

این مبارک کتابی است که نازل کرده ایم ، تصدیق کننده آنچه (از کتب آسمانی) که پیش از آن آمده است ، (تا مردم را به پاداش های الهی مژده دهی) و اهل مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و(البته) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد وهمانان بر

نکته ها

○ در این آیه ، لتذکر همراه با او آمده است ، وَ لَتُنذِرَ شاید اشاره به این باشد که قرآن ، غیر از انذار ، هدف های دیگری نیز دارد .

○ با آنکه انبیا مبشّران هدایت و نجاتند ، ولی چون دفع ضرر مقدّم بر جلب منفعت است و نیاز روحی انسان به انذار بیشتر است ، در قرآن کلمه نذیر و مشتقات آن ، بیش از بشیر و مشتقات آن به کار رفته است .

پیام ها

۱- قرآن ، در بردارنده ی همه برکات است . (همچون : هدایت ، عبرت ، شفا ، رشد ، عزّت) مبارک

۲- قرآن ، هماهنگ با کتب آسمانی دیگر و تصدیق کننده آنهاست و این نشانه ی وحدت هدف و الهی بودن آنهاست .
مصدق

۳- در تبلیغ باید از اُمّالقری و مراکز مهم شروع کرد و سپس به اطراف پرداخت . لتذکر اُمّالقری و من حولها

۴- عقیده به قرآن و قیامت ، در کنار هم است . یؤمنون بالاخره یؤمنون به

۵- روشن ترین مظهر ایمان ، نماز است . علی صلاتهم یحافظون

۶- ایمان به آخرت ، از عوامل مراقبت بر نماز است . یؤمنون بالاخره ... علی صلاتهم یحافظون

آیه ۹۳

آیه ۹۳

۹۳- مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَمْفُسَهُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

و کیست ظالم تر از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت : به من وحی شده ، در حالی که چیزی به او وحی نشده است . و نیز آن کس که گفت : به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم . و (ای پیامبر !) اگر بینی زمانی را که ستمگران در سکرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (برای قبض روح آنان) دست های (قدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می دهند (و می گویند :) امروز به خاطر نسبت های ناروا که به خداوند می دادید و از آیات او سرپیچی می کردید

، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد .

نکته ها

- در شائن نزول این آیه چنین آمده است : شخصی به نام عبدبن سعد از نویسندگان وحی بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به خاطر خیانتی طرد کرد . او هم مردم را جمع کرده و می گفت : من نیز می توانم آیاتی مثل قرآن بیاورم .
- بعضی هم شائن نزول آیه را ادعای پیامبری مسیلمه کذاب دانسته اند که در اواخر عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و آیه را مدنی پنداشته اند که به امر پیامبر در اینجا گنجانده شده است .
- غَمَرَات از غمره ، به معنای شاداید لحظه ی مرگ است که انسان را در کام خود فرومی برد .
- برخی از مدعیان پیامبری عبارت بودند از : مسیلمه در یمن ، اءسود عنسی در یمن ، طلیحه اسدی در بنی اسد . (۱۸۷)
- امام صادق علیه السلام فرمود : مراد از عذاب هون ، مرگ در حال تشنگی است . (۱۸۸)
- امام باقر علیه السلام کسانی را که بی جهت ادعای امامت کنند ، از مصادیق این آیه دانسته اند . (۱۸۹)

پیام ها

- ۱- افترا به خداوند ظلم فرهنگی است و ادعای رهبری از سوی ناهالان ، بزرگ ترین ظلم است . و مَنْ اءظلم ممّن افتری . . .
ءو قال او حی الی
- ۲- دشمن حقّ ، یا حقّ را پایین می آورد ، یا خود را بالا می برد . ابتدا می گوید : قرآن افسانه است ، اگر موفق نشد ، می گوید : من هم می توانم مثل قرآن حرف های جالب بزنم . ساءنزل مثل ما ءنزل الله

در جای دیگر می خوانیم: لو نشاء لقلنا مثل هذا (۱۹۰)

۳- مدعیان ناهل و دروغین مناصب دینی، بدجان می دهند. ولو تری اذالظالمون . . .

۴- کیفرهای اخروی از لحظه ی مرگ شروع می شود، به کافران می گویند: جان بده، بمیر، اءخرجوا اءنفسکم که همراه با نوعی تحقیر است.

۵- روح انسان از جسم او مجرّد و مستقلّ است. اءخرجوا اءنفسکم

۶- کیفر توهین به وحی و دین، عذاب مهین و خوارکننده است. تجزون عذاب الهون

آیه ۹۴

آیه ۹۴

۹۴- مَوْنًا فَرَدَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ اءَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَيَا حَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِيْنَ زَعَمْتُمْ اءَنَّهُمْ فِىكُمْ شُرَكَّؤَا لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه ی اموالی را که به شما دادیم پشت سر گذاشتید و آن شفیعان را که در (تعیین سرنوشت) خودتان شریکان خدا می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم. به راستی (پیوندهای) میان شما گسسته و آنچه (از شریکان و شفیعان که به نفع خود) می پنداشتید از (دست) شما رفت.

نکته ها

○ این خطاب، در لحظه ی مرگ یا هنگام قیامت، با مشرکان صورت می گیرد.

حَوَّلْنَا از حَوَّلَ، به معنای چیزی است که نیاز به سرپرست دارد و معمولاً به اموال گفته می شود. حَوَّلْنَاكم به معنای تملیک و اعطاست.

پیام ها

۱- در قیامت، انسان، تنهاست. جئتمونا فرادی

۲- معاد، جسمانی است. كما خلقناكم اءول مره

۳- مشرکان به چهار چیز تکیه داشتند: قوم و قبیله، مال و دارایی، بزرگان و اربابان و بت ها و معبودان.

این آیه، بی ثمری هر چهار تکیه گاه را در قیامت مطرح می کند:

فُرادی بدون قوم و قبیله .

تَرَكْتُمْ ما حَوَّلناكم بدون مال و ثروت و دارایی .

ما نَرَى مَعَكُمْ شُفَعاء بدون یار و یاور .

ضَلَّ عَنْكُمْ محو تمام قدرت های خیالی .

۴- گمان های بی پایه ، اساس بسیاری از گمراهی هاست . شُفَعاء کم الذین زعمتم

۵- در قیامت ، حقایق ظاهر و سراب ها ، محو می شوند . ضَلَّ عَنْكُمْ ما کنتم تزعمون

آیه ۹۵

آیه ۹۵

۹۵- إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ

همانا خداوند ، شکافنده ی دانه و هسته است ، زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده ی مرده از زنده است . آن است خداوند شما ، پس چگونه (از حق) منحرف می شوید ؟

نکته ها

○ فالق از فلق به معنای شکافتن است . حَبِّ و حَبَّة ، به دانه های خوراکی و غذایی مثل گندم و جو گفته می شود . نَوَى به معنای هسته است .

○ از علف بی جان ، حیوان جاندار و از حیوان جاندار ، شیر بی جان پدید می آید . از هسته بی جان ، درخت زنده ، و از درخت رشدیافته ، هسته ی بی جان خارج می شود .

○ یکی از مصادیق آیه به گفته روایات آن است که گاهی از انسان های بی ایمان ، افراد مؤمن پدید می آید و از انسان های با ایمان ، گاهی فرزندان کافر به وجود می آید . (۱۹۱) یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

پیام ها

۱- کاشتن دانه و هسته ، کار انسان است ، ولی شکافتن و رویاندن ، کار خداست . إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ و النوى

۲- دَقَّت در آثار طبیعی ، از بهترین راه های خداشناسی است . فالق الحَبِّ . . . مخرج المیت . . . ذلکم اللّٰه

۳- رزق و روزی انسان ، از راه همین دانه ها و بذرهاست که خداوند رویانیده است ، پس به سراغ چه کسی می رویم ؟ فَأَنْتَى

۹۶- فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

(خداوند ، شکافنده ی سپیده دم است ، و شب را مایه ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایام) . این است اندازه گیری خداوند قدرتمند دانا .

نکته ها

○ اصباح هم به معنای صبح است ، هم به معنای سپری کردن شب و وارد صبح شدن ، اما در اینجا مراد ، هنگام دمیدن سپیده ی صبح است .

○ در آیه ی قبل ، سه نشانه از قدرت خداوند در زمین مطرح شد ، در این آیه نشانه هایی از قدرت الهی در آسمان ها آمده است . شب و روز دو نشانه از قدرت الهی است که به واسطه ی گردش منظم خورشید و ماه پدید می آیند .

○ شب ، برای استراحت است و از کار و تلاش و سفر در شب ، نکوهش شده است . (۱۹۲) (از اینکه در این آیه ، شب عامل سکون و آرامش شمرده شده ، معلوم می شود صبح برای کار و تلاش است .)

○ امام رضا علیه السلام فرمود : ازدواج را در شب قرار دهید ، چون شب و همسر ، هر دو وسیله ی سکون و آرامش انسانند . (۱۹۳)

پیام ها

۱- پیدایش شب و روز ، نیاز به قدرت و دانش دارد که این کار را با تقدیر و اندازه گیری دقیق انجام دهد . فالق الاصباح ... تقدیر العزیز العلیم

۲- خورشید و ماه ، وسیله ی نظم و حسابرسی و برنامه ریزی است . (۱۹۴) حسباً

۳- برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل ، نیاز به علم و قدرت دارد . تقدیر العزیز العلیم

۴- تفکر در نظم دقیق کرات آسمانی ، راه خداشناسی است . ائی تَوْ فِکُون ... فالق الاصباح ...

۹۷- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا ، به وسیله آنها راه را یابید . قطعاً ما نشانه ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم .

نکته ها

○ علم هیئت ، از قدیمی ترین علوم بشری است و انسان از ستارگان در سفرهای صحرایی و دریایی بهره می برده است . این وسیله ابزاری مطمئن ، همیشگی ، دست نخورده ، طبیعی ، عمومی و بی هزینه است .

○ اسلام به مظاهر طبیعت ، توجه خاصی دارد . نام برخی سوره ها از اشیای طبیعی است . عبادات اسلامی نیز با طبیعت گره خورده است ، همچون : وقت شناسی ، قبله شناسی ، خسوف و کسوف و نماز آیات ، اول ماه و هلال . اینها سبب آشنایی مسلمانان با علم هیئت و ایجاد رصدخانه هایی در بغداد ، دمشق ، قاهره ، مراغه و اندلس و نگارش کتاب هایی در این زمینه به دست مسلمانان شد .

○ خداوند برای سفرهای دریایی و صحرایی که در عمر انسان ها به ندرت پیش می آید ، خداوند راهنما قرار داده است ، آیا می توان پذیرفت که برای حرکت دائمی انسان ها و گم نشدنشان در مسیر حق ، راهنما قرار نداده باشد ؟ و این بیانگر لزوم رسالت و امامت برای هدایت بشر می باشد .

○ در احادیث مراد از ستارگان هدایت کننده ، رهبران معصوم و اولیای خدا بیان شده است .

پیام ها

۱- ستارگان ، مخلوق خدا و وسیله ی راهیابی اند ، (نه آنگونه که برخی پنداشتند خالق و مدبرند) . جعل لکم النجوم لتهتدوا بها

۲- نظام ستارگانِ آسمان چنان دقیق است که می توان راه های زمینی را با آن پیدا کرد . لتهتدوا بها

۳- شناخت وزن و حجم و میزان فاصله و سرعت حرکت و مدار ستارگان و کلاً علم ستاره شناسی و نجوم ، به تنهایی انسان را به خدا نمی رساند ، باید انسان اراده کند و بخواهد که از این راه ، خدا را بشناسد . لقوم یعلمون

(آری ، تنها نگاه به آینه برای اصلاح سر و صورت کافی نیست ، بلکه اراده و تصمیم و اقدام برای اصلاح نیز لازم است ، چه بسیارند آینه فروشانی که دائماً به آینه نگاه می کنند ، ولی حتی یقه ی خود را صاف نمی کنند .)

آیه ۹۸**آیه ۹۸**

۹۸- وَهُوَ الَّذِي اَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُوْنَ

و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید ، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته شده اند . ما آیات خویش را برای گروهی که می فهمند به تفصیل بیان کردیم .

نکته ها

○ در تعبیر اءنشاء دو نکته نهفته است : ۱ ابتکار ۲ تربیت مستمر ، در آفرینش انسان هم نوآوری و ابتکار است ، هم تربیت مستمر . آری ، آفریدن تقلیدی یا آفریدن و رها کردن ، چندان ارزشی ندارد .

○ در باره ی تعبیر مستقر و مستودع ، معانی دیگری هم گفته شده است ، از جمله : شما دارای روح پایدار و جسم ناپایدارید ، شما دارای ایمان پایدار و یا ناپایدارید ، شما از نطفه ی زن که در رحم پایدار است و نطفه ی مرد که ناپایدار است پدید آمده اید ، مستقر در زمین و ودیعه ی در قبر تا روز قیامت هستید ، نعمت ها گاهی پایدار است و گاهی ناپایدار . در دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از نماز عید غدیر ، از خدا خواسته شود نعمت هایش را برای ما مستدام بدارد ، چون خود فرموده است : فمستقر و مستودع . (۱۹۶)

پیام ها

۱- اصل و ریشه ی همه ی شما یکی است ، پس این همه اختلاف و برتری طلبی و تبعیض چرا ؟ من نفس واحده

۲- این همه تنوع و نوآوری در خلقت انسان ها تنها از یک نفس ، نشانه ی عظمت خداوند است . و هوَالَّذِي انشأكم من نفس واحدة

۳- همه ی داده ها پایدار نیست . تا نعمت و امکانات هست ، بهترین استفاده و بهره را ببریم . فمستقر و مستودع

۴- انسان تا اهل فهم نباشد ، از معارف بهره نمی برد . قد فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

آیه ۹۹

آیه ۹۹

۹۹- هو الذی انزل من السماء ما فاخرجنا به نبات کل شی فاخرجنا منه خضرا منه حبا مترا زاکباً وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ اءْغْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالزُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مَثَبِهِ انظُرُوا اِلَى ثَمَرِهِ اِذَا اءْتَمَرَ وَيَنْعِهِ اِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و او کسی است که از آسمان ، آبی نازل کرد ، پس به وسیله ی آن ، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج ساختیم . از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم . و از شکوفه ی خرما خوشه هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغ هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند . به میوه ی آن ، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد بنگرید . همانا در آن ، نشانه هایی برای گروه با ایمان است .

نکته ها

○ در آیه ی قبل فرمود : همه ی انسان ها از نفسِ واحدند ، در این آیه می فرماید : همه ی گیاهان و درختان و میوه ها نیز از یک سرچشمه اند و آن آب باران است .

○ متراکب از ریشه ی رکوب ، میوه های سوار بر هم و دانه های درهم فشرده است . طلع خوشه ی سر بسته خرماست و قنوان ، رشته های باریک که بعداً خوشه های خرما را تشکیل می دهد . دانه ، خوشه های به هم نزدیک و یا نزدیک به زمین ، به خاطر سنگینی بار آن است . مراد از

متشابه ، یا درختانی است که شباهت ظاهری به هم دارند مثل زیتون و انار و یا میوه هایی است که شبیه به یکدیگرند .

○ در این آیه و دو آیه قبل سه تعبیر پی در پی آمده است : لقوم یعلمون ، لقوم یفقهون و لقوم یؤمنون که رمز آن در پیام ۴ ، بیان گردیده است .

پیام ها

۱- مایه ی رویش همه ی گیاهان و نباتات ، آب باران است . من السماء ماءً فاءخرجنا به نبات کلّ شیء

۲- هم نزول باران ، هم رویاندن گیاه و میوه ، کار خداست . انزل . . . نخرج

۳- رابطه ی انسان با میوه ها فقط رابطه ی مادی و غذایی نباشد ، بلکه رابطه ی فکری و توحیدی هم باشد . أنظروا الی ثمره . . . فی ذلکم لایات

۴- بهره گیری از ستارگان ، علم و کارشناسی لازم دارد . لقوم یعلمون ، درک اینکه کاروان بشری همه از یک نفس است و این کاروان ، به صورت پایدار و ناپایدار در جریان است درک عمیق می طلبد . لقوم یفقهون ، درک اینکه از گیاه و باران و میوه باید بهره ی معنوی برد و از انتساب همه ی هستی به خدا نباید غافل بود ، ایمان می طلبد . لقوم یؤمنون

آیه ۱۰۰

آیه ۱۰۰

۱۰۰- وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰی عَمَّا یَصِفُوْنَ

و آنان برای خدا شریکانی از جنّ قرار دادند ، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند ، پسران و دخترانی ساخته و پرداخته . خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره ی او وصف می کنند .

نکته ها

○ خلق ، ایجاد چیزی از روی حساب است و خرق ، پاره کردن چیزی بی رویه و بی حساب . خرقوا یعنی بدون دقت و مطالعه مطلبی را اظهار کردن ، یا بدون حساب ساختن و و بی دلیل ادعا کردن است . (۱۹۷)

○ به گفته ی قرآن ، مسیحیان ، حضرت عیسی را و یهودیان حضرت عزیر را پسر خدا می دانستند . (۱۹۸) جمعی هم ملائکه را فرزندان خدا می پنداشتند . زردشتیان ، اهریمن را که از جنّ بود رقیب خدا قرار داده و همه ی بدی ها را به او منسوب می کردند ، برخی عرب ها هم میان خدا و جنّ ، نسبتی فامیلی معتقد بودند . جعلوا بینة و بین الجنّه نسباً (۱۹۹) این آیه همه ی آن گمان ها را باطل شمرده و می فرماید : خداوند از همه ی این اوصاف ، منزّه و برتر است .

پیام ها

۱- جهل ، ریشه ی خرافه گرایی است . خرقوا . . . بغير علم (عقائد انسان نسبت به خداوند باید بر اساس علم باشد .)

۲- چگونه مخلوق ، شریک خالق می شود ؟ شرکاء . . . و خلقهم

۳- ازدواج و فرزند آوری ، تاءمین یک کمبود و نقص است و خداوند از این عیب ها ، منزّه است . سبحانه

آیه ۱۰۱

۱۰۱- بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اِنِّي يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تُكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(او) پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است ، چگونه برای او فرزندی باشد ، در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز داناست .

آیه ۱۰۲

آیه ۱۰۲

۱۰۲- ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقُ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

آن است خداوند ، پروردگار شما ، معبودی جز او نیست ، آفریدگار هر چیز است ، پس او را بپرستید و او نگهدارنده و مدبّر همه چیز است .

نکته ها

○ کلمه ی بدیع به معنای آفریدن ابتکاری است (نه تقلیدی) .

○ آنکه آسمان ها و زمین را بدون تقلید و نقشه ی قبلی آفرید ، چه نیازی به فرزند و همسر دارد ؟ او با یک اراده ، آنچه را بخواهد خلق می کند .

○ خالق کلّ شیء توحید در خلق است و هو علی کلّ شیء وکیل توحید در امر است . له الخلق والامر (۲۰۰) .

پیام ها

۱- آفریدگار جهان ، توانمند است و نیازی به همسر و فرزند ندارد . بدیع السموات

۲- خدایی را که قرآن معرفی می کند ، با خدایی که دیگران عقیده دارند مقایسه کنید . ذلکم الله

۳- در عقیده ی اسلامی ، آفریدگار و پروردگار یکی است . ربکم . . . خالق کلّ شیء (اما مشرکین ، خالق را الله می دانند ، ولی عقیده به چندین ربّ دارند) .

۴- خالقیت مطلقه ی خدا، دلیل توحید است. لا اله الا هو خالق کل شیء

۵- هم آفرینش به دست خداست، هم بقا و ثبات هر چیز به اراده ی اوست. خالق وکیل

۶- ربوبیت و خالقیت خدا، فلسفه ی پرستش است. ربکم... خالق کلشیء فاعبدوه

آیه ۱۰۳

آیه ۱۰۳

۱۰۳- لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

چشم ها او را در نمی یابد، ولی او چشم ها را در می یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است.

نکته ها

○ کلمه ی بَصِير هم به معنای چشم است و هم به معنای بصیرت. (۲۰۱) بنابراین آیه را می توان چنین معنا کرد: نه چشم ظاهری، خداوند را می بیند و نه دل به عمق معرفت او راهی دارد.

○ لطیف چند معنی دارد: ۱ آنکه عطای خود را کم بشمارد و طاعت مردم را بسیار،

۲- دقیق، رسیدگی پنهانی به امور و باریک بینی، ۳ خالق اشیای ظریف و ناپیدا.

۴- اهل مدارا و رفاقت، ۵ پاداش دهنده ی اهل وفا و بخشاینده ی اهل جفا.

○ امام رضا علیه السلام فرمود: لایقع الاوهام و لایدرک کیف هو، افکار و اوهام بر خداوند احاطه ندارد و ذات او آنگونه که هست قابل ادراک نیست. (۲۰۲)

○ خداوند، هرگز دیدنی نیست. همین که حضرت موسی از زبان مردم درخواست دیدن خدا را نمود، پاسخ شنید: کن ترانی (۲۰۳) هرگز مرا نخواهی دید. برخی از اهل سنت گفته اند: خدا در قیامت دیده می شود و به آیاتی همچون الی ربها ناظره (۲۰۴) استدلال می کنند. (۲۰۵) غافل از آنکه خداوند، جسم و ماده نیست و مراد از نظر به خداوند، نگاه با چشم دل است، زیرا دیدن با چشم، در جایی است که چیزی دارای جسم، مکان

، محدودیت ، رنگ و ... باشد و همه ی اینها نشانه ی نیاز و عجز است که خداوند از این نقص ها مبرا می باشد .

○ امام علی علیه السلام می فرماید : نه تنها چشم او را نمی بیند ، بلکه وهم و فکر نیز نمی تواند بر او احاطه پیدا کند . (۲۰۶)
سعدی در ترسیم این مطلب می گوید :

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم

و از آنچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر

ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

○ مراد از جمله ی یدرک الابصار ، علم او به دیده های انسان است ، مانند سمیع و بصیر که به معنای علم او به شنیدنی ها و دیدنی هاست .

پیام ها

۱- خداوند ، جسم مادی نیست . لاتدرکه الابصار

۲- هیچ کس از ذات خداوند آگاه نیست . هو اللطیف

۳- هیچ پرده و مانعی جلوی علم خدا را نمی گیرد . هو اللطیف الخبیر

۴- با اینکه زشتی های ما را می داند باز هم به ما لطف دارد . وهو اللطیف الخبیر

۵- خداوند به همه ی لطائف و رموز هستی آگاه است . هو اللطیف الخبیر

آیه ۱۰۴

آیه ۱۰۴

۱۰۴- قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَعْبَصَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا آءْنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

همانا از سوی پروردگارتان ، مایه های بینش و بصیرت ، (کتب آسمانی و دلایل روشن) برای شما آمده است . پس هر که بصیرت یافت ، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید ، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم .

نکته ها

○ از آیه ی ۹۵ تا اینجا در معرّفی خدا و انتقاد از شرک بود ، این آیه به منزله ی نتیجه و خلاصه ی آیات گذشته است .

○ مشابه این آیه در قرآن زیاد است که نتیجه ی ایمان و کفر ، خوبی و بدی ، یا بصیرت و کوردلی انسان را متوجّه خود او می داند . همچون :

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (۲۰۷)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا (۲۰۸)

إِنِ احْسَنْتُمْ لَنَا احْسَنَّا وَإِنِ اسَاءْتُمْ فَلَهَا (۲۰۹)

پیام ها

۱- با نزول قرآن ، راه عذری بر هیچ کس باقی نمانده است . قد جاء کم بصائر

۲- مردم در انتخاب راه ، آزادند . مَنْ اءبصر . . . و مَنْ عمی

۳- آگاه کردن مردم ، از شئون ربوبیت الهی است . بصائر من ربکم

۴- سود ایمان و زیان کفر مردم ، به خودشان برمی گردد نه خدا . فلنفسه . . . فعلیها

۵- کیفر گروهی از مردم ، نشانه باطل بودن تعالیم انبیا نیست ، بلکه نشانه ی کوردلی خود آنان است . و مَنْ عمی

۶- وظیفه ی پیامبر ، ابلاغ است نه اجبار . ما اءنا علیکم بحفیظ

آیه ۱۰۵

آیه ۱۰۵

۱۰۵- وَ كَذَلِكَ نُنصِّرُ الْآيَاتِ وَ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و بدین سان آیات را در شکل های گوناگون بیان می کنیم ، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند : تو (نزد کسی) درس خوانده ای ! (بگذار بگویند ، ولی ما) برای کسانی بیان می کنیم که اهل فهم و علم باشند .

نکته ها

○ کفّار برای باز کردن راه تکذیب پیامبر می گفتند : این حرف ها از خودش نیست ، از دیگری آموخته است . دَرَسَيْتَ چنانکه در موارد دیگر نیز می گفتند : اِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ (۲۱۰) انسانی به او یاد داده است ، اءعانه علیه قَوْمٌ آخَرُونَ (۲۱۱) گروهی دیگر کمکش کرده اند .

پیام‌ها

۱- تنوع در شیوه‌ی بیان و استدلال و آموزش، راه پذیرش را بازتر می‌کند. نصرّف الا یات

۲- مخالفین به اهمیت قرآن اعتراف دارند و می‌گویند: این معارف را از کسی آموخته و نمی‌گویند حرفها بی محتوی است. دَرَسَتْ .

۳- در مقابل آیات الهی، برخی با تهمت و انکار ایستادگی می‌کنند. دَرَسَتْ، ولی برخی که اهلند، ارشاد می‌شوند. لقوم یعلمون

با آن که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ، لاله روید و در شوره زار، خَس

آیه ۱۰۶

آیه ۱۰۶

۱۰۶- تَبِعَ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان.

نکته‌ها

○ در آیه‌ی قبل، تهمت مشرکان به پیامبر مطرح شد که می‌گفتند: کلام تو وحی نیست، بلکه آموخته از دیگران است. اینجا به پیامبر دل‌داری می‌دهد که تو کار خویش را بکن و به حرف مخالفان اعتنایی نداشته باش.

○ شیوه‌های برخورد با مخالفان، در موارد مختلف متفاوت است، از جمله:

گاهی سلام کردن است. اِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۲۱۲)

گاهی سکوت و عدم برخورد است. ذَرَّهُمْ (۲۱۳)، حَسْبُنَا اللَّهُ (۲۱۴)

گاهی اعراض و بی‌اعتنایی است. اِءَعْرِضْ عَنْهُمْ (۲۱۵)

گاهی درشتی و غلظت است. و اغْلُظْ عَلَيْهِمْ (۲۱۶)

گاهی مقابله به مثل است. فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (۲۱۷)

پیام ها

- ۱- رهبران الهی نباید با تهمت ها و تحقیرها و تحلیل های ناروای دشمنان ، در راه خود سست شوند . اَتَّبِعْ مَا يُوْحَى الْيَك
- ۲- گاهی بشر چنان سقوط می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به فرمان الهی از او روگردان می شود . واءعرض عن المشركين

آیه ۱۰۷

آیه ۱۰۷

۱۰۷- وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا آءَشْرَكُواْ وَمَا جَعَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا وَمَا آءَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ

- و اگر خداوند می خواست (همه به اجبار ایمان می آوردند و) شرک نمی ورزیدند (ولی سنّت الهی چنین نیست) و ما تورا بر آنان نگهبان قرار ندادیم و تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی .

نکته ها

- O مشیّت و خواستِ خداوند دو گونه است : خواست تشریحی و خواست تکوینی . خداوند از نظر تشریحی ، هدایت همه ی مردم را خواسته است و لذا پیامبران و کتب آسمانی را فرستاده است ، اما از نظر تکوینی خواسته است که مردم بر اساس اراده و اختیار خود ، راه را انتخاب کنند ، نه آنکه مجبور به پذیرش دین باشند .

پیام ها

- ۱- اراده وخواست خداوند ، تخلف ندارد . لو شاء الله ما اشركوا
- ۲- مشیّت و اراده الهی بر آزاد گذاشتن انسان هاست و وجود مشرکین ، نشانه ای از این آزادی است . ولو شاء الله ما اشركوا
- ۳- پیامبران الهی ، مربّی و معلّم مردمند نه زندانبانانی که با زور و تحمیل ، دستور دهند . ما جعلناك عليهم حفيظا
- ۴- پیامبر ، نه مسئول دفع بلا از مشرکان و نه مسئول جلب منفعت برای آنان است . ما جعلناك عليهم حفيظا و ما انت عليهم بوكيل
- ۵- انبیا ضامنِ وظیفه اند نه نتیجه . با آن همه تلاش ، گروه بسیاری مشرک ماندند . و ما انت عليهم بوكيل
- ۶- پیامبر ، برای هدایت مردم سوز و گداز داشت . و ما انت عليهم بوكيل

آیه ۱۰۸

۱۰۸- وَلَا تَسْتَبُؤْا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَبُؤْا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ آئِمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند ناسزا نگوید که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می گویند . ما این گونه عمل هر امتی را برایشان جلوه دادیم . سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است ، پس خداوند آنان را به آنچه می کردند خبر می دهد .

نکته ها

○ خداوند ، انسان را چنان آفریده که چه کارهای خوب و چه کارهای بد ، کم کم در روح او تاءثیر می گذارد و به آن عادت می کند . از این رو ، زینت دادن کارها گاهی به خدا نسبت داده شده ، زینت ، که خالق این تاءثیر است ، و گاهی به شیطان نسبت داده شده که از طریق وسوسه و وعده ، زشت ها را زیبا جلوه می دهد . زین لهم الشیطان (۲۱۸)

○ حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به سربازان خود توصیه می کرد که به پیروان معاویه دشنام و ناسزا نگویند ، بلکه سیمای آنان را مطرح کنند که بهتر از دشنام است . (۲۱۹)

○ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند : از مصادیق دشنام به خدا ، دشنام به ولی خداست . (۲۲۰)

○ حساب لعن و نفرین و برائت ، از حساب دشنام و ناسزا جداست . لعن و برائت که در آیات دیگر قرآن از سوی خداوند اعلام شده ، در واقع بیانگر اظهار موضع ما در برابر ستمگران و مشرکان

است که بیزاری خود را از راه آنان اعلام می کنیم . لعنه الله على الظالمين (۲۲۱) ، براهه من الله . . . (۲۲۲)

پیام ها

- ۱- احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنیم و از هرگونه بد دهنی و ناسزا پرهیزیم . لا تسبوا
- ۲- به بازتاب برخوردهای خود توجه کنیم . لا تسبوا . . . فیسبوا الله
- ۳- با فحش و ناسزا ، نمی توان مردم را از مسیر غلط باز داشت . لا تسبوا
- ۴- ناسزاگویی ، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است . لا تسبوا . . . فیسبوا . . . عدوا
- ۵- دشنام ، یا نشانه نداشتن منطق است ، یا نداشتن ادب و یا صبر . (مسلمان با پرهیز از ناسزا ، باید نشان دهد که صبر و منطق و ادب دارد .) لا تسبوا
- ۶- هر کاری که س...توهین به مقدّسات شود ، حرام است . فیسبوا الله
- ۷- استفاده از حربه ی دشنام و ناسزا ، در نهی از منکر و تبلیغات و مناظرات ممنوع است . لا تسبوا
- ۸- کاری که سبب کشیده شدن دیگران به گناه و حرام می شود ، حرام است . (۲۲۳) لا تسبوا . . . فیسبوا
- ۹- گاهی انسان ناخودآگاه در گناه دیگران شریک می شود ، آنجا که مقدمات گناه دیگران را فراهم کند . فیسبوا الله
- ۱۰- از سنت های الهی ، زیبا جلوه کردن اعمال امت ها در نظر آنان است . زینا لكل أمة عملهم (هر امتی اعمال خود را هرچند ناحق باشد ، زیبا می پندارد)
- ۱۱- جلوه نمایی و زیبا دیدن ، نشانه ی حقانیت نیست . زینا لكل أمة عملهم
- ۱۲- آگاه کردن مردم از کرده های خویش در قیامت

، از شئون ربوبیت الهی است . الی ربهم مرجعهم فیتهم . . .

آیه ۱۰۹

آیه ۱۰۹

۱۰۹- وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ اٰيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ اِنَّمَا الْاٰيَةُ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ اِنَّهَا اِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه ای برایشان بیاید ، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد . بگو : معجزات ، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می دانید (بلکه ما می دانیم) که اگر معجزه ای هم بیاید ، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد .

نکته ها

O گروهی از کفار قریش ، نزد پیامبر آمده ، گفتند : تو هم مانند موسی و عیسی معجزاتی بیاور تا به تو ایمان آوریم ، حضرت پرسید : چه کنم ؟ گفتند : کوه صفا را تبدیل به طلا کن ، مردگان ما را زنده کن ، خدا و فرشتگان را نشانمان بده و آنگاه سوگند یاد کردند که در این صورت ایمان خواهند آورد . آیه نازل شد که معجزه دست خداوند است و طبق حکمت انجام می گیرد ، نه هوس های مردم . (۲۲۴)

معجزه به مقدار اتمام حجت لازم است ، نه به مقدار ارضای تمایلات هر فرد . بگذریم که برخی پیشنهادها مثل دیدن خدا خلاف عقل است و چنان نیست که نظام هستی بازیچه ی هوس های مشرکان باشد .

پیام ها

۱- مشرکین مکه ، الله را قبول داشتند و به آن سوگند یاد می کردند . اءقسموا بالله

۲- فریب سوگندهای دروغین مخالفان را نخورید . واقسموا بالله جهد ايمانهم

۳- برهان خواهی آری ، تسلیم شدن در برابر هوسها هرگز . انما الايات عندالله

۴- معجزات پیامبران ، به دست خداست . انما الايات عندالله

۵- لجاجت ، درد بی درمانی است که صاحبان آن ، با دیدن هر نوع معجزه ، باز هم ایمان نمی آورند . لایؤمنون

آیه ۱۱۰

آیه ۱۱۰

۱۱۰- وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ وَاَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند ، این بار نیز دلها و چشم هایشان را دگرگون و واژگون می کنیم و آنان را در طغیانشان رها می سازیم تا سرگردان بمانند .

پیام ها

۱- وارونه شدن دل افراد لجوج ، سَنَّتْ خدائند است . وَ نُقِلِّبُ اءْفئدَتَهُمْ

۲- ایمان به خدا و رسالت نیاز به قلب سالم دارد . وَ نُقِلِّبُ اءْفئدَتَهُمْ

۳- گناه و لجاجت ، دید و بینش انسان را دگرگون می سازد . وَ نُقِلِّبُ اءْفئدَتَهُمْ

۴- کسی که با دیدن معجزات اولیه ایمان نیاورده ، نباید تقاضای معجزات دیگری کند . لَمْ یؤْمِنُوا بِهِ اَوَّلَ مَرَّةٍ

۵- گرچه خداوند مقلِّب القلوب است ، ولی این انسان است که با انتخاب ایمان یا کفر زمینه دگرگونی را فراهم می کند .
نُقِلِّبُ . . . کما لَمْ یؤْمِنُوا

۶- طغیان ، ریشه ی کفر است . لَمْ یؤْمِنُوا . . . طغیانهم

۷- کسی را که خداوند رها کند ، سرگردان می شود . نذرهم . . . یعمهون

آیه ۱۱۱

آیه ۱۱۱

۱۱۱- وَلَوْ اءَنَّآ نَزَّلْنَا اِلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰی وَحَشَرْنَا عَلَیْهِمْ كُلَّ شَیْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوْا لَیُّوْمِنُوْا اِلَّا اءَن یَشَاءَ اللّٰهُ وَلٰكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ یَجْهَلُوْنَ

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم و مردگان با آنان سخن می گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می آوردیم باز هم ایمان نمی آوردند ، مگر آنکه خداوند بخواهد (به اجبار ایمان آورند) ، ولی بیشترشان نادانی می کنند .

نکته ها

○ گویا یکی از درخواست های مشرکان ، نزول فرشتگان و سخن گفتن مردگان با آنان بوده است ، غافل از آنکه این مشرکان به قدری لجوجند که حتّی اگر امور غیبی مثل فرشتگان برای آنان محسوس شود باز هم ایمان نخواهند آورد . سعدی نیز می گوید :

چون بود اصل گوهری قابل

تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد

آهنی را که بد گهر باشد

سگ به دریای هفتگانه مشوی

چون شود تر ، پلیدتر باشد

خر عیسی گرش به مکه بری

چون بیاید هنوز خر باشد

○ قُبُل یا به معنای مقابل است ، یا جمع قبیل ، به معنای گروه و دسته .

○ در دو آیه ی قبل ، ادعای دروغ مشرکان مطرح شد که می گفتند : اگر معجزه بیاید ایمان می آوریم ، اینجا نمونه آن معجزات مطرح شده است .

○ شبیه این آیه ، در سوره ی حجر آیات ۱۴ و ۱۵ آمده است : وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرَجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَعْيُنُنَا أَوْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ اگر از آسمان دری باز شود و کفار از آن بالا روند ، باز هم

گویند : چشم ما را جادو کرده اند .

پیام ها

۱- برای دل‌های لجوج ، هیچ آیه و نشانه ای زمینه ساز ایمان نمی گردد . ما کانوا لیؤ منوا

۲- خدا اگر بخواهد ، می تواند به اجبار ، همه را مؤ من سازد ، ولی این خلاف حکمت اوست . ما کانوا لیؤ منوا الا ان یشاء الله

۳- جهالت ، عامل ایمان نیوردن به آیات الهی است . ما کانوا لیؤ منوا . . . و لکن اکثرهم یجهلون

آیه ۱۱۲

آیه ۱۱۲

۱۱۲- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

ای پیامبر ! اینان تنها در برابر تو به لجاجت پرداختند ، بلکه (ما این گونه برای هر پیامبری ، دشمنی از شیطان های انس و جن قرار دادیم . که برخی از آنان حرف های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می کنند . البته اگر پروردگارت می خواست ، چنین نمی کردند . (ولی سنت الهی بر آزادی انسان ها می باشد ،) پس آنان را و آنچه به دروغ می سازند به خود واگذار .

نکته ها

○ در دو آیه ی قبل آمده بود که : ما آنان را به حال خود رها کردیم ، نذرهم فی طغیانهم یعمهون اینجا می فرماید : تو نیز آنان را به حال خود رها کن . فذرهم

○ سقوط انسان ، از قبول وسوسه ی شیطان شروع می شود ، یوسوس فی صدور الناس (۲۲۵) آنگاه هر که وسوسه در او اثر گذاشت از یاران شیطان می شود ، اخوان الشیاطین (۲۲۶) و در نهایت خودش شیطان می گردد . شیاطین الانس

○ تضاد و درگیری ، زمینه ساز تکامل اختیاری است . به همین جهت خداوند ، جهان را عالم تراحم و تضاد اختیاری قرار داده است . و کذلک

پیام ها

۱- از عوامل استقامت و پایداری انسان ، آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است . و کذلک

۲- مبارزه حق و باطل ، در طول تاریخ وجود داشته است . و کذلک

۳- رهبر جامعه ، باید برای مخالفت ها آماده باشد . و کذلک

۴- انتظار ریشه کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم . و کذلک جعلنا

۵- از سنت های الهی روبرو شدن انبیا با مخالفان گوناگون است . و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوّا

۶- کفار لجوج ، شیطانند . شیاطین الانس ...

۷- شیاطین انس و جنّ از طریق القا به یکدیگر ، با هم ارتباط دارند . یوحی بعضهم الی بعض ...

۸- شیاطین ، روشهای شیطنت را به یکدیگر می آموزند . یوحی بعضهم الی بعض

۹- مخالفان انبیا ، تبلیغات درون گروهی دارند . یوحی بعضهم الی بعض

۱۰- کلمات زیبا و فریبنده ، می تواند از عوامل اغفال انسان باشد . یوحی ..

زخرف القول غرورا

۱۱- خداوند انسان را آزاد آفریده و دنیا را میدان درگیری ها قرار داده است . ولو شاء رَبُّكَ ما فعلوه

۱۲- اختیار و آزادی بشر ، در مسیر رشد و تربیت اوست . ولو شاء رَبُّكَ ما فعلوه

۱۳- در نظام هستی ، یک اراده حاکم است نه دو قدرت ، یزدان و اهریمن در برابر هم نیستند و تلاش های انحرافی از قدرت و سلطه ی الهی بیرون نیست . ولو شاء ربك ما فعلوه

آیه ۱۱۳

آیه ۱۱۳

۱۱۳- وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ

و(شیاطین ، سخنان فریبنده ی خود را بر مردم می خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند ، به آن سخنان مایل شود و آن را بپسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند .

نکته ها

○ تصغی از صغو ، به معنای تمایل است ، تمایلی که از راه شنیدن حاصل می شود .

○ اِقْتِرَافٌ ، به معنای تحصیل و کسب چیزی است .

پیام ها

۱- وسوسه ها و تبلیغات ، به تنهایی عامل انحراف نیست ، بلکه گوش دادن و دل سپردن و جذب شدن ، مؤثر است . لتصغی .
.. لیرضوه

۲- ایمان نداشتن به آخرت ، سبب تسخیر و نفوذ شیطان است . لایؤمنون بالآخره

آیه ۱۱۴

آیه ۱۱۴

۱۱۴- اَفَغَيْرَ اللَّهِ اِئْتَنِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي اَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا- وَالَّذِينَ اٰتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ اَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

پس (بگو :) آیا (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم ؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به تفصیل

به سوی شما نازل کرد، و کسانی که به آنان کتاب داده ایم، (یهود و نصاری) می دانند که این کتاب، از طرف پروردگارت به حق نازل گشته است، پس به هیچ وجه از تردید کنندگان مباش.

نکته ها

○ حَکَم را برخی با حاکم یکی دانسته اند، امّا برخی گفته اند: حَکَم، داوری است که طرفین دعوا، او را انتخاب کرده باشند، ولی حاکم، هرگونه داور است. (۲۲۷) در مجمع البیان آمده است: حَکَم، کسی است که به حق داوری کند، ولی حاکم، به هر قاضی گفته می شود.

○ در آیه ۱۱۱، سخن این بود که اگر مردگان هم با اینان حرف بزنند یا فرشتگان فرود آیند، ایمان نخواهند آورد. در این آیه می فرماید: اهل کتاب، وحی بودن قرآن را می دانند و تقاضای معجزات دیگر، تنها بهانه است.

○ پیامبر صلی الله علیه و آله در راه خود تردیدی ندارد، لذا خطاب لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَتِّينَ هشدار به مسلمانان است که نگران حقانیت راه خود نباشند.

پیام ها

۱- با وجود کتابی همچون قرآن، به سراغ داوری دیگران رفتن، نادرست و قابل توبیخ است. اءَفَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْتَغِي حَكَمًا (جز خداوند، کسی حق قانون گذاری و داوری ندارد)

۲- خداوند، قرآن را به تفصیل نازل کرده است. هو الَّذِي اَنْزَلَ اليكُمُ الْكِتَابَ مَفْصَلًا

۳- قوانین و احکام اسلام، ابهام ندارد. مَفْصَلًا

۴- یکی از دلایل حقایق اسلام، بشارت انبیای گذشته در تورات و انجیل است. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید: يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ ابْنَاءَهُمْ (۲۲۸) اهل کتاب، پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می شناختند.

۵- رهبر باید از قاطعیتی تردیدناپذیر در راه دعوت خود

برخوردار باشد . فلا تکونن . . .

۶- مبدا به خاطر ایمان نیاوردن اهل کتاب ، در شما تردیدی پیدا شود ، زیرا آنان حقایق قرآن را خوب می دانند و انکارشان به دلیل لجاجت است . يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترین

آیه ۱۱۵

آیه ۱۱۵

۱۱۵- وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و کلام پروردگارت ، در صداقت و عدالت به حد کمال و تمام رسید . هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست .

نکته ها

O مراد از کلمه در این آیه ، به دلیل آیه قبل ، آیات قرآن است ولی واژه ی کلمه در فرهنگ قرآن و روایات ، گاهی به معنای وعده ی حتمی آمده است ، و تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا(۲۲۹) که تحقق وعده ی الهی را نسبت به بنی اسرائیل به خاطر صبرشان بیان می کند . گاهی به معنای دین آمده است ، کلمه الله یعنی دین خدا ، و گاهی به پیامبر و اولیای الهی اطلاق شده است ، چنانکه درباره ی حضرت عیسی علیه السلام می خوانیم : کلمته القاها الی مریم (۲۳۰) در روایات نیز از قول ائمه علیهم السلام آمده است که ما کلمات الهی هستیم . نحن الکلمات (۲۳۱)

پیام ها

۱- قرآن ، آخرین کتاب آسمانی و اسلام ، آخرین دین الهی است . تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ

۲- قرآن ، معجزه ای کامل برای اثبات رسالت پیامبر اکرم است . تَمَّتْ کلمه ربك

۳- قرآن ، پاسخگوی همه ی نیازهای هدایتی جوامع بشری است . تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ

۴- اسلام ، مکمل ادیان گذشته است . تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ . . .

۵- اتمام دین با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، جلوه ای از ربوبیت خداوند است . و تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ

۶- مبنای قوانین و سنت های خداوند در نظام هستی ، صدق و عدل است . و تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا

۷- اخبار قرآن ، صادق و احکامش بر عدل استوار است . و تَمَّتْ کلمه رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا در آیه ی دیگر می خوانیم : وَ مَنْ اصدق من الله حدیثاً(۲۳۲)

در قرآن ، تحریف راه ندارد . لا مبدل لکلماته

۹- خداوند نیازها را بسیار خوب می داند و با توجه به آن ، قرآن را نازل کرده است . و هو السميع العليم

آیه ۱۱۶

آیه ۱۱۶

۱۱۶- وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی ، تو را از راه خداوند ، منحرف و گمراه می کنند . زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی کنند و آنان ، جز به حدس و گمان نمی پردازند .

نکته ها

○ خَرَصَ به معنای تخمین و حدس است . چون بعضی از تخمین ها نادرست از آب در می آید ، به معنای دروغ هم آمده است . (۲۳۳)

پیام ها

۱- راه هدایت و راه قرآن ملاک است ، نه راه مردم و اکثریت . و تمت کلمه ربك ... و ان تطع اکثر ...

۲- اکثریت ، دلیل حقایق نیست . ملاک ، حق است نه عدد ، پس در پیمودن راه حق از کمی افراد نهراسید . ان تطع اکثر ..

۳- جلب نظر اکثریت ، گاهی به قیمت نابودی و انحراف خود انسان تمام می شود . ان تطع اکثر ... یضلوك (در راه خدا حرکت کنیم هر چند خلاف رای اکثریت باشد)

۴- اکثریت ، چنان جلوه ای دارد که خدا پیامبر را هم از تبعیت آن بر حذر می دارد . و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك (انبیا باید تابع وحی باشند ، نه آرای مردم)

۵- ریشه ی ضلالت ها ، اعتماد به حدس و گمان است . یضلوك ان یتبعون الا الظن

۶- اکثریتی که به جای حق ، در پی حدس و هوس باشند ، قابل پیروی نیستند . ان تطع اکثر ... یضلوك ... یخرصون

۷- در انتخاب راه ، دلیل و برهان لازم است ، نه حدس و گمان . ان یتبعون الا الظن ... یخرصون

آیه ۱۱۷

آیه ۱۱۷

۱۱۷- إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

قطعاً پروردگار تو ، خود به کسانی که از راه او گمراه می شوند ، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه تر است .

نکته ها

○ مهتدی ، یعنی کسی که از ابتدا به هدایت الهی راه یافته است ، مانند امامان معصوم علیهم السلام اما مهتدی کسی است که پس از ضلالت ، هدایت شده باشد . (۲۳۴)

پیام ها

۱- بشر نیز علم دارد ، اما تنها خدا اعلم است . هو اعلم (ضمیر هو میان مبتدا و خبر نشانه ی انحصار است .)

۲ تربیت ، نیاز به آگاهی عمیق دارد . رَبُّكَ ... اعلم

۳ با تظاهر و نفاق ، خود و دیگران را مفریبیم ، که خدا همه را بهتر می شناسد . هو اعلم مَنْ يَضِلُّ ...

۴ از اعلم پیروی کنیم ، نه اکثریت . و إِنَّ تَطَّعَ أَكْثَرُ يَضِلُّوكَ ... إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ

آیه ۱۱۸

آیه ۱۱۸

۱۱۸- فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید .

نکته ها

○ بردن نام خداوند هنگام ذبح حیوان ، نوعی مصونیت دادن به مادیات و به صحنه آوردن ایمان است . یاد خدا در هر کاری خوب است ، اما در ذبح حیوان که گرفتن جان آن مطرح است ، ضرورت می یابد .

○ از نشانه های جامعیت مکتب اسلام این است که در یک مسئله ی جزئی مانند ذبح ، همه ی جوانب آن را مطرح کرده است : هم مکتب (نام خدا) ، هم وسیله (آهن) ، هم شیوه ی بریدن رگ ها ، هم امت (مسلمان بودن کسی که ذبح می کند) و هم جهت (قبله) و هم موارد مصرف . فكلوا مما ذكر اسم الله

پیام ها

۱- غذا و خوراک مؤمن باید جهت الهی داشته باشد. فکلوا مما ذکر اسم الله

۲- نام خداوند، مهر جواز مصرف و پروانه‌ی استفاده از گوشت حیوانات قابل مصرف است. فکلوا مما ذکر اسم الله علیه...

۳- برای تحکیم پایه‌های توحید، از هر فرصتی، حتی ذبح حیوان باید استفاده کرد. آری توحید، تنها یک مسأله‌ی ذهنی نیست. فکلوا مما ذکر اسم الله علیه

۴- تغذیه‌ی حلال و الترام به احکام، شرط ایمان است. ان کنتم بآياته مؤمنین

آیه ۱۱۹

آیه ۱۱۹

۱۱۹- وَمَا لَكُمْ اِذَا تَاءَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا- مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَّيُضِلُّوْنَ بِاَهْوَائِهِمْ بَغِيْرِ عِلْمٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ

و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی‌خورید؟ (و بی جهت حلال ما را بر خود حرام می‌کنید،) در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر آنچه (از محرمات) که به خوردن آن مضطر شدید، همانا بسیاری از مردم، دیگران را جاهلان به خاطر هوس‌های خود گمراه می‌کنند. قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه‌تر است.

نکته‌ها

O گروهی با شبهه افکنی و مقایسه میان حیوان ذبح شده و مرده، مردم را به انحراف کشیده و می‌گفتند: چرا حیوانی را که ما می‌کشیم حلال است و آنچه را خدا می‌کشد، حرام؟ که این آیه ضمن هوشیار نمودن مردم، پاسخ آنان را نیز می‌دهد.

پیام‌ها

۱- هر کس بدون دلیل حلال‌های الهی را بر خود حرام کند باید توبیخ شود. و ما لکم الا- تاء کلوا... (گویا بعضی از مسلمانان تحت تاءثیر سنت‌های جاهلی قرار می‌گرفتند و حلال‌هایی را بر خود حرام می‌کردند.)

۲- خوردن گوشت حیوان هم اگر رنگ الهی داشته باشد حلال، و گرنه حرام است. ذکر اسم الله

۳- همه‌ی محرمات الهی، در مکتب آسمانی اسلام بیان شده است. و قد فضل لکم ما حرم علیکم (۲۳۵)

۴- اصل و قانون کلی در خوردنی‌ها، حلال بودن است و هر چه حرام باشد، خداوند بیان می‌کند. فضل لکم ما حرم

۵- احکام اسلام، بن بست ندارد. الا ما اضطررتم الیه

۶- اضطرار، تکلیف را ساقط می کند. الاّ ما اضطررتم الیه

۷- تکلیف های الهی، متناسب با شرایط زمان، مکان و توان انسان است. الاّ ما اضطررتم الیه

۸- استفاده از خوردنی های حرام، در موارد اضطراری جایز است. الاّ ما اضطررتم الیه

۹- تعیین حلال و حرام، بر پایه ی دستورات الهی است. حرّم علیکم

۱۰- جهل و هواپرستی، از عوامل انحراف است. لیضلّون بآهوائهم بغیر علم

گمراه ساختن مردم ، تجاوز به حقوق جامعه است . اءعلم بالمعتدين

آیه ۱۲۰

آیه ۱۲۰

۱۲۰- وَذُرُوا ظَهْرَ الْاِثْمِ وَبَاطِنَهُ اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْسِبُوْنَ الْاِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوْا يَقْتَرِفُوْنَ

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید ، همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند ، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند ، خواهند دید .

نکته ها

○ چه در گذشته چه امروز ، مردم تنها از گناه آشکار هراس داشته و دارند .

○ بعضی گفته اند مراد از گناهان پنهان ، گناهی است که آثار آن پنهان است ، مثل غذاهای حرام که قساوت قلب می آورد .

پیام ها

۱- گناه ، جاذبه و کششی دارد که باید با اراده ی قاطع ، از آن دل کند . و ذرُوا ظاهر الاثم و باطنه

۲- اسلام ، هم به طهارت ظاهر توجه دارد ، هم باطن ، هم باید از گناهان عملی دوری کرد و هم از گناهان قلبی ، مانند سوء ظن . ظاهر الاثم و باطنه

۳- کیفر الهی ، برای گناهی است که با علم و عمد انجام می گیرد . اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْسِبُوْنَ الْاِثْمَ

۴- گرچه شیطان وسوسه می کند ، اما انسان با اراده گناه می کند . یکسبون الاثم

۵- قیامت و کیفر آخرت ، دور نیست . سیجزون

۶- کیفرهای الهی ، نتیجه ی عملکرد خود ماست . بما کانوا یقترفون

آیه ۱۲۱

آیه ۱۲۱

۱۲۱- وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِشْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَيْكُمْ وَإِنْ أَعْطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

و از آنچه نام خداوند بر آن برده نشده ، نخورید ، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است . همانا شیاطین ، به دوستان خود القا می کنند تا به جدال با شما برخیزند (که مثلاً چه فرقی است میان حیوان مرده یا ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید ، قطعاً شما هم مشرک می شوید .

نکته ها

○ چون حرام خواری ، قساوت قلب می آورد و زمینه ی گناهان دیگر است ، اسلام آن را به شدت منع کرده است .

○ در آیه ۵ سوره ی مائده خواندیم که طعام اهل کتاب برای شما حلال است . این آیه می گوید : گوشت هر حیوانی که نام خداوند بر آن برده نشود حرام است . از آنجا که اهل کتاب ، این شرط را رعایت نمی کنند ، پس گوشت حیوان آنها برای ما حرام است و مراد از طعام در آن آیه ، حبوبات و امثال آن است ، نه گوشت . (۲۳۶)

○ وسوسه ی شیاطین این گونه است که می گوید : حیوان مرده را خدا کشته و کشته ی خدا بهتر از کشته ی انسان است ! پس چرا حیوان مرده ، حرام ولی حیوان ذبح شده حلال است ؟ ! غافل از آنکه اجرای فرمان الهی مهم است و حیوان مرده ، به خاطر بیرون نیامدن خون های کثیف از بدنش ، معمولاً بیماری هایی را همراه دارد . علاوه بر

آنکه مردن ، خود دلیل بیماری و ناسالم بودن حیوان است .

پیام ها

- ۱- مسلمان ، حتّی در مسائل تغذیه باید تعهّد دینی را مراعات کند . و لاتاء کلوا ممّا لم یذکر اسم الله علیه
- ۲- بردن نام خدا به هنگام ذبح ، تشریفات نیست ، بلکه حکمی لازم الاجراست و ترک آن ، فسق است . اِنَّهُ لَفِسْقٌ
- ۳- هر کجا ناباوری بیشتر است ، تاء کید نیز لازم است . چون پذیرفتن شرایط حلال بودن ذبح ، برای مردم جاهل سنگین بود ، خداوند با چند تاء کید مسئله را مطرح کرد . اِنَّهُ لَفِسْقٌ (جمله اسمیه ، اِنَّ و حرف لام ، نشان تاء کید است)
- ۴- انسان ، در اثر مصرف حرام ، زمینه ی پذیرش القائنات شیطانی را پیدا می کند . و لاتاء کلوا . . . و اِنَّ الشیاطین لیوحون
- ۵- شیطان ها ، قدرت و سوسه و القا دارند . اِنَّ الشیاطین لیوحون
- ۶- و سوسه های شیاطین ، تنها در اولیای آنان نافذ است ، نه در اولیای خدا . لیوحون الی اءولیائهم
- ۷- پشتوانه ی جدال های انسان ، و سوسه ها و هوس هاست . لیوحون . . . لیجادلوکم
- ۸- جدال در احکام الهی ، از حربه ها و القائنات شیطانی است . و اِنَّ الشیاطین . . . لیجادلوکم
- ۹- جدال در احکام دینی ، انسان را به شرک می کشاند . لیجادلوکم . . . لمشركون
- ۱۰- خداپرستانی که در عمل ، مطیع غیر خدا می باشند ، مشرکند . انکم لمشركون

آیه ۱۲۲

آیه ۱۲۲

۱۲۲- اءَ وَمَنْ كَانَ مِیْتًا فَاَءْحِیْنُهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلْمِ لَیْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا کَذَ لِكَ زُیِّنَ لِلْکَافِرِیْنَ مَا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ

و آیا آنکه (به واسطه ی جهل و شرک) مرده بود ، پس

او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد، مثل او مثل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران، کارهایی که می کردند جلوه داده شده بود.

نکته ها

○ این آیه درباره ی ایمان آوردن حضرت حمزه، عموی پیامبر نازل شده است، که چون از اذیت و آزار ابوجهل نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و مکتب او آگاه شد، به حمایت از پیامبر سراغ ابوجهل رفت و با مشت بر سر او کوبید. آنگاه گفت: من از امروز، به محمد ایمان می آورم.

از آن پس تا زمان شهادت، یک افسر رشید و با ایمان برای اسلام بود.

○ در تعابیر قرآنی، مرگ، هم بر مرحله قبل از نطفه گفته شده است: کنتم امواتا فاءحیاءکم (۲۳۷) هم به گمراهی: اءو من کان میتا هم به منطقه ی بی گیاه و خشک: فسقناه الی بلد میت (۲۳۸) هم به مرگ موقت: فقال لهم الله موتوا ثم اءحیاءهم (۲۳۹) و هم به مرگ حقیقی: انک میت و انهم میتون (۲۴۰).

○ امام باقر علیه السلام فرمود: نوری که در میان مردم راه را از چاه نشان می دهد، امام و رهبر آسمانی است. (۲۴۱)

پیام ها

۱- حیات و مرگ واقعی انسان، ایمان و کفر اوست. میتا فاءحیینه

۲- ارشاد و هدایت، کار خداست، هر چند خود انسان زمینه ی هدایت را فراهم می کند. فاءحیینه

۳- استفاده از تمثیل، سؤال و مقایسه، در تبلیغ و تربیت مؤثر است. اءومن کان... کمن مثله...

۴- مؤمن، هرگز به بن بست نمی رسد. او در جامعه هم بینش دارد و هم حرکت

. نورا یشی به فی الناس

۵- وقتی نور نباشد ، ظلمت ها انسان را فرامی گیرد . فی الظلمات لیس بخارج منها

۶- حق ، یکی وباطل بسیار است . (کلمه ی نور مفرد آمده ، ولی کلمه ی ظلمات جمع آمده است)

۷- جز نور ایمان وهدایت الهی ، برای بشر نجات بخشی نیست . لیس بخارج منها

۸- زیبا پنداشتن اعمال ، مانع رشد و خروج انسان از تاریکی است . لیس بخارج منها کذلک زین للکافرین

۹- کارهای انسان بی ایمان ، در دید و تفکر او مؤثر است . کذلک زین للکافرین ما کانوا یعملون

۱۰- کارهای پر جاذبه ، کفار (مثل ابتکارات و اختراعات و تکنولوژی و تمدن) ، چنان برای آنان جلوه کرده که نمی گذارد انحرافات و سقوط انسانیت خود را درک کنند . زین للکافرین ما کانوا یعملون

آیه ۱۲۳

آیه ۱۲۳

۱۲۳- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ آئَةً كَبِيرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِآئِنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

و ما این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می گماریم تا در آن قریه ها و مناطق ، حيله (و فسق و فساد) کنند ، اما جز به خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند (که نتیجه ی حيله ، به خودشان باز می گردد) .

نکته ها

O در شائن نزول آیه ی قبل ، به جنگ و ستیز ابوجهل با پیامبر اسلام اشاره شد ، این آیه می فرماید : وجود ابوجهل ها ، چیز تازه ای نیست و همیشه و همه جا در مقابل دعوت های حق ، چنین مهره های فاسدی بوده است . و کذلک

پیام ها

۱- سنت الهی ، پاسخ دادن به مکر و حيله های دشمنان است . و کذلک

۲- تلاش های خوبان و بدان ، همه در مدار قدرت الهی است . جعلنا ... مجرمیها

(هم در این آیه که مربوط به مجرمان است و هم در آیه قبل که درباره مؤمنین بود کلمه ی جعلنا بکار رفته است)

۳- رهبران فاسد و مفسد ، ریشه ی فساد جامعه اند . اکابر مجرمیها لیمکروا فیها

۴- مکر و تزویر ، حربه ی رهبران مفسد است . لیمکروا

۵- از دست دادن صفا و صداقت و گرفتار شدن به قهر الهی ، بزرگ ترین ضربه ای است که حيله گران به خود می زنند . ما یمکرون الا بآءنفسهم

۶- بدتر از بیماری ، جهل به بیماری است و بدتر از حيله ، ندانستن اینکه آثار سوء آن به حيله گر برمی گردد . ما یشعرون

آیه ۱۲۴

آیه ۱۲۴

۱۲۴- وَإِذَا حِیَآءُ تُهْمَ ءَآیَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِیَ رُسُلُ اللّٰهِ ءَءَعْلَمُ حَیْثُ یَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سِیِّئَاتِیَ الَّذِیْنَ ءَءَجْرُمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعَذَابٌ شَدِیْدٌ بِمَا كَانُوا یَمْكُرُونَ

ون آیه و نشانه ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد، داده شود، (بگو:) خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد. به زودی به آنها که گناه کردند، به سزای آن مکر و نیرنگ ها که می کردند، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید.

نکته ها

○ در شآن نزول آیه گفته اند که ولیدبن مغیره ، مغز متفکر کفار ، می گفت : چون سن و ثروت من بیش از محمد صلی الله علیه و آله است ، پس باید به من هم وحی شود . البته چنین حرفی از ابوجهل هم نقل شده است .

○ درباره ی جمعی از سران کفر که در جنگ بدر کشته شدند ، وعده ی الهی عملی شد و ذلت به آنان رسید .

پیام ها

۱- سردمداران قدرتمند ، به دلیل خود برترینی ، استکبار نموده ودعوت اسلام را نمی پذیرند . قالوا لن تؤمن حتی نؤتی مثل ما اوتی

۲- ملاک گزینش های الهی ، علم او به شایستگی هاست . الله اعلم

۳- نتیجه ی استکبار در برابر حق ، ذلت و خواری است . لن تؤمن . . . سیصیب الذین اجرموا صغار عند الله

آیه ۱۲۵

آیه ۱۲۵

۱۲۵- فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَعْنَ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صِدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَعْنَ يُضَيِّقْ لَهُ يَجْعَلْ صِدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّ نَمِيًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

خداوند هر که را بخواهد هدایت کند ، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می گشاید و هر که را (به خاطر اعمال و خصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند ، سینه اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می دهد ، گویا به زحمت در آسمان بالا می رود . خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد .

نکته ها

○ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : نشانه ی شرح صدر چند چیز است : الانابه الی دارالخلود والتجافی عن دار الغرور والاستعداد للموت قبل نزول الفوت توجه و گرایش خاضعانه به سوی آخرت و دوری از دنیای حيله گر و آمادگی برای مرگ قبل از آنکه فرصت را از دست بدهد . (۲۴۲) امام سجاد علیه السلام نیز در شب ۲۷ رمضان دعایی را که متضمن همین خواسته است ، مکرر می خواند . (۲۴۳)

○ مراد از هدایت و ضلالت الهی ، فراهم کردن اسباب هدایت برای شایستگان و از بین بردن اسباب ، برای ناهلان است .

○ منظور از صدر ، روح و دل است . مراد از شرح صدر ، گسترش افق عقل و فکر بلندی روح ، برای پذیرش حق و هدایت است و این نیازمند گذشتن از هوسها و تمنیات دل است . آنکه شرح صدر نداشته باشد ، همواره در لاک خود می ماند و بیرون نمی آید . نتیجه

ی شرح صدر ، بصیرت و نورانیت همراه با قلب رقیق و حقیذیر است .

○ این آیه یکی از معجزات علمی قرآن است که عوارض صعود به آسمان را بیان کرده و می فرماید : کسی که حاضر به پذیرش حق نگردد ، روحش تنگ و کم ظرفیت می شود ، همانند کسی که می خواهد به آسمان برود که به علت سنگینی و فشردگی هوا و نبود اکسیژن ، سینه اش تنگ و تنفسش سخت می شود .

○ امام رضا علیه السلام فرمود : نشانه ی سعه صدر ، تسلیم خدا بودن ، اطمینان به او داشتن و دلگرم شدن به وعده های الهی است و نشانه ضیق صدر ، تردید و اضطراب است . (۲۴۴)

○ از سنت های الهی آن است که برای پاکدلان حقیذیر ، شرح صدر قرار دهد و لجوجان گریزان از ایمان را گرفتار سلب توفیق و رجس سازد .

○ حضرت موسی همین که ماء مور تبلیغ شد ، در اولین دعای خود از خداوند خواست : ربّ اشرح لی صدري (۲۴۵) ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون درخواست ، خداوند به او سعه ی صدر عطا کرد . اءلم نشرح لك صدرک (۲۴۶) .

پیام ها

۱- قبول حق ، ظرفیت و زمینه درونی می خواهد . یشرح صدره للاسلام

۲- شرح صدر ، موهبتی الهی است . یشرح صدره للاسلام

۳- خروج از مدار فطرت و عقل ، عامل خفقان و تنگی روح و روان می گردد . یصعّد فی السماء

۴- منحرفان هر چند به ظاهر ، خود را در گشایش و آرامش ببینند ، ولی در واقع گرفتار تنگناها

و فشارند . ضیقاً حرجاً

۵- بی حوصلگی و کم ظرفیتی ، نوعی رجس و پلیدی روح است . يجعل صدره ضیقاً ... الرّجس

۶- کسی که به حقّ ایمان نیاورد ، به تدریج آلوده می شود . كذلك يجعل الله الرّجس على الذین لایؤمنون

آیه ۱۲۶

آیه ۱۲۶

۱۲۶- وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

و این راه پروردگار تو است که مستقیم است ، قطعاً ما آیات خود را برای قوم و گروهی که پند می پذیرند به تفصیل بیان کرده ایم .

نکته ها

○ کلمه ی هذا ، ممکن است اشاره به کلمه ی اسلام باشد که در آیه ی قبل آمده بود .

پیام ها

۱- جز راه خدا ، راه های دیگر بیراهه است . وهذا صراط ربك مستقيماً

۲- برای تذکر ، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است . فضلنا ... يذكرون

۳- خداوند ، حجت را بر همه تمام کرده است ، اگر اهل توجه باشند ، آیات و نشانه های حق ، با بیان های مختلف روشن شده است . لقوم يذكرون

۴- توجه دائمی به تذکرات الهی ، راه دستیابی به صراط مستقیم است . هذا صراط ربك ... لقوم يذكرون

آیه ۱۲۷

آیه ۱۲۷

۱۲۷- لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سرای سلامت نزد پروردگارشان ، تنها برای آنان است و او به پاداش اعمالی که انجام می دادند ، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است .

پیام ها

۱- در بهشت ، خشونت ، رقابت ، حسرت ، تهمت ، حسد ، کینه ، دروغ ، اندوه و هیچ گونه مرگ و مرض و فقر راهی ندارد . دار السلام

۲- برتر از نعمت امتیت و سلامت ، در سایه ی لطف مخصوص پروردگار بودن است . دار السلام عند ربهم

۳- خداوند خود امور رهروان راه مستقیم را به عهده دارد . و هو ولیهم

۴- رسیدن به ولایت الهی ، در سایه ی عمل و تلاش انسان است . و هو ولیهم بما كانوا يعملون

آیه ۱۲۸

آیه ۱۲۸

۱۲۸- سَيَكْفُرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَاكَ الَّذِي آءَجَلْتُمْ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوِيكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

(به یاد آورید) روزی که خداوند ، همه آنان را گرد می آورد (سپس به جنیان خطاب می فرماید :) ای گروه جن ! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید . و دوستان ایشان از نسل بشر گفتند : پروردگارا ! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم . خداوند می فرماید : آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود ، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شمارا ببخشد) . همانا پروردگار تو حکیم و داناست .

نکته ها

O در آیات قبل ، به کارهای شیاطین و وسوسه هایشان اشاره شد ، در اینجا سرنوشت وسوسه پذیری از شیاطین را که دوزخ است ، بیان می کند . ضمناً به گفته قرآن ، شیطان از جن است و جنی که مردم را گمراه کرده همان شیطان است .

پیام ها

۱- به عاقبت کار خود بیندیشیم . ویوم (هر کجا کلمه یوم در آغاز آیه بکار رفته ، مراد یادآوری چنین روزی است .)

۲- جن ، مکلف و مختار است و مورد خطاب و توبیخ و کیفر و پاداش قرار می گیرد . یا معشر الجن

۳- شیطان ، به گمراه کردن گروه کم راضی نیست و گروه زیادی از انسان ها را منحرف کرده است . قد استکثرت من الانس در آیه ای دیگر می فرماید : ولقد اضل منکم جبلاً کثیراً فلما تکنونوا تعقلون (۲۴۷)

۴- دادگاه قیامت ، علنی است . یحشرهم ، یا معشر الجن

۵- در قیامت ، جن اغواگر پاسخی در برابر توبیخ ندارد و تنها پیروان انسانی او سخن می گویند . یا معشر الجن ... قال اولیاءو

۶- بهره گیری انسان و جنّ از یکدیگر طرفینی است . استمتع بعضنا ببعض

۷- در قیامت ، انسان و جنّ ، یکجا جمع و محشور می شوند . جمعیا

۸- پیروی از وسوسه های شیطانی ، به تدریج انسان را به ولایت پذیری از او وامی دارد . اولیاءو هم

۹- همه ی منحرفان ، کیفر یکسان ندارند و باقی ماندن در آتش ، وابسته به اراده ی خداوند است . الا ماشاء الله

۱۰- احکام دادگاه الهی ، بر مبنای علم

و حکمت است . حکیم علیم

آیه ۱۲۹

آیه ۱۲۹

۱۲۹- وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ لِكَ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلط می کنیم ، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می کردند .

نکته ها

O در آیه ۱۲۷ خواندیم که سرپرست آنان که به راه مستقیم می روند ، تنها خداست . در این آیه می خوانیم که سرپرست گروهی از مردم به خاطر عملکردشان ستمگراند .

O طبق روایات ، کیفر ترک کنندگان امر به معروف و نهی از منکر ، متخلفان از ادای خمس و زکات و یاری کنندگان به ظالمان ، تسلط ستمگران بر آنان است . (۲۴۸) در حدیث می خوانیم : هر گاه خداوند از کار قومی راضی باشد ، کارشان را به نیکان می سپارد و اگر ناراضی باشد ، کارشان را در دست بدان قرار می دهد . (۲۴۹)

پیام ها

۱- همان گونه که شیاطین جن بر انسان مسلط می شوند ، برخی از ظالمان نیز بر بعضی دیگر تسلط می یابند . کذلک

۲- کام جویی های حرام ، زمینه ساز حکومت های باطل و سلطه ی ظالمان است . استمتع بعضنا ببعض ... نولی بعض الظالمین بعضا

۳- تنها حاکمان ظالم نیستند ، محکومان ترسو و ساکت و عیاش هم ظالمند . بعض الظالمین بعضاً

۴- سبب سلطه ی ستمگران ، رفتار خود مردم است . نولی ... بما کانوا یکسبون

آیه ۱۳۰

آیه ۱۳۰

۱۳۰- لِأَنسِ اءَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُقِصُّونَ عَلَيْكُمْ آئَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى اءَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى اءَنفُسِهِمْ كَانُوا كٰفِرِينَ

در قیامت به آنان گفته می شود : (ای گروه جن و انس ! آیا پیامبرانی از خودتان به سویتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند ؟ گویند : ما علیه خودمان گواهی می دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و

بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده اند .

نکته ها

○ از آیات قرآن استفاده می شود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، برای جنّ نیز فرستاده شده و آنان نیز قرآن را می فهمند ، گروهی هم ایمان می آورند . (۲۵۰) به گفته ی برخی مفسّران (مثل آلوسی ، قرطبی ، طبرسی و سید قطب) رسولان جنّ ، وحی را از طریق رسولان انس دریافت کرده و به نژاد خود می رساندند . زیرا کلمه ی رسول به غیر انسان هم گفته می شود ، مثل : الله یصطفی من الملائکه رسلاً (۲۵۱)

○ در این آیه ، دو اقرار از سوی کافران آمده است ، یکی گواهی به آمدن پیامبران ، دوّم اعتراف به کفر خویش .

○ مواقف در قیامت مختلف است ؛ گاهی در موقفی کفار ابتدا انحراف خود را انکار می کنند ، مثل آیه ۲۳ همین سوره : والله ربّنا ما کنّا مشرکین ، آنگاه که فهمیدند قیامت جای انکار نیست ، به گناه خود اعتراف می کنند .

پیام ها

۱- جنّ و انس هر دو مکلف به پذیرش دعوت انبیایند و رسولان برای هر دو نژاد آمده اند . الجنّ والانس

۲- انذار ، قوی ترین اهرم تربیت و وظیفه ی مهم پیامبران است . و ینذرونکم

۳- قوی ترین ضامن اجرای احکام الهی برای اصلاح فرد و جامعه ، ایمان به معاد است . ینذرونکم لقاء یومکم هذا

۴- قیامت ، جای کتمان و انکار نیست ، لذا انسان ها علیه خود اقرار می کنند . شهدوا علی انفسهم

۵- دنیاخواهی ، عامل بی اعتنائی به دعوت های انبیاست . غرتهم الحیاه . . . (فریفته شدن به دنیا ، موجب فراموشی

آخرت است .)

۶- علاقه ی افراطی به دنیا ، انسان را به کفر می کشاند . غَزَتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا . . . انهم كانوا كافرين

آیه ۱۳۱

آیه ۱۳۱

۱۳۱- ذَلِكْ ءَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَّءَٰهْلِهَا غَٰفِلُونَ

این (اتمام حجت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم ، آبادی هایی را که اهلش (از شناخت حق) غافلند نابود نمی کند . (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار می دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می کند) .

نکته ها

○ سنت خداوند آن است که راه حق را با فرستادن انبیا و هشدارهای مختلف به مردم نشان می دهد و حقایق را بیان کرده ، اتمام حجت می کند . در آن صورت اگر بی اعتنایی کردند ، کیفر می دهد . این قانون و سنت کلی در آیات متعددی مطرح شده است ، از جمله : و ما اءهلکنا من قریه الا لها منذرون (۲۵۲) ما هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر آنکه مردم آنجا بیم دهندگانی داشتند . و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا (۲۵۳) ما تا پیامبری نفرستیم ، عذاب نمی کنیم .

پیام ها

۱- کیفر دادن گناهکار ، از شئون ربوبیت خداوند است . رَبُّكَ مُهْلِكُ الْقُرَى

۲- عقاب بدون بیان و هشدار ، ظلم و قبیح است . مُهْلِكُ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَّ اهلها غافلون

آیه ۱۳۲

آیه ۱۳۲

۱۳۲- وَلِكُلِّ دَرَجَةٌ مِمَّا عَمِلُوا وَّمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده اند درجاتی است ، و پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست .

نکته ها

○ مراد از درجات در این آیه ، درجات رشد نیست ، بلکه شامل درجات سقوط نیز می شود .

پیام ها

۱- خداوند ، عادل است و مرتبه ی هر کس را طبق عملکرد خود او قرار می دهد . درجات مّمّا عملوا

۲- سعادت و شقاوت انسان ، بسته به اعمال اوست . مّمّا عملوا

۳- انسان باید بهوش باشد ، زیرا تحت نظر خداست . و ما ربّک بغافل عمّا يعملون

آیه ۱۳۳

۱۳۳- وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخَرِينَ

و پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است . اگر بخواهد ، شما را می برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین می کند ، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد .

آیه ۱۳۴

آیه ۱۳۴

۱۳۴- إِنْ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيَنَّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

به راستی آنچه وعده داده می شوید ، آمدنی است و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او بگریزید) .

پیام ها

۱- تنها خداوند بی نیاز مطلق است ، پس هرگز خود را بی نیاز نبینیم . ربّک الغنی در جای دیگر می فرماید : یا ایّها النّاس اءنتم الفقراء الی الله واللّه هو الغنی الحمید (۲۵۴) ای مردم ! همه شما نیازمند خدایید و تنها اوست که بی نیاز و ستوده است .

۲- گناهکاران ، باید در همین دنیا هم بترسند ، زیرا محو آنان توسط قدرت الهی بسیار ساده است . یدهبکم

۳- ریشه ی ظلم (که در دو آیه قبل آمده بود) ، یا نیاز است ، یا سنگدلی و هیچ یک از این دو در خدا وجود ندارد . الغنی ذوالرحمه

۴- شرط مرئی خوب ، بی نیازی و عطوفت است . ربّک الغنی ذوالرحمه

۵- بقای اجتماعات بشری ، به مشیّت الهی بستگی دارد . إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ

۶- بود و نبود انسان ها ، نفع و زیانی برای خداوند ندارد . الغنی . . . إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ

۷- خداوند از عبادات ما بی نیاز است ، دستوره‌های عبادی ، عامل رشد خودماست . الغنی

۸- رحمت خداوند ، فراگیر است ، ولی گاهی بشر کار را به جایی می‌رساند که خداوند همه را نابود می‌کند . ذوالرحمه . . .
یذهبکم

۹- وعده‌های الهی قطعی است ، نه شوخی . انّ ما توعدون لآت

۱۰- مجرم در قیامت نمی‌تواند با قدرت الهی در افتد . و ما انتم بمعجزین

آیه ۱۳۵

آیه ۱۳۵

۱۳۵- قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰی مَكَاتِبِكُمْ اِنِّیْ عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ تَكُوْنُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُوْنَ

بگو: ای قوم من! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر

اساس سیرت خویش (عمل می کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست ، همانا ستمکاران رستگار نمی شوند .

پیام ها

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، چون به راه خود یقین دارد ، مأمور است در برخوردهای خود ، ثبات و قاطعیت خود را به دیگران اعلام کند . قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم انی عامل ...

۲- سرپیچی مردم ، وظیفه ی پیامبران را عوض نمی کند . انی عامل

۳- سرنوشت مردم ، وابسته به عملکرد خودشان است . اعملوا ... فسوف تعلمون

۴- ملاک موفقیت ، حسن عاقبت و سرانجام کار است ، نه جلوه ها و تلاشهای زودگذر . عاقبه الدار

۵- ظالم ، رستگار نمی شود . انه لا یفلح الظالمون

۶- سرپیچی از راه خدا و انبیا ظلم است . الظالمون

آیه ۱۳۶

آیه ۱۳۶

۱۳۶- لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَاءَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَمِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلّٰهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است ، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند : این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدایند ، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی رسید ، ولی هرچه سهم خدا بود به شرکا می رسید ، چه بد است آنچه داوری می کنند !

نکته ها

○ آنان که از مدار تربیت انبیا بیرون رفته و به وادی خیال می روند ، حرف ها و تصمیم هایشان نیز خیالی و بی منطق است و خود را مالک همه چیز می دانند و تقسیم بندی می کنند . یکبار پسران را سهم خود و دختران را سهم خدا می دانند . الکم الذکر و له الانثی (۲۵۵) یکبار هم غلات و حیوانات را بین خدا و بت ها تقسیم می کنند . مشرکان می پنداشتند سهم بت ها غیر قابل تغییر است و آن را خرج بتکده ها و خدمه آنها می کردند ، و سهم خدا را نیز به این بهانه که خدای آسمان ها بی نیاز است ، هنگام کم و کسر آمدن ها خرج بتخانه ها می کردند . نه خرج کودکان ، فقرا و مهمانان .

پیام ها

۱- در کشاورزی و دامداری ، گرچه انسان نقش دارد ، امّا زارع و خالق اصلی خداست . لله ممّا ذرّاء در آیه ای دیگر می فرماید : اانتّم تزرعونہ اءم نحن الزّارعون (۲۵۶)

۲- قانون زکات و تقسیم درآمد و منافع ، در عقائد انسان های قبلی نیز بوده است ، هر چند به صورت خرافی . هذا لله . . . هذا لشركائنا

۳- مشرکان با آنکه بت ها را شریک خدا می پنداشتند ، ولی برای خداوند موقعیت ویژه ای از عزّت و غنا قائل بودند و تلفات را از سهم خدا کم می کردند و می گفتند : او نیازی ندارد . ما كان لله فهو يصل الى شركائهم

۴- رسالت انبیا ، مبارزه با خرافات است . ساء ما يحكمون

آیه ۱۳۷

آیه ۱۳۷

۱۳۷- وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ

و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می شدند ،) کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند . و اگر خداوند می خواست چنین نمی کردند (و به اجبار جلو آنان را می گرفت) ، پس آنان را با دروغ هایی که می بافند واگذار .

نکته ها

○ همان گونه که تقسیم کشت و دام ، میان خدا و شریکان ، در نظر مشرکان جلوه داشت ، عشق به بت و فرزندکشی در پای بت را هم وسوسه های شیطانی در نظرشان آراسته بود .

○ يُرْدُوهُمْ : از ارداء به معنای هلاک کردن است .

○ مشرکان یا می گویند : دختر ننگ است و زنده به گورش می کنند ، اءیمسکه علی هون (۲۵۷) یا می گویند : خرجی ندارم و باید نابود شود ، خشیه املاق (۲۵۸) یا آن را نوعی قرب به بت ها می دانند ، که همه ی اینها نوعی ترین است .

پیام ها

۱- بینش غلط و خرافی ، سبب می شود که انسان ، فرزند خود را پای بت سنگی و چوبی قربانی کرده و به آن افتخار نماید . زین . . . قتل اءودلاهم

۲- مجرمان ، حتّی برای فرزندکشی هم توجیه درست می کنند تا روان و وجدان خود را آرام کنند . زین

۳- در انتقاد ، انصاف را مراعات کنیم . لکثیر من المشرکین نه آنکه همه چنین اند .

۴- توجیه گناه و آراستن زشتی ها ، عامل هلاکت و سقوط است . زین . . . لئردوهم

۵- خرافه گرایی ، سبب التقاط و آمیختگی دین با شبهات است . ولیلسوا

۶- پیامبر ، مسئول ابلاغ است نه اجبار ، اگر مردم گوش نکردند ، آنان را رها کرده و به سراغ دل های آماده می رود . فذرهم

۷- افکار و رفتار منحرفان ، نباید حَقجویان را دلسرد کند . فذرهم و ما یفترون

۸- شریک پنداشتن برای خداوند ، افترا به اوست . فذرهم و

۱۳۸- وَقَالُوا هَذِهِ آءُنْعَمٌ وَحَزْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا- مَنْ نَشَاءُ بِرِغْمِهِمْ وَآءُنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَآءُنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ

و مشرکان (به پندار خویش) گفتند: اینها، دام‌ها و کشت‌هایی ممنوع است، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده‌ها) که ما بخواهیم. و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام است و چهارپایانی که نام خدا را (هنگام ذبح) بر آن نمی‌برند (این احکام را) به دروغ به خدا نسبت می‌دادند. خداوند به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می‌بستند جزا خواهد داد.

نکته‌ها

○ حِجْر به معنای منع است و تحجیر یعنی منطقه‌ای را سنگ‌چین کردن و مانع شدن از ورود دیگران برای تصاحب آن. حِجْر اسماعیل نیز جایی است که با دیوار سنگی جدا شده است. عقل را هم حِجْر گویند، چون انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد. هل فی ذلک قسم لیدی حِجْر (۲۵۹)

○ در دو آیه‌ی قبل، عقائد خرافی مشرکان درباره‌ی سهم خدا و بت‌ها از کشاورزی و چهارپایان مطرح بود. در این آیه چگونگی مصرف سهم بت‌ها بیان شده که احدی حق استفاده ندارد، مگر خادمین بت‌ها و بتکده‌ها.

○ با توجه به این آیه، مشرکان چهار انحراف داشتند: ۱ ممنوع شمردن بعضی از چهارپایان. ۲ ممنوع شمردن بعضی از محصولات کشاورزی. ۳ ممنوع کردن سواری برخی از چهارپایان. ۴ نبرد نام خدا به هنگام ذبح

حيوانات .

○ قرآن ، هدف آفرینش چهار پایان را سوار شدن بر آنها و مصرف از گوشت آنها می داند : *جعل لكم الانعام لتركبوا منها و منها تاء كلون (۲۶۰)* و تحریم بهره برداری از چهارپایان را ، از بدعت های جاهلی می شمرد که در آیه ۱۰۳ سوره ی مائده نیز بیان شده است .

○ اسلام ، آیین جامعی است که حتی انحراف در بهره گیری از حیوانات را هم تحمل نمی کند . وقتی قرآن ، از بی مصرف ماندن حیوان و تحریم سوارشدن بر آن نکوهش می کند ، به طریق اولی از بی مصرف ماندن انسان ها ، منابع ، سرمایه ها و استعدادها بیشتر نکوهش می کند .

پیام ها

۱- احکام دین باید منسوب به خدا باشد ، نه بر پایه ی گمان ، خیال ، قیاس و استحسان . قالوا . . . بزعمهم . . . افتراءً علیه

۲- مبارزه با خرافات ، یکی از وظایف اصلی پیامبران است . افتراء علیه سیجزیهم

۳- تحریم حلال ها و تحلیل حرام ها ، افترا بر خداست . هذہ انعام و حرث حجر . . . افتراء

۴- بدعت گذاران ، در انتظار کیفر قوانین موهوم خود باشند . سیجزیهم

آیه ۱۳۹

آیه ۱۳۹

۱۳۹- وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلٰی اٰزْوَاجِنَا وَاِنْ يٰكُنْ مِّنْهُم مِّمَّنْ فِهٖمْ فِهٖ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيْهِمْ وَصِيْفَهُمْ اِنَّهٗ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان ، این بود که می) گفتند : آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است ، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید ، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند ، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد . همانا او حکیم و داناست .

نکته ها

○ آشنایی با خرافات دوران جاهلیت ، انسان را با زحمات رسول خدا برای هدایت آنان آشنا ساخته ، روح قدرشناسی را در انسان ، زنده و شکوفا می کند .

پیام ها

۱- تبعیض بی جا میان زن و مرد ، عملی جاهلی و مطرود است . خالصه لذت کورنا و محرم علی ازواجنا

۲- در جاهلیت ، تحقیر زن تا آن حد بود که در برخی موارد از حیوان سالم بهره ای نداشت و فقط در گوشت حیوان مرده شریک بود . شرکاء

۳- جزا و کیفر الهی ، بر اساس علم و حکمت اوست . سیجزیهم . . . حکیم علیم

آیه ۱۴۰

آیه ۱۴۰

۱۴۰- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند ، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند ، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند .

نکته ها

○ ابن عباس از بزرگان صدر اسلام می گوید : هر که می خواهد میزان جهالت اقوام دوران جاهلی را بداند ، همین آیات سوره ی انعام که بیانگر خرافات و اعتقادات بی اساس مشرکان است ، را بخواند . (۲۶۱)

○ جاهلان عرب ، به گمان تقرب به بت ها ، یا به جهت حفظ آبرو ، دختران خود را گاهی قربانی بت ها یا زنده به گور می کردند .

پیام ها

۱- جهالت و سفاهت ، عامل خسارت است . (خسارت هایی چون : از دست دادن فرزند ، از دست دادن عاطفه ، فقدان نعمت های حلال ، کسب دوزخ و کیفر الهی) . قد خسر

۲- خسارت واقعی ، فدا شدن انسان در راه باطل است . (چه قربانی بت شدن ، چه فدای خیال و غیرت نابجا) قد خسر

۳- تحریم نابجای حلال ها ، افترا بر خداوند است . وحرّموا ما رزقهم الله افتراء

۴- انجام هر کاری و تحریم هر چیزی ، یا دلیل شرعی می خواهد یا عقلی . بغیر علم افتراء علی الله

۵- با خرافات ، با شدیدترین وجه مقابله و برخورد کنیم .

آیه ۱۴۱

۱۴۱- وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّتَ مَعْرُوشَتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالزَّمَانَ مُمْتَشِبَهَا وَغَيْرَ مُمْتَشِبِهِ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داربست و بی داربست ، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون ، و زیتون و انار ، (برخی میوه ها) شبیه به همنند و برخی شباهتی با هم ندارند . همین که باغها ثمر داد ، از میوه اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید ، چرا که خداوند ، اسراف کاران را دوست ندارد .

نکته ها

○ جَنِّاتٍ ، باغ های پر درخت و زمین های پوشیده از زراعت است . معروش ، درختی است که نیاز به داربست دارد . اُكْلُ به معنای ماء کول و خوراکی است .

○ در آیه ۹۹ همین سوره خواندیم : اُنظُرُوا الی ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ هَنگامی که درخت بار آورد ، با دَقَّتْ به آن نگاه کنید . در این آیه می خوانیم که کَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ ، هَنگامی که بار داد ، بخورید . نتیجه اینکه : خوردن باید با تاء مَل و دَقَّتْ باشد ، نه غافلانه .

○ امام باقر علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود : شخصی زراعتی داشت که تمام محصولاتش را صدقه می داد و خود و عیالش بی چیز می ماندند . خداوند این عمل را اسراف خواند . (۲۶۲)

این آیه ، درس خدانشناسی را همراه با اجازه مصرف خوارکی ها و رسیدگی به طبقات

محروم و انفاق به آنان و اعتدال داشتن و زیاده روی نکردن در مصرف و انفاق را بیان می کند . انشاء ، کلوا ، آتو ، لا تسرفوا چنانکه در جای دیگر نیز می خوانیم : و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً (۲۶۳)

○ امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند : حتّی اگر مسلمان یافت نشد ، حقّ برداشت را به مشرک فقیر پردازید (۲۶۴) در روایتی دیگر فرمود : این حقّ برداشت ، غیر از زکات است . (۲۶۵)

○ امام صادق علیه السلام فرمود : میوه را در شب برداشت نکنید و شبانه درو نکنید تا فقیران نیز بتوانند حاضر شوند و چیزی بگیرند . (۲۶۶)

در سوره ن والقلم نیز می خوانیم که خداوند باغ کسانی را که تصمیم گرفتند شبانه و به دور از چشم فقرا میوه ها را بچینند و به آنها ندهند ، سوزاند .

پیام ها

۱- تنوع میوه ها و محصولات کشاورزی ، آن هم از یک آب و خاک ، نشانه قدرت الهی است . انشاء . . . مختلفاً اُکله

۲- خداوند برای خود در محصولات ، حقّی قرار داده است . آتوا حقّه

(آری ، نور و هوا ، آب و خاک ، توان و نیرو و فکر و استعداد ، همه و همه از آن خداوند است و او بر همه حقّ دارد .)

۳- در انفاق نیز میانه رو باشیم . و آتوا حقّه یوم حصّاده و لاتسرفوا

۴- اسلام ، دین اعتدال است ، هم تحریم نابجا را ممنوع می کند (در آیه قبل) و هم مصرف بی رویه

را . لا تسرفوا

۵- شرط مصرف ، پرداخت حق محرومان است . کلوا . . . آتوا حقه

۶- مقدار مصرف ، محدود به عدم اسراف است . کلوا . . . لا تسرفوا

۷- هنگام برداشت محصول ، به یاد محرومان باشیم . یوم حصاده

۸- تولید و محصول را در زمانی برداشت کنیم تا زمینه ی بهره برداری دیگران هم باشد . یوم حصاده

۹- هنگام رسیدن و برداشت محصول ، آمادگی انسان برای انفاق بیشتر است ، پس فرصت را از دست ندهیم . آتوا حقه یوم حصاده

۱۰- میوه ی نارس نخورید و میوه را تازه مصرف کنید . کلوا من ثمره اذا اثمر

۱۱- اسراف کار ، مبعوض خداوند است . انه لا یحب المسرفین

آیه ۱۴۲

آیه ۱۴۲

۱۴۲- وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَهُ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک) اند (و یا از کرک و پشم آنها برای فرش استفاده می شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی نکنید ، چرا که او دشمن آشکار شماست .

نکته ها

○ در آیه ی قبل به نعمت های خداوند در محصولات کشاورزی اشاره شده و در اینجا به دامداری و انواع بهره هایی که انسان از حیوانات می برد .

○ مراد از کلمه فرش ، چهارپایانی مثل گوسفند است که به خاطر نزدیکی بدنشان به زمین ، به منزله فرش هستند ، یا اینکه از پشم و کرک و موی آنها فرش می بافند .

○ بیشتر مفسران ، کلمه ی حموله را به معنای حیوانات باربر دانسته اند ، و فرش را حیوانات غیر باربر معنا کرده اند .

پیام ها

۱- هستی و آفریده هایش ، مسخر انسان است . حموله و فرشا

۲- قانون کلی در حیوانات ، حلال بودن مصرف آنهاست ، مگر آنکه دلیلی بر حرمت باشد . کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

۳- تحریم حلال ها ، از گام های شیطانی است . کَلُوا... وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

۴- تنها توصیه به خام خواری که امروز در میان گروه کثیری رواج دارد و نهی از مصرف گوشت ، ممنوع است . و من الانعام... کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

۵- نسبت به خوردنی ها باید مواظب باشیم . کَلُوا... وَ لَا تَتَّبِعُوا چنانکه اولین اهرم شیطان برای گمراه کردن حضرت آدم ، غذا بود .

۶- سر سفره ی خداوند ، از دشمن او پیروی نکنیم . کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

۷- سیاست شیطان ، انحراف تدریجی است ، نه دفعی . خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

آیه ۱۴۳

۱۴۳- تَمَيَّهَ اَزْوَاجٍ مِنَ الضَّاءِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَغْزِ اثْنَيْنِ قُلْ اَلَّذِكْرَيْنِ حَرَّمَ اِمَامُ الْاُنْتَيْنِ اَمَّا اَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَزْوَاجُ الْاُنْتَيْنِ نَبُوْنِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

(خداوند برای شما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را . از گوسفند دو زوج (نر و ماده) و از بز ، دو زوج (به کسانی که از پیش خود ، بعضی چهارپایان را تحریم می کنند) بگو : آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده های آنها را یا آنچه را شکم آنها در برگرفته است ؟ اگر راست می گوئید از روی علم و دانش به من خبر دهید .

آیه ۱۴۴

آیه ۱۴۴

۱۴۴- اُنْتَيْنِ اَمَّا اَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَزْوَاجُ الْاُنْتَيْنِ اَمَّ كُنْتُمْ شُهَدَاۗءَ اِذْ وَصَّكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمِنْ اَظْلَمٍ مِّمَّنْ اَفْتَرٰى عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ

و از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شما حلال کرده است) بگو : آیا خداوند نرهای این دو را حرام کرده یا ماده ها را یا آنچه را که شکم آن دو در برگرفته است ؟ یا مگر شما شاهد و حاضر بوده اید که خداوند به حرمت این گوشت ها به شما سفارش کرده است ؟ ! پس کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند ، دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد ؟ قطعاً خداوند ، گروه ستمکار را هدایت نمی کند .

نکته ها

○ کلمه ی زوج هم به مجموع نر و ماده گفته می شود و هم به هر یک از نر و ماده به تنهایی . در این آیه به هر کدام به تنهایی گفته شده و مراد از هشت جفت ، هشت عدد است ، چهار نر و چهار ماده که چهار تا در آیه ۱۴۳ و چهار تا در آیه ۱۴۴ بیان شده است . در آیه ۴۵ سوره ی نجم نیز کلمه ی زوج در یک فرد بکار رفته است ، نه در دو تا . خلق الزوجین الذکر والانثی

○ در آیه ۶ سوره ی زمر ، خلقت هشت نر و ماده ی حیوانات در کنار خلقت انسان بیان شده است . خلقکم من نفسٍ واحده ، ثُمَّ جعل منها زوجها وانزل لکم

- احتمال دارد که ترتیب نام بردن از حیوانات چهارگانه ، اشاره به برتری آنها در مصرف باشد . (گوسفند ، بز ، شتر و گاو)
- در بعضی روایات ، ثمانیه ازواج به ۱۶ فرد تفسیر شده که این چهار حیوان هر کدام دو نوع یکی نریکی ماده و هر کدام اهلی و وحشی دارد . امام هادی علیه السلام فرمود : گاومیش از نوع گاو وحشی است . (۲۶۷)

پیام ها

- ۱- برای خرافه زدایی از دین ، باید عقائد حق را بسیار باز و روشن مطرح کرد . ثمانیه ازواج ...
- ۲- در فتوا یا عقیده به حلال و حرام چیزی ، علم لازم است . تبتونی بعلم
- ۳- حلال بودن نیازی به دلیل ندارد زیرا اصل در خوردنی ها حلیت است بلکه حرام بودن دلیل لازم دارد . قل الذکرین حرم ام الأنثیین ... تبتونی بعلم
- ۴- افترا بر خدا ، بزرگ ترین ظلم است . فمن اءظلم ممن افتری علی الله
- ۵- دروغ بستن به خدا ، مایه ی گمراه ساختن مردم است . لیضل الناس
- ۶- افترا ، انسان را از هدایت پذیری خارج می کند . لایهدی
- ۷- باورها و عقائد یا باید بر اساس علم و عقل باشد که در آیه قبل خواندیم ، تبتونی بعلم و یا بر اساس شرع .

آیه ۱۴۵

آیه ۱۴۵

۱۴۵- قل لا اجد فی ما اوحی الیّی محرماً علی طاعم یطعمه الا ان ینکون مئته اءو دماً مسیفوحاً اءو لحم خنزیر فانه رجس اءو فسقاً اهل لغیر الله به فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فان ربک عفور رحیم

بگو : در آنچه به من وحی شده ، بر کسی که چیزی می خورد هیچ حرامی نمی یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد که قطعاً پلید است ، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد . پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطر شد ، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حد ضرورت نباشد ، (مانعی ندارد) . همانا خداوند تو

نکته ها

- میته ، تنها حیوانی نیست که خود به خود مرده باشد ، بلکه اگر طبق دستور اسلام ، ذبح نشود در حکم مردار و حرام است .
- حرمت مردار و خون ، چهار مرتبه در قرآن مطرح شده است ، دوبار در سوره های مکی (۲۶۸) و دوبار در سوره های مدنی (۲۶۹) .
- أَهْلٌ از اهلال به معنای بلند کردن صدا هنگام دیدن هلال اول ماه است . سپس به هر صدای بلندی گفته شده است . مشرکان در هنگام ذبح حیوانات ، با صدای بلند نام بت ها را می بردند ، از این رو أَهْلٌ گفته شده است .
- جمله لا اءجد . . . الا اءن یکون میته در برابر تحریم های جاهلانه مشرکان است و گرنه گوشت بعضی پرندگان و دزدگان دیگر نیز حرام است که در این آیه نیامده است و به اصطلاح این حصر ، حصر اضافی است نه حقیقی .
- از نظر اسلام مضطر به کسی می گویند که خود را از راه ستمگری و گردن کشی و گناه مضطر نکرده باشد ، غیر باغ و تنها به مقدار رفع اضطرار ، مجاز است نه بیشتر . و لاعاد

پیام ها

- ۱- یگانه منبع علم پیامبر صلی الله علیه و آله برای بیان احکام ، وحی است . لا اءجد فی ما اوچی الی
- ۲- اصل و قانون اولیه ، حلال بودن حیوانات است . لا اءجد
- ۳- تنها محرّمات ابلاغ شده در آیات و روایات تکلیف آور است ، پس اگر با جستجو و تتبع ، دلیلی بر حرمت چیزی نیافتیم ، برای ما حلال است . لا اءجد
- ۴- وقتی در مسأله ی

خوردن و نخوردن شخص پیامبر هم باید از وحی دستور بگیرد ، دیگران چگونه از پیش خود چیزی را حرام می کنند ؟ فی ما اوحی الّی

۵- دلیل تحریم گوشت خوک ، آلودگی و پلیدی آن است . فَاِنَّهٗ رِجْسٌ

۶- احکام تغذیه ، برای مرد و زن یکسان است . طاعم یطعمه در مقابل آن عقیده خرافی در آیه ۱۳۹ که برای مردان گوشت همه ی حیوانات را حلال و برای زنان برخی موارد را حرام می دانستند . خالصه لذکورونا ومحرم علی اءزواجنا

۷- در قانون ، باید اهمّ و مهمّ رعایت شود . حفظ جان ، مهم تر از حرام بودن مصرف مردار است . فَمَنْ اضطرّ

۸- در اسلام بن بست نیست ، وقتی اضطرار پیش آید مصرف حرام ها مجاز می شود . فَمَنْ اضطرّ

۹- سوء استفاده از قانون در موارد استثنا ، ممنوع است و باید به همان مقدار اضطرار ، بسنده شود . غیر باغ ولا عاد

۱۰- خون باقیمانده در گوشت پس از ذبح شرعی حرام نیست . خون ریخته شده حرام است . دما مسفوحا

۱۱- در جایی که اضطرار به طور قهری پیش آید ، می توان از گوشت حرام استفاده کرد ، ولی اگر با دست خودمان کاری کردیم که مضطر شدیم استفاده مجاز نمی شود . اضطر (به صورت مجهول آمده است)

۱۲- وجود قوانین تخفیفی و اضطراری ، جلوه ای از مغفرت و رحمت الهی است .

آیه ۱۴۶

آیه ۱۴۶

۱۴۶ رحیم وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوُ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكُمْ جَزَاءُ الَّذِي كَفَرَ بِعَنِّي وَإِنَّا

و بر یهودیان ، هر (حیوان) ناخن دار را حرام کردیم و از گاو و گوسفند ، پیه هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقدار که بر پشت گاو و گوسفند یا همراه روده و مخلوط به استخوان است . این (تحریم) ، کیفر ماست به خاطر ظلمی که مرتکب شدند و قطعا ما راستگوییم .

نکته ها

○ در آیه ی قبل ، محرمات در اسلام و در این آیه ، محرمات یهود بیان شده ، تا معلوم گردد که عقائد خرافی مشرکین ، با هیچ یک از ادیان آسمانی سازگار نیست . (۲۷۰)

○ ظُفْرُ به معنای ناخن است ، اما به سُمّ برخی حیوانات که شکاف ندارد (مثل سَمّ اسب یا نوک پای شتر) نیز اطلاق شده است ، از این رو شتر و حیواناتی که سُمّ چاک نیستند ، چه چهار پایان چه پرندگان ، بر یهود حرام است . (۲۷۱)

○ حوایا جمع حاویه ، به محتویات شکم گفته می شود . (۲۷۲)

○ در آیه ی ۱۶۰ سوره نساء هم می خوانیم : فَبِظَلَمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ حَرَامٌ شَدْنَ بِرِخَى طَيِّبَاتٍ بِرِ يَهُودٍ ، به خاطر ظلم های آنان بوده است ، بگذریم که یهود نیز مانند مشرکین پاره ای از چیزها را بر خود حرام کرده بودند . قرآن می فرماید : كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ (۲۷۳)

○ تحریم بعضی خوردنی ها بر یهود ، موقت بود و توسط حضرت عیسی علیه السلام بر طرف شد . چنانکه در جای دیگر می خوانیم : لَاحِلٌ لَكُمْ بَعْضُ

○ احکام الهی سه نوع است الف : دارای مصلحت یا مفسده ی واقعی است . مثل اکثر احکام . ب : دارای جنبه آزمایشی است مثل فرمان ذبح حضرت اسماعیل . ج : دارای جنبه ی کیفری است ، مثل همین آیه . آری ، یکی از عذاب های خدا ، تنگناهای معیشتی است .

پیام ها

۱- گاهی محدود ساختن غذای متخلّفان و یاغیان ، بلامانع است . حرّمنا . . . بیغیهم

۲- کیفر الهی منحصر در آخرت نیست ، در دنیا هم هست . جزیناهم بیغیهم

آیه ۱۴۷

آیه ۱۴۷

۱۴۷- فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَ سَعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

(ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو: پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (اما) عذاب او از قوم تبهکار، دفع نمی شود.

پیام ها

۱- رهبر باید آماده ی شنیدن تکذیب و تهمت از سوی برخی مردم باشد . فان کذبوک فقل . . .

۲- با تکذیب کنندگان ، باید برخوردی خیرخواهانه کرد و اگر تاءثیر نداشت ، از تهدید استفاده شود . ذو رحمه لا یردّ بآءسه

۳- مرّبی باید دریای رحمت باشد . ربّکم ذو رحمه

۴- بیم و امید ، در کنار هم کارساز است . ذورحمه ، بآءسه

۵- درهای رحمت الهی حتّی به روی مخالفان هم بسته نیست . فان کذبوک ربّکم ذورحمه

۶- رحمت خداوند ، پیش از قهر اوست . ذو رحمه . . . بآءسه

۷- گستردگی رحمت الهی ، مانع کیفر کردن او نیست . ربّکم ذو رحمه . . . و لایردّ بآءسه هرچند کیفر او نیز در مسیر تربیت انسان و از رحمت و ربوبیت او سرچشمه می گیرد .

آیه ۱۴۸

۱۴۸ سَيَقُولُ الَّذِينَ اشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَاءَ سَنَاءِ
 قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ ءَآتَيْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

به زودی کسانی که شرک ورزیده اند ، خواهند گفت : اگر خدا می خواست ، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام نمی کردیم . کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب ما را چشیدند . بگو : آیا برای شما دانشی هست ؟ آن را برای ما آشکار کنید ! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی کنید و شما جز حدس زن

نکته ها

○ در این آیه یک خبر غیبی از آینده مطرح است که مشرکان چه خواهند گفت ، سیقول الّذین اشرکوا آن آینده به وقوع پیوست و آنچه پیشگویی شده بود آنان گفتند . و قال الّذین اشرکوا(۲۷۵)

○ این بهانه که اگر خدای خواست ، ما و پدرانمان مشرک نمی شدیم بارها توسط مشرکان مطرح شده است ، چنانکه در آیه ۳۵ سوره ی نحل و آیه ۲۰ سوره زخرف نیز آمده است .

○ سؤال : این آیه سخن مشرکان را نقل می کند که اگر خدا از شرک ما راضی نیست ، چرا ما را از آن باز نمی دارد ؟ پس شرک ما مورد رضای خداست !

پاسخ : انجام هر کار از هر کسی ، از مَیدار قدرت خداوند بیرون نیست ، لکن اراده و مشیّت خداوند آن است که انسان راه خود را آزادانه انتخاب کند . دولت که آب و برق و گاز را به منزل ما می آورد ، این امکانات ، دلیل راضی بودن دولت به سوءاستفاده ما نیست . خداوند به انسان عقل و وحی عطا کرده و راه حقّ و باطل را به او نشان داده و او را در انتخاب آزاد گذاشته ، ولی اراده و اختیار ، نشانه ی راضی بودن او به خلاف ما نیست .

○ خداوند ، خواهان ایمان اختیاری مردم است نه اجبار آنان به ایمان آوردن . در قرآن بارها آمده است که : اگر خدا می خواست ، همه را هدایت می کرد و پیامبر هم حقّ اکراه و اجبار مردم به ایمان را ندارد

پیام‌ها

- ۱- رهبران و اندیشمندان دینی باید خود را برای پاسخگویی به شبهات و بهانه‌جویی‌های آینده آماده کنند. سيقول
- ۲- فرستادن انبیا و کتب آسمانی برای آنست که مردم با آزادی و اختیار، موحد شوند. پس منطق مشرکین (که اگر خدا می‌خواست با قهر و قدرت مانع شرک ما می‌شد) غلط است. لو شاء الله ما اشركنا
- ۳- بدتر از گناه، توجیه آن است. مشرکان، شرک خود را توجیه کرده و آن را مشیت الهی می‌دانستند. لو شاء الله ما اشركنا (جبرگرایی، بهانه‌ای است برای فرار از مسئولیت)
- ۴- مشرکین، انحراف خود را با تاریخ نیاکان خود توجیه می‌کردند. لو شاء الله ما اشركنا و لا آباؤنا
- ۵- عقیده به جبر، از توجیهات بی‌اساس منحرفان است. لو شاء الله ما اشركنا شیطان هم که رهبر منحرفان است، گمراهی خود را به خدا نسبت داد و چنین گفت: رَبِّ بَمَا اءْغَوَيْتَنِي (۲۷۶)
- ۶- مخالفان، همواره با اهرم جبر، به تکذیب پیامبران پرداخته‌اند. كَذَلِكْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
- ۷- قرآن از مخالفان هم تقاضای حجّت و دلیل می‌کند. قل هل عندكم من علم
- ۸- آنان که به بهانه‌ی سرنوشت، از مسئولیت می‌گریزند، منتظر چشیدن قهر خدا باشند. ذاقوا بآءسنا
- ۹- طرفداران جبر، منطق ندارند و در پی خیالاتند. ان تَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ
- ۱۰- اگر به جای علم و یقین، در پی ظن و گمان باشیم، گمراه خواهیم شد. ان انتم اِلَّا تَخْرصُونَ

آیه ۱۴۹

آیه ۱۴۹

۱۴۹- قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ اِءْجَمَعِينَ

بگو

: دلیل روشن و رسا تنها برای خداوند است ، پس اگر می خواست همه ی شما را (به اجبار) هدایت می کرد .

نکته ها

○ خداوند ، با فطرت توحیدی که در انسان قرار داده و با هدایت انبیا و عقل ، حجت را بر مردم تمام کرده و راه خیر و شرّ و پایان نیک یا بد هر کدام را هم بیان نموده است . برای خطاکاران هم راه توبه و جبران را باز گذاشته است . معجزه های روشن انبیا و شیوه ی نیکوی دعوت و استدلال های محکم آنان و سازگاری دین با فطرت و عقل ، حجت را بر مردم تمام کرده است .

و با این همه ، مشرکان جز گمان بی اساس ، دلیلی بر شرک خود ندارند و اگر راه غیر خدا را بپویند ، از خطاها ، ضعف ها ، محدودیت های علمی و فکری و هوسها پیروی کرده اند .

○ در روایات آمده که خداوند در قیامت به انسان می فرماید : راه حقّ را می دانستی یا نمی دانستی ؟ اگر بگویند : می دانستم ، می پرسد : چرا عمل نکردی ؟ و اگر بگویند : نمی دانستم ، می پرسد : چرا در پی یاد گرفتن نبودی ، این است حجت بالغه ی خدا بر مردم . (۲۷۷)

پیام ها

۱- تنها خداست که حجت بالغه دارد و همه ی ما در پاسخ او عاجز و تهیدست و مقصّریم . فَللّٰهُ الْحِجَّةُ

۲- در راه خدا هیچ گونه ابهام و بهانه ای که دستاویز مخالفان باشد نیست ، نه در استدلال ، نه در سابقه ، نه در صفات پیامبر و نه در شیوه ی برخورد با آنان . فَللّٰهُ الْحِجَّةُ الْبَالِغَةُ

۳- مشیت خداوند ، بر هدایت آزادانه و ارادی انسان و آزادی و اختیار

اوست . فلو شاء لهداكم

۴- اراده ی خداوند ، تخلف ناپذیر است . فلو شاء لهداكم

آیه ۱۵۰

آیه ۱۵۰

۱۵۰- قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَعْنِ اللَّهُ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

(ای پیامبر! به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت ها را ناجا بر خود حرام کرده اند) بگو: گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده ، بیاورید . پس اگر شهادت دادند ، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسته های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند ، همان ها که برای پروردگارشان شریک قرار می دهند ، پیروی نکن .

نکته ها

○ اسلام ، دین منطق و آزادی است ، در دو آیه ی قبل خداوند از مشرکان پرسید : آیا شما از چیزی اطلاع دارید که ما نداریم ؟ هل عندکم من علم ، در اینجا هم می فرماید : اگر گواه دارید بیاورید . هَلَمْ شُهَدَاءُكُمْ

○ در این آیه ، ابتدا می فرماید : اگر دلیل و گواه دارند بیاورند ، سپس می فرماید : اگر هم شهادت دادند ، تو قبول نکن (چون صادقانه نیست) .

○ يعدلون از عدل به معنای همتاست . پس برّهم يعدلون یعنی برای خداوند ، شریک و همتا و شبیه قرار می دهند .

پیام ها

۱- اسلام ، دین منطق و برهان است و از مخالفان خود گواه طلبیده و آنان را به مجادله ی نیکو دعوت می کند . قل هلمّ شُهَدَاءُكُمْ

۲- یکی از وظایف مبلّغان دینی ، برخورد با بدعت هاست . قل هلمّ شُهَدَاءُكُمْ . . . اعنّ الله حرّم هذا

۳- هر گواهی و شهادتی ، اعتبار ندارد . فانّ شهدوا فلا تشهد معهم

۴- مواظب باشیم شرایط و جوّ اجتماع ، ما را به اشتباه نیفکند . فانّ شهدوا فلا تشهد معهم (تصدیق کردن و همگام شدن با گواهان ناحق حرام است)

۵- قوانین بشری اگر برخاسته از هوس های کفار باشد ، قابل پیروی نیست . لا تتبع اءهواء الذین کذبوا بآیاتنا . . .

۶- انسان های با ایمان نباید از سنت های مشرکان تقلید کنند . لا تتبع اءهواء الذین کذبوا بآیاتنا . . .

۷- مشرکین ، خداوند را خالق می دانند لکن در تدبیر و مدیریت امور هستی برای او شریک قائلند . و هم

آیه ۱۵۱

آیه ۱۵۱

۱۵۱- قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسنا ولا تقتلوا اءولادکم من ائلق نحر نزرکم وایاهم ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلکم وصکم به لعلکم تعقلون

بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم، و به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع) نکشید، اینهاست آنچه خداوند شمارا به آن توصیه فرموده، باشد که تعقل و اندیشه کنید.

نکته ها

○ در این آیه و دو آیه بعد، به چند اصل مهم اشاره شده که از مشترکات همه ی ادیان آسمانی است، در تورات هم (سفر خروج، باب ۲۰) مشابه این دستورها آمده است.

○ دو نفر از سران مدینه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. همین که حضرت این آیات را خواند، مسلمان شده و درخواست مبلغ کردند. پیامبر نیز مصعب بن عمیر را همراهشان فرستاد. این حرکت زمینه ساز مسلمان شدن مردم مدینه گشت.

○ قرآن در چهار آیه (۲۷۸) نسبت به پدر و مادر سفارش کرده است و در هر چهار مورد همراه با مسأله ی توحید و نهی از شرک است.

همان گونه که در آفرینش اوّل خداست ، بعد پدر و مادر . در این آیات هم اوّل توحید است ، بعد نیکی به والدین ، ضمناً این آیه چون محرمات را می شمرد ، پس ترک احسان به والدین هم حرام است .

○ پنج دستور این آیه چنان به یکدیگر پیوند دارند که گویا یک دستورند . و صاکم به ضمیر به مفرد است .

○ امام صادق علیه السلام فرمود : احسان به والدین ، یعنی کاری نکنیم که آنان وادار به درخواست و سؤالی از ما شوند . (۲۷۹)

پیام ها

۱- بیان احکام الهی برای مردم ، یکی از وظایف انبیاست . اءتل ما حرّم

۲- چون اصل در همه چیز ، حلال بودن است ، از این رو حلالها شمارش نشده و فقط محرمات گفته شده است . اءتل ما حرّم

۳- محرمات دین ، از سوی خداست و پیامبر از پیش خود چیزی را حرام نمی کند . حرّم ربکم

۴- ممنوعیت منکرات ، جهت تکامل و تربیت انسان است . حرّم ربکم

۵- چون شرک ، ریشه ی مفسد است ، در رءس محرمات آمده است . الا تشرکوا

۶- بعد از یکتاپرستی ، احسان به والدین آمده است . بالوالدین احسانا

۷- دستورهای این آیه همه در قالب نهی است ، مگر نیکی به پدر و مادر که در قالب امر است . یعنی نه تنها نیازارید ، بلکه احسان کنید . و بالوالدین احسانا

۸- فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر ، عملی جاهلانه است ، اگر خدا ضامن روزی است ، چه ترسی از فقر ؟ نحن نرزقکم

۹- هم اصلاح جامعه از مفسد لازم

است ، هم اصلاح روح از رذایل . ما ظهر منها و ما بطن

۱۰- برخی از گناهان چنان خطرناک است که نزدیک آنها هم نباید رفت . لاتقربوا

۱۱- دستورات الهی ، مطابق عقل یا زمینه شکوفایی آن است . لعلکم تعقلون

آیه ۱۵۲

آیه ۱۵۲

۱۵۲- و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی اءحسَنُ حَتَّى یَبْلُغَ اءَشُدَّهُ وَ اءَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُکَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْرَهَا وَاِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰی وَ بَعِّدِ اللّٰهَ اءَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَّكُّم بِه لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرّفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد . (در داد و ستدها) پیمانه و ترازو را با عدالت تمام دهید . ما هیچ کس را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی کنیم . و هرگاه سخن می گوئید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید ، هر چند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید . اینها اموری است که خداوند ، شمارا به آن سفارش کرده است ، باشد که یاد کنید و پند بگیرید .

نکته ها

○ خداوند ، کارهای خود را به نحو احسن انجام می دهد : اءحسن الخالقین (۲۸۰) ، اءحسن تقویم (۲۸۱) ، نزل اءحسن الحدیث (۲۸۲) و . . . ، از ما هم خواسته که کارهایمان به نحو احسن باشد ، لیلو کم ائکم احسن عملا (۲۸۳) چه در تصرّفات و فعالیت های اقتصادی ، الا بالتی هی احسن (۲۸۴) ، چه در گفتگو با مخالفان ، جادلهم بالتی هی احسن (۲۸۵) ، چه در پذیرش سخنان دیگران ، یستمعون القول فیّتبعون احسنه (۲۸۶) و چه بدی های مردم را با بهترین نحو جواب دادن ، ادفع بالتی هی احسن السیئه (۲۸۷) که در تمام این موارد ، کلمه ی

احسن به کار رفته است .

○ قوم حضرت شعیب ، به خاطر کم فروشی گرفتار عذاب شدند . در قرآن نیز سه بار از کم فروشی نهی شده است .

○ کلمه ی کیل هم به معنای پیمانۀ است و هم به معنای پیمانۀ کردن . کلمه ی قسط هم می تواند مربوط به اوفوا باشد یعنی پرداخت ، عادلانه باشد و هم مربوط به کیل و میزان باشد ، یعنی خود پیمانۀ و ترازو سالم باشد . البته نتیجه هر دو یکی است .

پیام ها

۱- چون یتیم مدافعی ندارد و اموالش لغزشگاه است مواظب باشیم . لاتقربوا

۲- برای حفظ حقوق ایتام باید بهترین طریقه ی بهره گیری از اموال و دارایی او انتخاب شود . بالتی هی اءحسن . جز کسانی که اهلیت اقتصادی و تقوای کافی دارند ، نباید دیگران به مال یتیم نزدیک شوند . لاتقربوا . . . الا

۳- وقتی ایتام به رشد و تجربه ی کافی رسیدند ، سلطه ی خود را از آنان بردارید . حتی یبلغ اءشده

۴- نظام اقتصادی جامعه ی اسلامی باید بر اساس قسط باشد . بالقسط

۵- اگر اجرای عدالت در حدّ اعلی ممکن نیست ، لاقفلّ در حدّ توان و امکان مراعات کنید . لا نکلف نفساً الاّ وُسعها

۶- تمام دستورات و اوامر و نواهی الهی ، فوق طاقت انسان نیست . لا نکلف نفساً الاّ وُسعها

۷- بدون قدرت ، تکلیفی نیست . لا نکلف نفساً الاّ وُسعها

۸- در اسلام ، تکلیف به اندازه ی توان است . هر که توانا تر ، تکلیفش هم سنگین تر . لا نکلف نفساً الاّ وُسعها

۹- عدالت ، هم در رفتار

و هم در گفتار ، یک اصل است . اوفوا الکیل . . . و اذا قلتُم فاعدلوا (در گواهی ها ، وصیت ها ، قضاوت ها ، صدور حکم ها ، انتقادات و ستایش ها ، عدالت را مراعات کنیم .)

۱۰- به پیمان های الهی (که شامل فرمان های عقل و وحی و وجدان و فطرت می شود) وفادار باشیم . (عهد الله هم شامل پیمانی است که خدا با انسان دارد و هم پیمانی که انسان با خدا می بندد) بعهد الله اوفوا

۱۱- رابطه ی خویشاوندی را بر ضابطه ی حق و عدل ، ترجیح ندهیم . فاعدلوا ولو كان ذا قربی

آیه ۱۵۳

آیه ۱۵۳

۱۵۳- وَاِنَّ هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و این (دستورها) راه مستقیم من است . پس آن را پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند . این سفارش خداوند به شماست ، باشد که تقوا پیشه کنید .

نکته ها

○ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای توضیح این آیه از روش نمایشی استفاده کرده ، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند : این راه مستقیم است که یکی بیش نیست . سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند : اینها راههایی است که شیطان به آن دعوت می کند . (۲۸۸)

○ در پایان سه آیه ی اخیر ، سه تعبیر مختلف آمده است :

در پایان آیه ۱۵۱ که نهی از شرک و قتل و فحشا است . لعلکم تعقلون آمده است ، یعنی زشتی این امور با اندکی تعقل و فکر ، برای همه روشن می شود .

در آیه ی ۱۵۲ که به حفظ مال یتیم و رعایت قسط و عدل و وفای به عهد فرمان می دهد ، تعبیر لعلکم تدکرون آمده ، یعنی خوبی عدالت را فطرت و نهاد هرکس می پذیرد ، تنها باید تذکر داد .

در این آیه نیز که پیروی از دستورهای خداست ، لعلکم تتقون آمده ، یعنی تقوا همان گام نهادن در راه اطاعت و فرمان الهی است .

○ آنگونه که نور یکی است و ظلمات متعدّد ، راه مستقیم یکی است و راه های انحرافی متعدّد

. (صراط مفرد آمده ولی سُبُل جمع)

○ در روایات می خوانیم که مصداق عینی راه مستقیم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت او هستند . (۲۸۹)

پیام ها

- ۱- اساس همه ادیان الهی ، پیروی از راه خدا و دوری از راه دیگران است . صراطی . . . فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ
- ۲- عمل به احکام الهی ، سبب وحدت است و به سراغ احکام غیر الهی رفتن ، مایه ی تفرقه می باشد . صراطی مستقیما فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُم عَنْ سَبِيلِهِ
- ۳- شاید بتوان با توجه به پایان سه آیه ی اخیر ، چنین نتیجه گرفت که مراحل رشد و کمال انسان عبارت است از : تَعْقَلْ ، لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ، تَذَكَّرْ ، لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ و تَقْوَا . لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

آیه ۱۵۴

آیه ۱۵۴

۱۵۴- ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

سپس به موسی ، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت خود را) تمام کنیم ، و (این کتاب) بیانگر همه ی مسائل و وسیله هدایت و رحمت باشد ، شاید مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند .

نکته ها

○ میان قرآن و تورات ، شباهت های فراوانی است . در انجیل ، تکیه بر مواعظ است و در زبور ، تکیه بر دعاست ، ولی از نظر قوانین ، شباهت تورات به قرآن بیشتر است . از این رو به تورات ، امام گفته شده است . و من قبله کتاب موسی اماما (۲۹۰) در این آیه هم تورات ، رحمت ، هدایت و بیانگر هر چیز معرفی شده است .

پیام ها

- ۱- هر کتاب آسمانی نسبت به زمان خودش ، کامل است . تماما
- ۲- تنها نیکوکاران و نیکواندیشان ، پیام های کتب آسمانی و قوانین الهی را بهتر می گیرند . علی الذی اءحسن
- ۳- همه ی نیازهای انسان برای رسیدن به تکامل ، در کتب آسمانی آمده است . تفصیلا لکل شیء
- ۴- کتاب آسمانی در مسیر هدایت انسان و رحمت الهی است . هدی و رحمه

۵- یکی از مقاصد کتب آسمانی و پیامبران الهی ، ایمان انسان به قیامت است . لَعَلَّهُمْ بَلْقَاءَ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ يَمْنُونَ

آیه ۱۵۵

۱۵۵- وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

واین (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم . پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرید .

آیه ۱۵۶

آیه ۱۵۶

۱۵۶- إِنْ تَقُولُوا إِنْمَّا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفِيلِينَ

(آن تورات را نازل کردیم) تا نگوید کتاب (آسمانی) ، فقط بر دو طایفه ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی خبر بوده ایم .

نکته ها

○ کلمه مبارک از ریشه ی برکت ، بر دو امر تاءکید می کند : ۱ ریشه قوی و ثابت . ۲ رشد دائم . قرآن ، هم دارای مطالبی اساسی و تغییرناپذیر و استوار است و هم با گذشت زمان ، پرده هایی از اسرارش کشف و روز به روز جلوه ی آن بیشتر می شود .

○ اءن تقولوا به معنای لئلا تقولوا است ، یعنی : تا نگوید و بهانه نگیرد .

○ دراسه به معنای تلاوت و علم است .

پیام ها

۱- قرآن ، تنها کتاب ثنوری و نظری نیست ، بلکه کتاب سعادت و برنامه ی عمل انسان است . کتاب ... فاتبعوه

۲- سعادت بشر در دو چیز است : اطاعت حق ، اجتناب از باطل . فاتبعوه و اتقوا

۳- خداوند ، حجت را بر مردم تمام کرده است . کتاب انزلناه ... اءن تقولوا

۴- دستگاه تبلیغاتی مسلمانان باید برای هر کشور و ملت و زبانی ، برنامه های صحیح در سطح جهان آماده کند ، تا حجت بر آنان تمام شود و نگویند ما از حق بی خبر بودیم

۱۵۷- اَنْ تَقُولُوا لَوْ اَنَّآ اَلْكِتٰبُ لَكُنَّا اءِهْدٰى مِنْهُمْ فَقَدْ جِآءَكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَهٰدٰى وَّرَحْمَةً فَمَنْ اءَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِى الَّذِيْنَ يَصْدِفُوْنَ عَنَّا اٰتِنَآ سُوْءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يَصْدِفُوْنَ

یا نگوید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد ، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته تر بودیم . (برای جلوگیری از این بهانه ها) بی شک از سوی پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد . پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند ؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند ، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد .

نکته ها

○ یصدفون از صدف ، به معنای اعراض شدید از چیزی بدون تامل و اندیشه است .

پیام ها

۱- مشرکین مکه ، به هدایت یافتگی پیروان تورات و انجیل اعتراف داشتند ، ولی خود را برای دریافت کتاب آسمانی شایسته تر از آنان می دانستند . لکن اهدی منهم

۲- نزول قرآن برای همه ، اتمام حجت است . فقد جاء کم بینه من ربکم

۳- قرآن ، پرتوی از ربوبیت خداوند است . بینه من ربکم

۴- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت است . هدی و رحمه

۵- پیش از آزمایش ، مدعی زیاد است ، ولی امتحان ، صداقت ها را آشکار می کند . لکن اهدی ... فمن اظلم ممن کذب .

..

۶- از بزرگ ترین ظلم ها به انسانیت ، اعراض از کتب آسمانی است . فمن اظلم ممن کذب بآیات الله

۷- کیفر اعراض از دین حق و پشت کردن به آیات الهی ، عذاب شدید است . الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون

۸- عامل اصلی بدبختی های انسان ، عملکرد خود اوست . بما کانوا یصدفون

۱۵۸ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملكة اوياتي ربك اءو ياءتي بعض آيت ربك يوم ياءتي بعض آيت ربك لا ينفع نفسا ايم نها
 لم تكن امنت من قبل اءو كسبت في ايم نها خيراً قلانتظروا انا منتظرون

آیا (با دیدن آن همه آیات و بینات و معجزات ، باز هم) جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد ایشان بیایند ، یا خود
 پروردگارت بیاید ، یا بعضی از آیات پروردگارت (نشانه های قیامت) بیاید ؟ ! (مگر نمی دانند) روزی که بعضی از نشانه
 های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خود

کار خیری را کسب نکرده ، ایمان آوردنش سودی ندهد . بگو : منتظر (قهر خدا) باشید که ما هم در آن...
...ب...

نکته ها

○ در آیه ۹۲ سوره ی اسراء توقعات نابجای کفار مطرح شده است که می گفتند : ما به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه آسمان را بر ما فروریزی ، یا خدا و فرشتگان را نزد ما آوری . این انتظارات در این آیه رد شده است .

پیام ها

۱- کافران لجوج ، با دیدن معجزات الهی هم تسلیم نمی شوند . هل ينظرون . . .

۲- نتیجه ی طفره رفتن در ایمان ، ناکامی است . لاینفع نفسا ایمانها

۳- ایمان و عمل ، در شرایط آزاد و طبیعی ، کارساز است ، نه در حال اضطرار و ترس جان . یوم یاءتی بعض آیات ربک لاینفع

۴- عمل صالح بدون ایمان سودبخش نیست . او کسبت فی ایمانها خیراً

آیه ۱۵۹

آیه ۱۵۹

۱۵۹- إِنَّ الَّذِينَ فَزَعُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَعَمُّهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

(ای پیامبر!) تو را با کسانی که دین خود را پراکنده ساخته و گروه گروه شدند ، هیچ گونه ارتباطی نیست . (تو مسئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست ، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد .

نکته ها

○ تفرقه افکنی در دین ، یعنی بدعت گذاری و تفسیر دین به راءی خود که در قرآن و حدیث ، شدیدترین تعبیرات ، درباره این گونه کسان آمده است . به برخی از این نمونه ها توجه کنید :

قرآن می گوید : وای بر آنان که با دست خود مطلبی می نویسند ، سپس می گویند : این از طرف خداوند است . (۲۹۱)

علی علیه السلام می فرماید : هرگاه بدعتی آید ، سنتی می رود . (۲۹۲) و یکی از وظایف انبیا و علما ، بدعت زدایی و جلوگیری از تحریف هاست . (۲۹۳)

در روایات آمده است : توبه ی صاحب بدعت ، پذیرفته نمی شود . (۲۹۴)

خداوند ، هیچ عملی را از بدعتگذار قبول نمی کند . (۲۹۵)

کسی که به بدعتگذار احترام گذارد یا لبخندی بزند ، در فروپاشی دین گام برداشته است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هرگاه در میان امتم اختلاف شد ، هر کس طبق سنّت و گفته من عمل کند و سراغ راه و روش دیگران نرود ، پاداش صد شهید خواهد داشت . (۲۹۶)

در قرآن ، بارها از یهود ، به خاطر تحریف هایی که علمایشان در دین پدید

آوردند انتقاد شده است . درباره حضرت موسی علیه السلام هم می خوانیم : وقتی از کوه طور برگشت و انحراف و گوساله پرستی قوم خود را دید ، از فرط ناراحتی الواح تورات را بر زمین افکند و ریش برادرش را که جانشین او بود گرفت و گفت : چرا ائمت منحرّف شدند ؟ هارون در پاسخ گفت : ترسیدم اگر برای جلوگیری از انحرافشان شدّت عمل به خرج دهم ، مردم متفرّق شوند و تو بگویی چرا مردم فرقه فرقه شدند (تفرقه ای که با بازگشت تو هم قابل اصلاح نباشد) .

این آیات و روایات ، مسئولیت سنگین دین شناسان را در حفظ اصالت مکتب و مقابله با انحرافات فکری ، در عین حفظ وحدت اجتماعی ائمت ، بیان می کند .

پیام ها

۱- میان معارف دینی تفاوتی نیست ، باید به همه ایمان داشت و عمل کرد ، نه فقط بعضی . انّ الذّین فرّقوا دینهم

۲- از عوامل تفرقه و جدایی ، تغییر و تحریف در مکتب است . انّ الذّین فرّقوا دینهم و کانوا شیعا

۳- با آنان که مجموعه ی مکتب اسلام را قبول ندارند ، نباید همکاری کرد آنان از ائمت محمّد محسوب نخواهند شد . لست منهم فی شیء آنان مورد تهدید خداوند هستند . انّما امرهم الی الله

۴- تفرقه افکنی در دین ، نوعی شرک است . فرّقوا دینهم . . . لست منهم فی شیء در آیات ۳۲ و ۳۳ روم آمده است . ولا تکونوا من المشرکین . من الذّین فرّقوا دینهم از مشرکین نباشید همان کسانی که در دین خود تفرقه به وجود آوردند

آیه ۱۶۰

آیه ۱۶۰

۱۶۰- مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر که نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هر که بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد.

نکته ها

○ از کلمه ی جاء استفاده می شود که پاداش و کیفر مورد بحث در این آیه، مربوط به دادگاه قیامت است. و گرنه چه بسا خلافتی که با توبه محو یا به نیکی تبدیل شود. یبدل الله سیئاتهم حسنات (۲۹۷)، یا مورد عفو قرار می گیرد. یعفو عن کثیر (۲۹۸)، و چه بسا نیکی ها که با ریا و عجب و گناهان دیگر محو و ضبط شود. پس عملی ملاک است که به صحنه ی قیامت آورده شود. جاء بالحسنه... جاء بالسئنه

گرچه آیه ی مربوط به عمل نیک و بد است، ولی طبق روایت، آنکه نیت خیر کند پاداش دارد ولی نیت سوء تا به مرحله عمل نرسد، کیفر ندارد و این فضل الهی است.

○ در روایات آمده است: هر که در ماه، سه روز روزه بگیرد، گویا همه ی ماه را روزه گرفته است، زیرا هر روزش ده روز حساب می شود. عشر امثالها

○ پاداش ده برابر، حداقل است. بعضی اعمال، در بعضی شرایط و برای بعضی افراد، پاداش تا هفتصد برابر بلکه پاداش بی حساب هم دارد.

○ از ده پاداش الهی، فقط یک قسمت مزد است و نه قسمت دیگر فضل. فیوفیهم أجورهم

○ سؤال : اگر کیفر گنهکار ، به اندازه ی گناه اوست ، پس چرا یک روز روزه خوردن ، شصت روز روزه کفاره دارد ؟

پاسخ : مقصود از مثل در آیه ، از نظر عدد نیست ، بلکه کیفیت و چگونگی است . اهمیت یک روز ، روزه ماه رمضان ، برابر با ۶۰ روز در غیر ماه رمضان است . مثل شب قدر که در اهمیت ، بیش از هزار ماه است . این بیان اهمیت است ، نه برتری عددی .

پیام ها

۱- در شیوه ی تربیتی اسلام ، تشویق ده برابر تنبیه است . عشر امثالها

۲- تشویق چند برابر ، ظلم نیست ولی کیفر بیش از حد ظلم است . فلا یجزی الا مثلها و هم لایظلمون

۳- خداوند ، در پاداش با فضل خود رفتار می کند ، ولی در کیفر ، با عدل . عشر امثالها . . . الا مثلها

۴- عمل انسان همیشه و همه جا همراه انسان است . من جاء بالحسنه . . . و من جاء بالسیئه

آیه ۱۶۱

آیه ۱۶۱

۱۶۱- قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو : همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده ، دینی استوار که همان آیین حق گرای ابراهیمی است ، و او از مشرکان نبود .

نکته ها

○ کلمه ی قِیم و قِیم ، به معنای راستی ، استواری و پایداری است ، آری ، دینی استوار و جاوید می ماند که به مسائل مادی و معنوی این جهان و آن جهان مردم توجه کند .

○ امام حسین علیه السلام فرمود : هیچ کس جز ما و شیعیان ما ، پیرو آیین ابراهیم علیه السلام نیست . (۳۰۰)

پیام ها

۱- سخنان و تعالیم پیامبر ، نظر شخصی او نیست ، بلکه متن وحی الهی است ، که باید به مردم اعلام کند . قل

۲- راه مستقیم ، راه پیامبر است . هدانی ربی الی صراط مستقیم

۳- هدایت ، تنها کار خداست ، انبیا هم با هدایت الهی راه مستقیم را پیدا می کنند . هدانی ربّی

۴- هدایت ، از شئون ربوبیت است . هدانی ربّی

۵- راه ابراهیم علیه السلام ، همان یکتاپرستی است ، نه افکار شرک آلود . حنیفاً و ما کان من المشرکین (مشرکان ، عقائد انحرافی خود را به ابراهیم علیه السلام نسبت می دادند)

۶- بت شکنی و اعراض از شرک ، تنها کار پیامبر اسلام نیست ، بلکه او به پیروی از حضرت ابراهیم چنین می کرده است . ملّه ابراهیم حنیفاً

۷- اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ ، یکی بوده است . اسلام ، همان آیین حضرت ابراهیم است و تنفّر از شرک ، راه همه ی پیامبران می باشد . قل انّی . . . ملّه ابیکم ابراهیم و ما کان من المشرکین

آیه ۱۶۲

۱۶۲- قُلْ اِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو : همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند ، پروردگار جهانیان است .

آیه ۱۶۳

آیه ۱۶۳

۱۶۳- لَا شَرِيكَ لَهُ وَبَدَلِكَ اُمْرَتٌ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیت) ماء مور شده ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پروردگارم .

نکته ها

○ روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ی نماز این آیات را می خواند . (۳۰۱)

○ مرگ ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک ، و نُسُک بر نماز . بنابراین ، نماز ، هسته ی مرکزی در درون عبادات است .

○ اسلام ، به معنای تسلیم بودن در برابر امر خداوند است و به همه ی انبیا نسبت داده شده است . حضرت نوح علیه السلام خود را مسلمان دانسته است ، اُمرت آن اکون من المسلمین (۳۰۲) حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می خواهد که او و ذریّه اش را تسلیم او قرار دهد . و اجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا اُمّه مسلمه لک (۳۰۳) ، حضرت یوسف علیه السلام نیز از خداوند مسلمان مردن را درخواست می کند : توفّنی مسلماً (۳۰۴) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز اولین مسلمان است ، و انا اوّل المسلمین به این معنا که یا در زمان خودش ، یا در رتبه و مقام تسلیم ، مقدّم بر همه است .

۱- راه و روش و هدف خود را در برابر راههای انحرافی ، با صراحت و افتخار اعلام کنیم . قل

۲- با آنکه نماز ، جزو عبادات است ، ولی ، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد . صلاتی و نُسُکی

۳- انسان های مخلص ، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریحی خود (نماز و نُسُک) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند . انّ صلاتی و نُسُکی و محیای و مماتی لله

۴- آنگونه که در نماز

قصد قربت می کنیم ، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد . محیای و مماتی لله ...

۵- مرگ و حیات مهم نیست ، مهم آن است که آنها برای خدا و در راه خدا باشد . محیای و مماتی لله

۶- آنچه برای خدا باشد ، رشد می کند . لله رب العالمین

۷- مرگ و زندگی دست ما نیست ، ولی جهت دادن به آن دست ماست . لله

۸- اخلاص در کارها ، فرمان الهی است . بذلك امرت

۹- پیشوای جامعه ، باید در پیمودن راه و پیاده کردن فرمان الهی ، پیشگام باشد . اول المسلین

آیه ۱۶۴

آیه ۱۶۴

۱۶۴- قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبِغِي رِيًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ اِلَّا- عَلَيْنَهَا وَلَا- تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰى ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بگو: آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم؟ در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زیان خویش نمی کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی کشد، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاه می کند.

نکته ها

○ موضوع عدل الهی در کیفر و اینکه هیچ کس گناه دیگری را به دوش نمی کشد، نه تنها در اسلام، بلکه به تصریح قرآن، در صُحُفِ ابراهیم و موسی ۸ نیز آمده است. ام لم یُنَّبَا بما فی صُحُفِ موسی . و ابراهیم الذی وَفَى . اءَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰى (۳۰۵)

○ سؤال: اگر کسی گناه دیگران را بر دوش نمی کشد، پس آنچه در قرآن آمده است که رهبران گمراه و منحرف، گناهان پیروان را هم به عهده می گیرند چیست؟ لیحملوا اءوزارهم کامله یوم القیامه و من اءوزار الذین یضلّونهم بغیر علم (۳۰۶)

پاسخ: این امر بی دلیل نیست، زیرا سران گمراهی، سبب انحراف دیگران شده اند و در واقع، گناه گمراه کردن و اضلال را به دوش می گیرند.

○ زن حامله ای که مرتکب زنا شده بود را برای مجازات نزد عمر آوردند و او دستور سنگسار داد. حضرت علی علیه السلام فرمود: گناه طفل در

رحم مادر چیست؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: لا تزر وازره وزر أُخرى (۳۰۷)

پیام ها

۱- در برخورد با منکران و مشرکان، موضع بر حق خود را قاطعانه اعلام کنیم. قل اءغیر الله

۲- وجدان بیدار، بهترین پاسخ دهنده به سؤالات درونی است. اءغیر الله اءبغی

۳- چون خداوند، یگانه پروردگار همه ی هستی است، پروردگار من هم هست. و هو ربّ کلّ شیء

۴- کفر و شرک و نیکی و فساد مردم، ضرری به خدا نمی زند، بلکه دامنگیر خودشان می شود. لا- تکسب کلّ نفس الا علیها

۵- در پیشگاه خداوند مسئولیت عمل هر کس، بر عهده ی خود اوست. لا تزر وازره وزر أُخرى

۶- برپایی قیامت و بازخواست انسان، پرتویی از ربوبیت خداوند است. ثمّ الی ربکم مرجعکم

۷- دنیا نیز پایانی دارد، ثمّ الی ربکم مرجعکم و سرانجام به حَقّانیت آنچه لجوجانه با آن مخالفت کرده ایم، آگاه خواهیم شد. فیتبئکم بما کنتم فیه تختلفون

آیه ۱۶۵

آیه ۱۶۵

۱۶۵- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَ كُفْرٍ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَآءَاتِكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده، بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است والبته او حتما آمرزنده و مهربان است.

نکته ها

○ سوره ی انعام با حمد الهی آغاز شد الحمد لله الذی خلق... و با رحمت الهی پایان می پذیرد. انه لغفور رحیم

○ منظور از خلائف الارض، یا جانشینان خدا در زمین هستند و یا جانشینی انسان امروز از امت های پیشین.

پیام ها

۱- انسان، خلیفه ی خدا و امیر زمین است، نه اسیر هستی. و هو الذی جعلکم خلائف الارض

۲- تفاوت های مردم و آزمایشات الهی ، حکیمانه و در مسیر رشد و تربیت انسان است و از ربوبیت خداوند سرچشمه می گیرد . و هو ربّ کلّ شیء . . . رفع بعضکم فوق بعض . . .

۳- تفاوت و برتری بعضی در داده های خداوند ، ملاک برتری نیست ، وسیله ی آزمایش است . لیلوکم فی ما آتاکم

۴- آنچه را در اختیار داریم ، از خدا بدانیم . فی ما آتاکم

۵- معیار و مقدار آزمایش هر کس ، به میزان داده ها و امکانات اوست . لیلوکم فی ما آتاکم

۶- پس از آزمایش ، خداوند نسبت به مردودین سریع العقاب است و نسبت به قبول شدگان غفور رحیم .

۷- بیم و امید باید در کنار هم باشد . سریع العقاب . . . لغفور رحیم

الحمد لله ربّ العالمین

پی نوشتها ۸۶۹

۱- تفسیر اطیب البیان .

۲- اوستای فعلی ، اهریمن را خدای ظلمات و اهورا مزدا را خدای نور دانسته و میان آن دو تضادّ قائل است . تفسیر الکاشف .

۳- تفسیر نورالثقلین .

۴- تفسیر عیاشی ؛ بحار، ج ۹، ص ۳۵۵.

۵- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۶- کافی ، ج ۱، ص ۱۴۷.

۷- فاطر، ۱۱.

۸- تفسیر نورالثقلین ؛ توحید صدوق ، ص ۱۳۳.

۹- اگر علم خداوند نسبت به آشکار و نهان آدمی تفاوت داشت ، جمله ی **یعلم سرّکم و یعلم جهرکم**

۱۰- تفسیر مراغی .

۱۱- اقرب الموارد.

۱۲- تفاسیر المیزان و کبیر فخر رازی .

۱۳- تفسیر مجمع البیان

ذیل آیہ ۵۲ سورہ ہود.

۱۴- حج ، ۴۱.

۱۵- سباء، ۳۵.

۱۶- علق ، ۷۶.

۱۷- تفاسیر کبیر فخررازی و نورالثقلین .

۱۸- فرقان ، ۷.

۱۹- مؤ منون ، ۳۴.

۲۰- تفسیر مراغی .

۲۱- تفسیر نمونہ .

۲۲- لیل ، ۱۲.

۲۳- ہود، ۶.

۲۴- انعام ، ۱۲.

۲۵- مجادلہ ، ۳۱.

۲۶- کنز العمال ، ج ۳، ص ۱۶۲ و تفسیر فی ظلال القرآن .

۲۷- تفسیر فی ظلال القرآن .

۲۸- اعراف ، ۱۵۶.

۲۹- شوری ، ۲۸.

۳۰- اعراف ، ۵۷.

۳۱- قصص ، ۷۳.

۳۲- انبیاء، ۱۰۷.

- ٣٣- جاٲهه ، ٢٠ .
- ٣٤- هوءء ، ١٧ .
- ٣٥- اعراف ، ٧٢ .
- ٣٦- روم ، ٢١ .
- ٣٧- روم ، ٥٠ .
- ٣٨- زمر ، ٥٣ .
- ٣٩- تفاسير مجمع البيان و نورالثقلين .
- ٤٠- نهج البلاغه ، نامه ٣١ .
- ٤١- تفسير درالمنثور .
- ٤٢- تفسير صافى .
- ٤٣- فاطر ، ٢٣ .
- ٤٤- عنكبوت ، ٥٠ .
- ٤٥- تفسير عياشى .
- ٤٦- كافى ، ج ١ ، ص ٤١٦ .
- ٤٧- فتح ، ٢٩ .
- ٤٨- مفاتيح الجنان .
- ٤٩- كافى ، ج ١ ، ص ٦٧ .
- ٥٠- تفسير مجمع البيان .
- ٥١- لسان العرب .
- ٥٢- مجادله ، ١٨ .

٥٣- تفسير كنز الدقائق .

٥٤- تفسير عياشى .

٥٥- صف ، ٥.

٥٦- لسان العرب .

٥٧- الغدير، ج ٧ و٨؛ الصحيح من السيره ، ج ١، ص ١٣٤١٤٢.

٥٨- مؤ منون ، ١٠٠.

٥٩- مؤ منون ، ١٠٧.

٦٠- جاثيه ، ٣٣.

٦١- زمر ، ٤٨.

٦٢- طه ، ١٣١.

٦٣- مؤ منون ، ١٠٠.

٦٤- انفال ، ٢٤.

٦٥- بقره ، ١٧٩.

٦٦- نحل ، ٩٧.

٦٧- يونس ، ١٨.

٦٨- تفسير الميزان .

٦٩- تفسير اطيب البيان .

٧٠- تفسير نور الثقلين .

٧١- مفردات راغب .

٧٢- تفسير عياشى .

٧٣- صافّات ، ١٧١ ١٧٣.

٧٤- مجادلّه ، ٢١.

٧٥- روم ، ٤٧.

٧٦- غافر، ٥١.

٧٧- حج ، ٤٠.

٧٨- اسراء، ٩٠.

٧٩- اسراء، ٩٣.

٨٠- تفسير مجمع البيان .

٨١- انعام ، ١١١.

٨٢- جاثيه ، ٤.

٨٣- تفسير مراغى .

٨٤- نحل ، ٨٩.

٨٥- هود، ٦.

٨٦- نساء، ١١٤.

٨٧- نساء، ٥.

-٨٨

مائدہ ، ۱۰۱ ؛ تفسیر نورالثقلین .

۸۹- نمل ، ۱۸ .

۹۰- نمل ، ۲۲ .

۹۱- نمل ، ۲۶ ۲۲ .

۹۲- اسراء ، ۴۴ .

۹۳- نحل ، ۴۹ .

۹۴- نمل ، ۱۷ .

۹۵- نمل ، ۱۶ .

۹۶- تکویر ، ۵ .

۹۷- نور ، ۴۱ .

۹۸- تفسیر قرطبی .

۹۹- عنكبوت ، ۶۹ .

۱۰۰- ابراهيم ، ۲۷ .

۱۰۱- انعام ، ۲۳ .

۱۰۲- تفاسیر صافی و نورالثقلین .

۱۰۳- تفسیر المیزان .

۱۰۴- بقرہ ، ۲۱۶ .

۱۰۵- نهج البلاغہ ، حکمت ۲۵ .

۱۰۶- تفسیر مجمع البیان .

۱۰۷- تفسیر عیاشی .

١٠٨- معانى الاخبار، ص ٢٥٢.

١٠٩- حاقّه ، ٨ .

١١٠- واقعه ، ٦٥.

١١١- واقعه ، ٧٠.

١١٢- ملكك ، ٣٠.

١١٣- قصص ، ٧٢٧١.

١١٤- انعام ، ٤٦.

١١٥- تفسير نورالثقلين .

١١٦- يونس ، ٢٤ ؛ تفسير روح المعانى .

١١٧- احقاف ، ٢٤ ؛ تفسير اطيّب البيان .

١١٨- انفال ، ٢٥.

١١٩- هود، ٣١.

١٢٠- يس ، ١١.

١٢١- فاطر، ١٨.

١٢٢- تفسير الميزان .

١٢٣- قمر، ٢٥.

١٢٤- زخرف ، ٣١.

١٢٥- تفسير اطيّب البيان .

١٢٦- انفال ، ٣٢.

١٢٧- اعراف ، ٧٠ و ٧٧ ؛ هود، ٣٢.

١٢٨- تفسير الميزان .

١٢٩- يس ، ١٢ .

١٣٠- تفسير في ظلال القرآن .

١٣١- تفسير الميزان .

١٣٢- رعد، ١١ .

١٣٣- زخرف ، ٨٠ .

١٣٤- تحریم ، ٦ .

١٣٥- تفاسير مجمع البيان و نورالثقلين .

١٣٦- نهج البلاغه ، كلام ٣٠٠ .

١٣٧- تفسير اطيب البيان .

١٣٨- تفسير نورالثقلين .

١٣٩- تفسير نورالثقلين .

١٤٠- انعام ، ١٠٧ .

١٤١- غاشيه ، ٢٢ .

١٤٢- ق ، ٤٥ .

١٤٣- مائده ، ٩٩ .

١٤٤- يونس ، ٩٩ .

١٤٥- بقره ، ٢٥٦ .

١٤٦- فاطر، ٢٣ .

١٤٧- تفسير مجمع البيان .

۱۴۸- زمر، ۶۵.

۱۴۹- حاقّه، ۴۴.

۱۵۰- تفسیر نورالثقلین .

۱۵۱- وسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۶.

۱۵۲- وسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

۱۵۳- شاید بتوان برای تحریم کتب و برنامه های ضالّه، به این آیه استناد کرد.

۱۵۴- تفسیر نورالثقلین .

۱۵۵- سجده، ۳۰.

۱۵۶- حجر، ۳.

۱۵۷- نحل،

١٥٨- يوسف ، ٣٩.

١٥٩- معانى الاخبار، ص ١٤٦.

١٦٠- ص ، ٢٧.

١٦١- بقره ، ١٣٣.

١٦٢- بحار، ج ١٦، ص ٣٦٤.

١٦٣- ابراهيم ، ٤١.

١٦٤- تفسير الميزان .

١٦٥- توبه ، ١١٤.

١٦٦- توبه ، ١١٤.

١٦٧- تفسير الميزان .

١٦٨- تفسير اطيب البيان .

١٦٩- قاموس ، معجم الوسيط.

١٧٠- تفسير روح المعانى .

١٧١- تفسير نورالثقلين .

١٧٢- تفسير الميزان .

١٧٣- تفسير نمونه .

١٧٤- تفسير نورالثقلين .

١٧٥- تفسير الميزان .

١٧٦- تفسير اطيب البيان .

- ۱۷۷- تفسیر نمونه .
- ۱۷۸- تفسیر نورالثقلین .
- ۱۷۹- تفسیر نورالثقلین ؛ کافی ، ج ۲ ، ص ۳۹۹.
- ۱۸۰- تفسیر راهنما.
- ۱۸۱- بحار، ج ۲۳ ، ص ۳۶۷.
- ۱۸۲- تفسیر المیزان .
- ۱۸۳- تفسیر نورالثقلین .
- ۱۸۴- تفسیر نمونه .
- ۱۸۵- تفسیر نمونه .
- ۱۸۶- غیبت نعمانی ، ص ۳۱۶.
- ۱۸۷- تفسیر مراغی .
- ۱۸۸- تفسیر نورالثقلین .
- ۱۸۹- تفسیر عیاشی .
- ۱۹۰- انفال ، ۳۱.
- ۱۹۱- تفسیر نورالثقلین ؛ کافی ، ج ۲ ، ص ۵.
- ۱۹۲- تفسیر نورالثقلین .
- ۱۹۳- تفسیر نورالثقلین .
- ۱۹۴- شاید از اینکه ماه و خورشید، وسیله ی حساب در این آیه شمرده شده ، بتوان استفاده کرد که هم سال شمسی معتبر است ، هم سال قمری . و شاید رمز حساب و نظم دقیق یک پارچه باشد، نظیر زید عدل که زید را به تمامه عادل می داند.
- ۱۹۵- تفسیر کنزالدقائق .

١٩٦- تفسير نورالثقلين .

١٩٧- تفسير نمونه .

١٩٨- توبه ، ٣٠.

١٩٩- صافات ، ١٥٨.

٢٠٠- اعراف ، ٥٤.

٢٠١- مفردات راغب .

٢٠٢- تفسير برهان .

٢٠٣- اعراف ، ١٤٣.

٢٠٤- قيامت ، ٢٣.

٢٠٥- تفسير المنار.

٢٠٦- تفسير صافى .

٢٠٧- بقره ، ٢٨٦.

٢٠٨- فصلت ، ٤٦.

٢٠٩- اسراء ، ٧.

٢١٠- نحل ، ١٠٣.

٢١١- فرقان ، ٤.

٢١٢- فرقان ، ٦٣.

٢١٣- حجر ، ٣.

٢١٤- آل عمران ، ١٧٣.

٢١٥- مائده ، ٤٢.

٢١٦- توبه ، ٧٣.

٢١٧- بقره ، ١٩٤.

٢١٨- انعام ، ٤٣.

٢١٩- نهج البلاغه ، كلام ٢٠٦.

٢٢٠- تفسير

الميزان .

۲۲۱- هود، ۱۸.

۲۲۲- توبه ، ۱.

۲۲۳- تفسير مجمع البيان .

۲۲۴- تفاسير مجمع البيان و نمونه .

۲۲۵- ناس ، ۵.

۲۲۶- اسراء، ۲۷.

۲۲۷- تفاسير نمونه و المنار.

۲۲۸- بقره ، ۱۴۶ ؛ انعام ، ۲۰.

۲۲۹- اعراف ، ۱۳۷.

۲۳۰- نساء، ۱۷۱.

۲۳۱- بحار، ج ۲۴، ص ۱۷۴.

۲۳۲- نساء، ۸۷.

۲۳۳- تفسير نمونه .

۲۳۴- تفسير اطيب البيان .

۲۳۵- اين بيان تفصيلی ، اشاره به آيه ۱۱۵ سوره ی نحل است . تفسير الميزان .

۲۳۶- تفسير الميزان .

۲۳۷- بقره ، ۲۸.

۲۳۸- فاطر، ۹.

۲۳۹- بقره ، ۲۴۳.

۲۴۰- زمر، ۳۰.

۲۴۱- تفسیر المیزان .

۲۴۲- تفسیر المیزان .

۲۴۳- مفاتیح الجنان .

۲۴۴- تفسیر کنزالدقائق .

۲۴۵- طه ، ۲۵.

۲۴۶- شراح ، ۱.

۲۴۷- یس ، ۶۲.

۲۴۸- تفسیر اطیب البیان .

۲۴۹- تفسیر کشف الاسرار.

۲۵۰- آیات اول سوره ی جنّ و آیه ۲۸ سوره ی احقاف .

۲۵۱- حج ، ۷۵.

۲۵۲- شعراء، ۲۰۸.

۲۵۳- اسراء، ۱۵.

۲۵۴- فاطر، ۱۵.

۲۵۵- نجم ، ۲۱.

۲۵۶- واقعه ، ۶۴.

۲۵۷- نحل ، ۵۹.

۲۵۸- اسراء، ۳۱.

۲۵۹- فجر، ۵.

٢٦٠- غافر، ٧٩.

٢٦١- تفسير نمونه .

٢٦٢- تفسير نورالتقلين .

٢٦٣- فرقان ، ٦٧.

٢٦٤- بحار، ج ٩٣، ص ٩٦.

٢٦٥- برهان ، ج ١، ص ٥٥٧.

٢٦٦- كافي ، ج ٣، ص ٥٦٥.

٢٦٧- تفسير برهان ، ج ١، ص ٥٥٨.

٢٦٨- انعام ، ١٤٥ ونحل ، ١١٥.

٢٦٩- بقره ، ١٧٣ و مائده ، ٣.

٢٧٠- تفسير نمونه .

٢٧١- تورات ، سفر لاويان ، فصل ١١.

٢٧٢- تفسير نمونه .

٢٧٣- آل عمران ، ٩٣.

٢٧٤- آل عمران ، ٥٠.

٢٧٥- نحل ، ٣٥.

٢٧٦- حجر ، ٣٩.

٢٧٧- تفسير نورالتقلين .

٢٧٨- بقره ، ٨٣، نساء، ٣٦، انعام ، ١٥١ و اسراء، ٢٣.

٢٧٩- كافي ، ج ٢، ص ١٥٧؛ بحار، ج ٧١، ص ٣٩.

٢٨٠- مؤمنون ، ١٤.

٢٨١- تين ، ٤.

٢٨٢- زمر، ٢٣.

٢٨٣- هود، ٧.

٢٨٤- انعام ،

۱۵۲.

۲۸۵- نحل ، ۱۲۵.

۲۸۶- زمر، ۱۸.

۲۸۷- مؤ منون ، ۹۶.

۲۸۸- تفسیر مراغی .

۲۸۹- تفسیر نورالثقلین .

۲۹۰- هود، ۱۷.

۲۹۱- بقره ، ۷۹.

۲۹۲- بحار، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲۹۳- الحیاه ، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲۹۴- بحار، ج ۷۲، ص ۲۱۶.

۲۹۵- کنز العمال ، حدیث ۱۱۱۵.

۲۹۶- بحار، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲۹۷- فرقان ، ۷۰.

۲۹۸- مائده ، ۱۵.

۲۹۹- نساء، ۱۷۳.

۳۰۰- تفسیر نورالثقلین .

۳۰۱- تفسیر قرطبی .

۳۰۲- یونس ، ۷۲.

۳۰۳- بقره ، ۱۲۸.

٣٠٤- يوف ، ١٠١.

٣٠٥- نجم ، ٣٧ ٣٨.

٣٠٦- نحل ، ٢٥.

٣٠٧- بحار، ج ٧٦ ، ص ٤٩.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

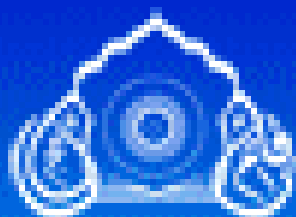
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹